

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا

در راه خدا بسوی تحمل مصائب و سختیها ،
با قلبی شاد و بامفاس

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا

راهنمایان

● نقش زمان و مکان در اجتهاد (فقه امام خمینی ره شماره ۶۰)

● تجربه سرمایه‌گذاری خارجی در جهان سوم

● خط‌مشی‌های موجود

در میان نیروهای انقلاب

● دیدگاه‌های مختلف درباره:

تبصره ۲۹ و سرمایه‌گذاری
خارجی

● دو خط‌مشی در اقتصاد ایران



(همراه با یک برگ ضمیمه)

● نقش زمان و مکان در اجتهاد

۳

● مله ابراهیم (ع)، مکتب جهانی حضرت ابراهیم (ع)

۷

● پرتوی از قرآن

۱۱

● برداشتهای استراتژیک

۱۲

● برداشتهای استراتژیک - اما مواستکیا رجحانی

۱۵

● برداشتهای استراتژیک - خطمشیهای موجود در میان نیروهای انقلاب

۱۸

● آن روزها که دلار هفت تومان بود .۹۰

۲۵

● خبرنامه استراتژیک

● سمینار بررسی اندیشههای امام خمینی

۲۷

● نطق نمایندگان مجلس پیرامون مسائل اخیر

۲۹

● دیدگاههای مختلف

۳۳

● درباره تبصره ۲۹ و سرمایه گذاری خارجی

۴۱

● تجربه سرمایه گذاری خارجی درجهان سوم

۴۵

● انقلاب خودجوش مردمی

● باتوافق شرق و غرب بانکجه برنارضایتیهای عمومی

۴۷

● ده سال پیش در آذرودی و بهمن واسفند

● معرفی کتاب: ایالات متحده، ایران و جنگ سرد - فرهنگ جبهه

۵۰

● پاسخ به خوانندگان

۵۲

(نوبت انتشار این شماره بهمن واسفند ۶۸ بوده است)



جمهوری اسلامی ایران

شماره ۲۱، ۲۱۰۲
تیرماه ۱۳۸۰ - ۵۸
پشت

آقای لطف الله میثمی
صاحب امتیاز نشر راه مجاهد

سلام طبیکم

با توجه به نامه مورخ ۱۳۶۵/۲/۲۱ جناب برتقای ایلان باالین جدید مطبوعات
صوب اسفندماه ۱۳۶۴ به اطلاع میرساند بمنظور اجرای ماده ۱۷ قانون مذکور
تقاضای یادشده در جلسه مورخ ۱۳۶۸/۲/۵ هیأت نظارت بر مطبوعات مورد رسیدگی
قرار گرفت و ادامه انتشار آن نشریه بلا مانع اعلام گردید

مهراب اکبریان
سرپرست اداره کل مطبوعات و نشریات

۹۸/۹/۱۸

راه مجاهد

زیر نظر شورای نویسندگان

صاحب امتیاز و مدیر مسئول مهندس لطف الله میثمی

روش: سیاسی ایدئولوژیک - چاپ: احمدی

آدرس: توجه شود که راه مجاهد بعلمت کمیود امکانات

دفتر نداشته و محل مسکونی زیر آدرس مدیر

مسئول نشریه است و صرفاً جهت اجرای قانون

مطبوعات و مراجعه وزارت ارشاد معرفی میگردد

تقاضا میشود قبل از مراجعه از طریق صندوق پستی

۱۷۱۸۵/۵۴۴ و یا تلفن ۳۵۳۵۶۸ تماس بگیرد

تهران، خری، خرزوی (آیمنگل)، کاسم گلی

کاخوان طباطبائی پ ۲۶ - ط دوم کد ۱۱۷۵۶

نحوه اشتراك

از کلیه برادران و خواهرانی که علاقمند به اشتراك با

نشریه "راه مجاهد" هستند، خواهشمندیم تمایل

کتبی خود را به صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۵۴۴ تهران

ارسال دارند.

بهای اشتراك:

۱۲ شماره ۳۰۰ تومان

۶ شماره ۱۵۰ تومان

لطفاً وجه اشتراك را در شعب بانک صادرات به

حساب پس انداز قرض الحسنه شماره ۴۹۸/۶۰۰۲۹

بانک صادرات شعبه میدان قیامینا م لطف الله

میثمی خواله نموده و فتوکپی آنرا به آدرس

اعلام شده ارسال فرمائید

چهارم: پرداختن به مسائل روزمره و سطحی و پرترفدار و بالطبع محدود کردن مسائل فعلی مجله.

پنجم: بالا بردن قیمت نشریه.

در میان راه حل های فوق، راه حل پنجم از همه سالم تر بنظر رسید. منتهی منتقل کردن فشار بر خوانندگان مجله امری بود که همواره از آن پرهیز داشتیم و نگران آن بودیم که مبادا عده ای از دوستان مجله بعلت بالا بودن قیمت، به آن دسترسی نداشته باشند جهت رفع این مشکل طرح زیر بنظر رسید، چنانچه پیشنهاد و یا راه حل بهتری بنظر خوانندگان مجله می رسد ما را راهنمایی نمایند.

طرح اشتراک امانتی:

هر کدام از مشترکین و یا خوانندگان و علاقمندان مجله که پرداخت بهای مجله را در توان خود نمی بینند مکاتبه نموده تا مجله در اختیار آنها قرار گرفته و پس از مطالعه آنرا مجدداً به آدرس مجله پست نمایند. بدیهی و لازم است که در طی مطالعه مراقبت کافی بعمل آید تا استفاده مجدد از آن امکان پذیر باشد. امیدواریم که با یاری خوانندگان عزیز گامی در جهت تقویت اصول انقلاب و خدمت به آرمان شهدای انقلاب اسلامی برداشته باشیم.

در پایان تذکر این نکته ضروری است که در حالی که مجلات و نشریات تنها با تیراژ بالاتر از ۱۰/۰۰۰ سود می دهد (آبیم در صورتیکه آگهی در کار باشد) فروش ما هیچگاه به سطح ۵۰۰۰ نرسیده است. در این وضعیت نباید تصور شود، ۲۵۰ ریالی که بر بهای نشریه اضافه شده، به شکل سود برای مجله باقی می ماند. در اولین قدم حق الزحمه پخش مجله در روزنامه فروشیها که سابق بر این ۸۰ ریال از ۲۵۰ ریال بود، هم اکنون به ۱۶۰ ریال از ۵۰۰ ریال خواهد رسید و زیان ناشی از برگشتیها و مجلات باطل شده نیز متناسب با رشد قیمت نشریه بالا می رود.

بطور خلاصه اینکه در وضعیت فعلی که برخی از کارهای نشریه به شکل داوطلبی و بدون دریافت حقوق انجام می شود، تنها قیمت ۶۵۰ ریال دخل و خرج نشریه را مساوی خواهد کرد و اگر چنانچه این خدمات داوطلبانه نباشد بهای ۶۵۰ ریال هم ضرر می دهد.

کارکنان مجله مایلند نشریه غیر انتفاعی باقی بماند، ولی با ادامه وضعیت قبلی دیگر توان تحمل ضرر به آن مقدار را نداریم. با قیمت ۵۰۰ ریال هم ضرر می دهد ولی امیدواریم که با "همت عالی" و کمکهای دوستان نشریه، توان تحملش را داشته باشیم.

والسلام

در شماره قبل در سخنی کوتاه و فشرده مشکلات مالی موجود بر سر راه انتشار مجله، توضیح داده شد و گفته شد که: $\frac{1}{3}$ قیمت نشریه یعنی ۸۰ ریال از ۲۵۰ ریال، سهم اتحادیه فروشندگان جراید است عناوین هزینه های دیگر نیز به شرح زیر می باشد:

۱- هزینه کاغذ

۲- حقوق کارکنان

۳- هزینه مقاله نویسی و تحقیقات.

۴- هزینه تایپ و غلط گیری

۵- هزینه صفحه بندی

۶- هزینه فیلم، زینگ و لیتوگرافی

۷- هزینه چاپ و صحافی

۸- هزینه حمل و نقل ها

۹- هزینه محل کار

۱۰- هزینه سوخت، آب، برق و تلفن

۱۱- هزینه انبارداری و آرشیو

۱۲- حدود ۵٪ از مجلات در اثر حمل و نقل و آفتاب خوردگی در روزنامه فروشیها به شکل باطله در می آید.

۱۳- برگشتیها، که معمولاً بیش از ۱۰٪ تیراژ است.

با محاسبه مخارج فوق به راحتی مشخص می شود که مجله شما با وضعیت قبلی به هیچ وجه توان ادامه راه را نداشت و بی دلیل نیست که حجت الاسلام محتشمی هم علی رغم آنکه چندین ماه مجوز انتشار نشریه ای را در دست داشتند، مدت ها با توجه به محاسبات فوق، موفق به انتشار نشریه خود نشدند.

ایشان در صحبتی گفته بودند مجله با تیراژ کمتر از ۱۰/۰۰۰ ضرر می دهد و این معیاری است که تمام دست اندرکاران نشریات و وزارت ارشاد به آن واقفند و این تازه در حالی است که آگهی هم در کار باشد. هم اکنون یک نشریه فکاهی با ۳۰/۰۰۰ تیراژ ضرر می دهد، چون آگهی ندارد.

بی دلیل نیست که فلان نشریه ای که در شماره های آغازین خود با طرح مسائل و زین اقتصادی در دل افراد نیازمند شوری برپا کرد پس از چند شماره به یکباره تغییر جهت داد و با طرح مسائلی که به طور موازی در ۱۲- ۱۰ نشریه قدیمی و جدید مطرح می شود، به دام مسائل روزمره و در پاره ای از موارد مبتذل افتاد.

در هر صورت کارمندان نشریه در برابر خود چند راه داشتند. اول: از ادامه انتشار نشریه منصرف شده و به تعطیل آن تن دهند دوم: کم کردن تعداد صفحات نشریه

سوم: گرفتن آگهی های پرسود چون آگهی روزلب، لوازم آرایش، و شرکت های مضارب های و امثالهم.

فقه شیعه خودنشانرا اهمیت نقش زمان و مکان در احکام است. بطوریکه اکثر فقهاء این ترتیب اصول را تابع شرایط می کنند. حتی در احکام عملیه تقلید از میت را جایز ندانسته اند و معتقدند باید از مجتهد حق و زنده عمده افرادی که با بها ئیت میا رزه می کردند چنین استدلالی داشتند که برای مؤثر بودن ضعیف بر قوی را تدوین می کنیم. و این حرکت در جهت خدا طلبی و پاسخ به نیازهای فطری و بی نهایت طلبی بشر می باشد. این سخنان

نقش زمان و مکان در اجتهاد

(فقه امام خمینی ره شماره ۱۰)

● مقدمه :

چندی پیش در مجلسی صحبت از نوشتن رساله‌های علمیه و عملیه بود، فردی روحانی مطرح کرد که در رابطه با کارهای علمی مانند فیزیک، شیمی، پزشکی و... نوشتن رساله معنی و مفهوم دارد. زیرا هر روز مطالب جدیدی پیدا شده و مثلاً "ویروس جدیدی کشف می‌گردد یا دانشمندان به قانوبندی تازه‌ای در رابطه با پدیده‌ها می‌رسند که باید بصورت تیز رساله ارائه گردد. اما در رابطه با احکام عملیه و مسائل دینی که دستورات ثابتی هستند، نیازی به ارائه رساله جدید نمی‌باشد. زیرا این احکام در رساله‌های قبلی هم بیان شده اند و کمابیش تغییری نکرده و ثابت هستند، بنا براین مطلب جدیدی مطرح نمی‌گردد تا نیاز به ارائه رساله جدید باشد.

ظریفی در رابطه با این مطلب می‌گفت اگر احکام اسلامی را یک رشته دستورات ثابت بدانیم و نقش زمان و مکان را در نظر نگیریم صحیح است، لیکن نفس وجود اصل اجتهاد در فقه شیعه خود نشانگر اهمیت نقش زمان و مکان در احکام است. بطوریکه اکثر فقهاء حتی در احکام عملیه تقلید از میت را جایز ندانسته اند و معتقدند باید از مجتهد حق و زنده

تقلید شود و بدیهی ترین ادله‌ای که در این خصوص بیان می‌کنند این است که می‌گویند شیعه به "اجتهاد دزنده" و "مستمر" معتقد است حال چرا با این وجود فقه محدود به احکام عبادی گشته و بعد از انقلاب سایر ابعاد سیاسی اجتماعی، اقتصادی... فقه احیاء گردیده، خود داستان درازی دارد. لیکن آنچه بدیهی می‌نماید این است که وظیفه فقه تشخیص مؤمن و عادل از ظالم، کافر از منافق است و می‌بایست مصالح مستضعفین را در هر مقطع زمانی روشن نماید. به این ترتیب هر روز درد و آفت جدیدی در این رابطه کشف و راه حلها و داروهای جدیدتری برای رفع آن مطرح می‌گردد، مانند آفت امپریالیسم، آفت صهیونیسم، آفت اصلت ابرار و... بنابراین ضرورت نگارش رساله‌های جدید و تدوین شیوه‌های مبارزات مکتبی برای دفع این آفات، خیلی بیشتر از رساله‌های فیزیکی و شیمی است و اصولاً فیزیک و شیمی می‌بایست در خدمت اجتماع قرار گیرد.

● ضرورت نگارش :

در این مقاله سعی ما بر این است که نظرات موجود در رابطه با نقش زمان و مکان در فقه را مرزبندی کرده و اصلاً نحوه تحقق اصول و احکام اسلام را در شرایط مختلف زمانی و مکانی نشان دهیم. بطوریکه نه اصول اسلام را تابع شرایط کرده (مدرنیسم) و نه دائماً اصول کرده و به شرایط توجه نکنیم (دگما تیسم) امید است بحث تفصیلی آن در آینه دامه یابد.

در رابطه با نقش زمان و مکان در اجتهاد و تفقه سه جریان عمده فکری و اجتماعی وجود دارد که به شرح مختصر هر یک می‌پردازیم :

الف - جریان متحجر یا دگما تیسم :
این جریان فکری با مطرح کردن این ادله که احکام الهی تغییر بردار نیست و حلال خداوند تا روز قیامت حلال و حرام الهی حرام می‌باشد. سعی در اجرای خشک احکام داشته و در جوامع مختلف و در زمانهای متفاوت هیچ دینا میزمنی نسبت به آن نشان نمی‌دهد.

ب - جریان شرایط گرایی مدرنیسم :
این جریان با شعار اسلام، دین همه زمانهاست و مسلمانان باید با زمانه پیش رونده همه اصول اعتقادی خود را برپیشرفت های علمی و متدولوژی بشری مواج می‌نمایند و به این ترتیب اصول را تابع شرایط می‌کنند... عمده افراد این گه با بهائیت مبارزه می‌کردند چنین استدلالی داشتند که برای مؤثر بودن

تبلیغ باید مثل بهائیه‌ها مدرن بود، کت و شلوار را طو کشیده، منزل مبلمان شده و ماشین سواری آخرین مدل و مظاهر زندگی امروزی را داشت و مانند آنها باید در رژیم شاهنشاهی نفوذ کرد تا جلوی آنها را گرفت، در این رابطه هم قبح رفاه و وابسته به قبح نظام شاهنشاهی از بین می‌رفت.

گرچه اسلام به مقتضیات زمان توجه دارد ولی این جریان مدرنیسم معتقد است که اسلام و فقه باید تابع زمان و مقتضیات آن باشد. برای باز شدن بحث از زاویه دیگری به آن می‌پردازیم. و آن اینکه عده‌ای از مذهبیه‌ها تاریخ را به پنج دوره تقسیم کرده و اینطور قضاوت می‌کنند که هر چه به عقب برگردیم ارتجاعی است و نتیجه می‌گیرند که مثلاً "فقه موجود مربوط به دوره فتوای الیسم و برده داری بوده و الان باید فقه دوران سرمایه داری تدوین شود. این جریان معتقد است که برای گسترش اسلام باید به شیوه‌های مدرن مجهز گردید تا زمینه گسترش اسلام در سایر کشورها فراهم گردد اصطلاحاتی نظیر، کشورهای پیشرفته، کشور-های عقب مانده، کشورهای توسعه یافته،

در حال توسعه، با درآندسرانه زیاده کم و... همه مربوط به فرهنگ این جریان است. زیرا با ملاکهای این جریان آمریکا و کلاً "غرب" دارای پیشرفت و توسعه است و کشورهای انقلابی نیز عقب مانده یا در حال توسعه تلقی می‌گردند و در انتهای راه به غرب خواهند رسید و از "کشورهای عقب نگه داشته شده" نیز بطور ظریفی حاوی همین مطلب است. زیرا مشخص می‌کنند که عامل زور این کشورها را عقب نگه داشته است و اگر این زور برداشته شود این کشورها در ابتدای راهی هستند که در انتها به غرب و آمریکا خواهند رسید و واقع این کشورها از علم و تکنولوژی غربی عقب مانده اند.

بنظر می‌رسد تبعیت از زمان بدون توجه به اصول صحیح نمی‌باشد. برای تقریب به ذهن یکی از خاطرات شهید حنیف نژاد را نقل می‌کنیم. شهید حنیف نژاد در سال ۴۹ زمانی که اولین آپولوی آمریکا در سطح ماه نشست مطرح می‌نمود که ما پیشرفته تر از آمریکا هستیم. زیرا آمریکا از صنعت و تکنیک در جهت انحراف بینهایت طلبی بشراستفا ده کرده و فتح ماه و سیارات را مطرح می‌کنند تا بدین طریق بینهایت طلبی و عدل طلبی واقعی را به بینهایت فیزیکی تبدیل نماید. در حالیکه ما با مبارزاتمان قانوبندی غلبه ضعیف بر قوی را تدوین می‌کنیم. و این حرکت در جهت خدا طلبی و پاسخ به نیازهای فطری و بینهایت طلبی بشر می‌باشد. این سخنان

به خوبی نشان می‌دهد که در یک متدولوژی صحیح همیشه شرایط تابع اصول بوده و اصول با مبنا گرفتن شرایط جا معه مواج نمی‌گردد اصولاً اجرای حکم عدالت از حضرت آدم (ع) تا پیا میرخاتم (ص) و از پیا میرتا به امروز تعطیل بردار نبوده ولی اشکال آن فرق کرده است. همین اصل عدالت ملاق و معیار پیشرفت و عقب ماندگی است.

اجرای احکام برای شکوفا شدن عقول و استعدادهاست و این در صورتی ممکن است که افراد حکم را درک نموده و در زمان پیا میر به نمودن حکم، رشد نمایند

ج - جریان اصول گرایا مکتبی :
این جریان معتقد است که رعایت اصول مکتبی همیشه واجب و لازم الاجرا است. اما در زمانهای مختلف در یک جا معه و یا جوامع متفاوت در یک زمان نحوه پیا میر شده شدن احکام فرق می‌کند. این اصول مکتبی از اولیین پیا میرتا کنون یکی بوده اما با توجه به شرایط جا معه و رشد فکری افراد نحوه تحقق آن تفاوت می‌کند. برای توضیح بیشتر به ذکر چند نمونه از نحوه برخورد قرآن با اجرای احکام و نظرات اندیشمندان معاصر می‌پردازیم.

● شهید مطهری و بحث روح یا بی احکام
شهید مطهری در کتاب اسلام و مقتضیات زمان بحث روح یا بی احکام را به این صورت مطرح می‌کنند که مثلاً اگر خون در زمان نسی معامله اش حرام بوده و استفاده مشروعی از آن نمی‌شده، ولی حالا که برای نجات انسانها لازم بوده و از آن استفاده مشروع می‌شود، معامله اش حلال می‌باشد. چه بسا که با تزریق مقداری خون جان انسانی نجات می‌یابد. به نظر می‌رسد همین مقوله روح یا بی احکام تأثیر دادن زمان و مکان در تحقق اصول باشد.

● برخورد قرآن با حرمت شراب
همانطور که در قرآن می‌بینیم مثلاً در رابطه با حرمت مستی و شراب در چند مرحله برخورد شده است. در مرحله اول با نزول آیه: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ" (۴۳ - ۴۴) برای حفظ حضور ذهن در نماز صراحتاً دستور داده می‌شود که در موقع مستی به نماز نزدیک نگردید که البته در این آیه شکلی از حرمت مطرح گردیده و نشان حلال بودن شراب در آن مقطع نیست.

در آیه ۲۱۹ سوره بقره نیز در این مورد می‌خوانیم: "يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعَةٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا

أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا... "بدین معنی که از تنبؤ درباره شراب و قمار سؤال می‌کنند بگوید آنرا گناهی بزرگ است و منافعی برای مردم، گناه آن بزرگتر از نفع آن است؟
در مرحله سوم با نزول آیه: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَزْلَامُ رَجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ، فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تَفْلَحُونَ" (۹۰ - ۹۱)، بنظر می‌رسد شیوه برخورد قرآن با این مسئله بصورت مقطعی و مکانیکی نبوده بلکه در مراحل مختلف اذهان را برای دستور قطعی حرمت شراب آماده می‌کند تا مردم با آمادگی و رشد فکری این مسئله را بپذیرا گردند. به عبارتی با نزول تدریجی این آیات ابتدا در آماده کردن اذهان کوشیده شده است، تا رشد فکری مردم به حدی برسد که خود با دلایل کافی بتوانند این امر را بپذیرند. در صورتیکه اگر در ابتدا بدون زمینه‌های ذهنی با این امر برخورد می‌شد، با توجه به اینکه سا بقه این کار طولانی و تجارت شراب از تجارتهای عمده در عربستان بود، نه تنها به این حکم اعتمادی نمی‌شد بلکه اصل مسئله زیر سؤال می‌رفت.

● وجوب روزه و دینا میزم قرآن
نمونه این برخوردها را در قرآن فراوان می‌یابیم مثلاً در آیه ۱۸۳ و ۱۸۴ سوره بقره می‌خوانیم: "ای گروه مومنان بر شما نوشته شده است روزه بدارید انسان که نوشته شده بر آن نکه پیش از شما بودند، شاید که پرهیزکاری کنید روزی چند و هر کس از شما بیمار یا در سفری باشد، پس چند روز از روزهای دیگر و بر آن نکه نتواندش فدیة است خوراک بینوائی و...". بنظر می‌رسد با تمام تأکید که در مسئله روزه می‌شود، اما در عین حال افرادی را از آن معاف می‌نماید و روزه را برای مسافرومریض واجب ندانسته و قایل به بران می‌داند و به این صورت زمان و مکان و وضعیت را در آن دخالت می‌دهد. در واقع هدف اجرای حکم است و در این امر هیچ کوتاهی جایز نیست. ولی اجرای حکم اشکال مختلف دارد، مثلاً برای افرادی که در قطب شمال و یا در زندانهای تاریک هستند و

تشخیص ماه رمضان برایشان مشکل است مسئله "فعدة من ايام اخر" را مطرح می‌کند

● برخورد قرآن با الغاء برده داری
همچنین در مورد برده داری با توجه به گسترش این امر در زمان نزول قرآن و پذیرش این مسئله در جا معه بعنوان برخورد با یک پدیده اجتماعی احکامی در این زمینه در قرآن مشاهده می‌گردد. با وجود اینکه روح کلی این احکام الغاء بردگی است اما برخورد قرآن را بعنوان یک پدیده اجتماعی فراموش نکرده است. بدین صورت که در داستان قرآنی برخورد حضرت شعیب با موسی، به ظاهر آیات قرآن مؤید برده داری است. ولی وقتی به عمق وجهت آن آیات نگاه کنیم الغاء بردگی را مشاهده می‌نمایم که ضمناً "به واقعیتها" زمان توجه شده است، مثلاً حضرت شعیب، موسی یک مجاهد فراری از دست فرعون را پناه داده و دخترش را به عقد او درمی‌آورد و قرار دادی با او می‌بندد که زمانی بین ۱۰ - ۸ سال محدود است و اختیارات آن هم با حضرت موسی می‌باشد. در حقیقت جهت آیات نشان می‌دهد که شعیب حضرت موسی را بنحوی پرورش داده و به زبان امروزی کادرسازی کرده است تا وی را برای مبارزه با فرعون آماده کند.

● انسان مکتبی در برگیرنده شرایط
یک انسان مکتبی ضد شرایط نیست بلکه به بهترین وجهی در برگیرنده شرایط مکانی و زمانی خود است. یک انسان مکتبی ضد علم، ضد ملیت، ضد مکان، ضد غرایز و ضد تجارت و... نیست بلکه تمام اینها را در خدمت مکتب بکار می‌گیرد. در قرآن آیه ۲۳ سوره توبه می‌فرماید: "بگوا اگر هستند پدر آن شما و فرزندان شما و برادران شما و همسران شما و عشیره شما و مالهایی که اندوخته‌اید و تجارتی که از کسبش ترسید و خانه‌هایی که شما را راضی می‌کنند دوستدار ترا زخا و رسولش و جها در راهش پس منتظر باشید تا خدا وندا مرغوبش را بیاورد..."

یک فردمکتبی ضدغرایز و خا نوا ده نیست اما خدا را بیشتر دوست دارد. و معتقد است که فطرت بهتر از غرایز است بعبارتی علاقه به خدا بر دیگر علائق اولویت دارد نه اینکه با آنها در ضدیت باشد. برای تحقق امر خدا یک فردمکتبی با ید بهتر از هر کسی شرایط را شناخته و رشد داده و محدودیتها و افکار مردم را بدانند تا بتوانند بهترین و صحیح ترین راه تحقق اصول را بیابند.

● حضرت موسی و شناخت بهتر از شرایط جا معه

در قرآن شاهد دنیا حضرت موسی هستیم که از خداوند میخواستند تا هارون برادرش را به عنوان وزیر و تعیین نماید. بنظر میرسد حضرت موسی با وجود اینکه پیا میرا الهی است و دارای اصول و راه و روش مشخص و معینی می باشد، اما بعلمت تبعید و جدا بودن از قومش این نیاز را در خود احساس می کند که با فردی مثل هارون که از قوم و شناخت بیشتری داشته و فرهنگ و جدود ذهنی مردم را کاملاً می شناسد و درجه رشد ملت را میداند تا "در حال ارتباط با شدت به نحو بهتری اصول را در جا معه تحقیق دهد. حضرت موسی گرچه روش شناخت صحیح را داشت ولی برای تحقق آن به میزان شناخت بیشتر محتاج بود و این مهم بوسیله هارون که هم فکر و نیز بودتاً مین می شد.

نه اصول اسلام را تابع شرایط کرده (مدرنیزم)

و نه دایم اصول، اصول کرده و

به شرایط توجه نکنیم (دگماتیزم)

● نحوه ایمان آوردن سا حران به حضرت موسی

با زدر قرآن شاهدیم که حضرت موسی با سحره که اصطلاحاً از اندیشمندان آنموقع بودند چگونه برخورد نمود. در واقع حضرت موسی در مقابل سحر و افسون و عملیات چشمگیر سحره که از تکنیک بالای آنموقع برخوردار بود، با حرکتی برتری یعنی بلعیدن مارها توسط اژدهای که به او مراد با عصایش ایجاد کرده بود، توانست سا حران را جذب خود نماید آنها با وجود دشمن فرعون به موسی ایمان آوردند و مشکلات را به جان خریدند.

● اجرای احکام جهت رشد و هدایت بشر

مرحوم آیت الله طالقانی در پرتویی از قرآن مطرح می نماید که احکام الهی جهت هدایت بشر آمده اند و اگر حکمی بدا جرا شود،

به حکم لطمه زده و باعث تعطیل اصل حکم می گردد. این مطلب نشان می دهد که اگر حد فکری جا معه در اجرای احکام الهی رعایت نگردد باعث عدم اعتنا دمردم به احکام شده و زمینه های فکری را محتمل برای اجرای دراز مدت احکام به تعویق می اندازد.

آیت الله طالقانی در پرتو جلد ۱ صفحه ۱۸۲ چنین می گویند: شرایع و احکام بمقتضای تکامل بشر موجود شرائط و محیطی برای تحول نفس و با زشدن چشماندا ز عقل می باشد. یعنی هدف احکام تکامل، تحول نفس و با زشدن چشم انداز عقل است. لذا شکل احکام، اجرا یا اجرا نشدن بستگی به برآورده کردن آن هدف دارد.

همچنین در صفحه ۲۲۲ چنین گفته اند: کتاب که اصول و فروع آن مورد این مواثیق است همان ظهور تدریجی از آده خداوند می باشد که تحقق و اجرا آن بپا دارنده عالیت ترین نظام اجتماعی انسانی است. دیگر صورتها اجتماعی و ترکیبات آن طریق و مقدمه این ترکیبات الهی است. یعنی همه احکام (که تعیین کننده صورتهای اجتماعی می باشند) مقدمه ترکیب الهی جا معه یعنی عالی ترین نظام اجتماعی که آده خداوند در آن تحقق یافته است می باشد. که از این مطلب موقت، مشروط و هدف دار بودن احکام استخراج می شود. صورت موقت و مشروط هر حکم در ارتباط با زمان

و مکان اجرای حکم می باشد.

● اجرای احکام بدون وجود زمینه های ذهنی

انقلابیون ما به فرض که روش شناخت درستی داشته باشند ولی به میزان شناخت از جا معه کم بها می دهند و توجهی به این امر نمی کنند که مردم چه فکر می کنند و در ذهن آنها چه می گذرد. بعبارتی به روشناسی اجتماعی جا معه کم بها می دهند بطوریکه ممکن است اجرای یک حکم با نیت هشد رجا معه به عکس آن تبدیل گردد بعنوان مثال مردم ما انسانهای عاطفی هستند و اگر کسی را در سر گذرا عدا م کنند خوششان نمی آید و عده کمی تحقیق می کنند که جرم آن فرد چه بوده و این عمل با توجه به روانشناسی اجتماعی در جا معه ما اثر منفی خواهد داشت. اگر فلسفه قصاص، حیا و رشد است، با شناخت ذقیق جا معه این قصاص اثر مثبتی نداشته و موجب افسردگی

و دلسوزی برای مجرم خواهد شد. در جا معه ما به علت اجرای ناقص احکام بسیاری از افراد به نفس احکام بدبین شده اند، بطوریکه انقلاب را مرادف با اجرای احکام می دانند و اجرای احکام را هم مرادف با شلاق و زور و خشونت. این عمل به اساساً سبب تشکیل حکومت اسلامی که نجات بخش ترین احکام بوده و باعث پیروزی انقلاب گردیده ضربه می زند مثل اجرای حکم حجاب که به علت برخورد های خشنی که با آن شد در خیلی موارد اثر عکس داشته و زحالت داد و طلبی خا رج شده و در را بطه با اجرای آن کراهت وجود دارد و اگر مقرراتی در این رابطه نباشد بسیاری از افراد از موضع ضدیت و برخورد عکس العملی بی حجاب خواهند شد.

● در هیچ کشوری انقلاب کشور دیگر را بصورت کلیشه ای نمیتوان پیاده نمود

ما فو تسه تنگ انقلابی چین در تجربه انقلاب چین به این دستاورد رسید که "انقلاب را انقلابیون دانند و انقلاب شوروی را انقلابیون شوروی میدانند و انقلاب چین را انقلابیون چین و ... یعنی در ضمن اینکه اصول انقلاب را همگان می توانستند بدانند ولی طرف زمانی و مکانی هر جایی را انقلابیون آن مکان درک می کنند و در هیچ کجا نمی توان انقلاب یک کشور را به صورت کلیشه ای پیاده نمود. همانطور که از آقای موسوی از رهبران حزب الله لبنان سؤال شده که آیا شما حکومت اسلامی در لبنان قابل پیاده شدن است؟ ایشان جواب داده اند حکومت اسلامی در لبنان مثل ریختن گندم بر روی آسفالت است تا زمین از بنیه مهیا نگردد حکومت اسلامی تحقق پیدا نمی کند. در طول مبارزه علیه اسرائیل زمینه برای تشکیل حکومت اسلامی در لبنان ایجاد می شود.

● تحقق اصول در شرایط مختلف

آبی که از کوهی به پایین در جریان است با موانع و گودالهای متفاوتی برخورد کرده و مسیر خاصی را طی می کند. در طول این مسیر آب ما هیت و جریان خود را حفظ می کند اما در گودالهای مختلف شکل و ظرف مکانی آنجا را بخود می گیرد ولی تابع آن نمی شود، شاید در جای دیگر، مسیر خود را پیچ و خم دهد اما ما هیت آب و فرمول همیشه ثابت است. در یک جا معه هم ما بطوریکه مرحوم طالقانی در تفسیر پرتویی از قرآن می گویند، اجرای احکام برای شکوفا شدن عقول و استعدادهاست و این در صورتی ممکن است که افراد حکم را درک

اصولاً اجرای حکم عدالت از حضرت آدم (ع) تا پیا مبر خاتم (ص) و از پیا مبرتا به امروز

تعطیل بردار نبوده ولی اشکال آن فرق کرده است

نموده و در زمان پیا ده نمودن حکم رشد نمایند هر ملت در هر زمان، ذهنیت، فرهنگ و آداب و رسوم دارد که باید متناسب با آنها و برای تعالی این اذهان اصول در آن جامعه پیا ده شود. در غیر این صورت مسلماً "اصل مطلب و حکم زیر سؤال خواهد رفت و در نهایت به تعطیل شدن آن خواهد انجامید اینجاست که اصول به صورت چماقی برای تکفیر و تصفیه ملت بکار میرود.

● نقش زمان و مکان در روش تفقه شیعه

پس از رحلت پیا مبر (ص) شیعه از قرآن و عترت پیروی می‌کند. در همین اصل شیعه نقش زمان بخوبی مشخص است. چرا که پیا مبر برای امتش نه فقط قرآن بلکه قرآن را در رابطه با عترت و ناگسسته زهم باقی گذاشت. منظور از عترت شبکه یا تشکیلات خالص شده و تزکیه شده‌ای است که قدرت حمل و پیا ده کردن قرآن را داشته باشند که ائمه اطهار و انسا نه‌ای کاملی هستند که مصداق این عترت می‌باشند. قرآن حامل می‌خواهد ناطق می‌خواهد. هر آیه‌ای که در قرآن است یک مابه‌زاد طبیعت و جوامع دارد. اما مایا انسان کاملی که حامل قرآن است منظوم تاریخ و طبیعت هم هست. حامل قرآن کسی است که در برگیرنده همه مراتب جامعه باشد، روح و نفس جامعه باشد. در مکتب ما نقش دادن زمان و مکان در احکام با "اما زمان" حل می‌شود. روحی باید باشد تا احکام را روحیابی کند و ضمن توجه به ظاهر اجتماع و اشیاء حکم به باطن قضا یا و مور کنند و به این طریق زمان و مکان در روش تفقه شیعه مستتر می‌گردد به این ترتیب که حامل قرآن در شرایط فعلی اما م زمان (هج) است و انتظار فرج در شیعه با لاترین عبادت است تز حکومت اسلامی و تشکیلات جمهوری اسلامی در این راستا بوجود آمد. واژه‌های دیگری که برای اما م زمان بکار رفته است نظیر ولی‌عصر، ولی امر، منجی بشریت، اعلیحضرت، همگی در برگیرندگی زمان و مکان را می‌رساند متأسفانه در این راستا در حوزه‌های علمیه و در میان نیروهای مذهبی خیلی کم‌کار شده است. زهر صاب نظری سؤال کردیم که

کتابی در زمینه نقش زمان و مکان در احکام معرفی نمایند، نتوانستند پاسخی دهند.

● زمان و مکان و شان نزول آیات و روایات

نکته دیگر در اهمیت نقش زمان و مکان واژه‌های اسلامی است که در فرهنگ اسلامی از آن استفاده می‌شود مثل واژه‌شان نزول یعنی جوامع در چه‌شان و چه شرایطی بوده است که آیه‌ها نازل شده، به عبارتی دیگر آیه مابه‌زاد چنیازی در پیا مبر (ص) و جوامع بوده است که خداوند آن را نازل کرده است. واژه‌شان نزول نشان می‌دهد که بایده زمان و مکان توجه کرد و بدون شناخت از آن نمی‌شود آیات قرآن را فهمید و آنرا تحقق داد.

● برخورد اما م خمینی با اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها

در فقه مصطلح حوزه دوم موضوع اساسی قابل بحث است. یکی موضوع متدولوژی یا روش استنباط احکام. و دیگری نقش زمان و مکان در صدور احکام، این دوم مسئله اساسی فقه سالهاست که مطرح بوده و در زمان مابه‌زاد دوی آنها از طرف اما م و سایر صاحب نظران برخورد شده است.

موضوع اول در رابطه با روش استخراج احکام و روش تعقل و تفقه است. به این ترتیب که با توجه به ادله ربعه که دلایل اصلی برای صدور یک حکم هستند سئوالی مطرح می‌گردد که از بین این چهار ردلیل قرآن سنت و عقل و اجماع کدامیک بردیگری ارجحیت داشته و یا با هر کدام چگونه می‌توان برخورد نمود. مشاهیده می‌گردد که در میان ادله ربعه برداشت از قرآن و سنت منوط به عقل می‌گردد. روش تعقلی هم که آموزش داده می‌شود چیزی جز روش تعقل یونانی بشری و به عبارتی قیاس تعقلی ارسطویی نیست که جوهره منطق ارسطو می‌باشد به این ترتیب منطق‌های بشری مانند منطق یونانی ارسطو بعنوان کلیدی برای فهم و برداشت از قرآن محسوب می‌گردد.

اما م در این زمینه با مطرح کردن این مطالب که کتابهای ارسطویی بویی از آنچه در قرآن دنبال می‌شود، نمی‌دهد. با نفوذ

یونان در معارف اسلامی برخورد فعا ل کردند. وقت آن رسیده که پیروان اما م همزمان با تاکید و تکریم ایشان این دستاوردهای بنیادی اما م را پیگیری نمایند.

موضوع دوم طرح احکام با توجه به شرایط زمانی و مکانی است. همانطور که در قرآن شاهدیم تمام آیات قرآن دارای مراتب یکسان نیستند بلکه قرآن دارای آیات محکم متشابه، ناسخ و منسوخ و ۱۰۰۰ است که اینها همه در اثر شرایط مختلف زمانی است که آیه‌هایی که در ابتدا نازل می‌گردد بعد از گذشت مدت زمانی با نزول آیه دیگری منسوخ می‌گردد و یا همانگونه که در سیرا ئمه و حاملین قرآن شاهدیم ائمه ما دارای ۱۲ خط مشی بظا هر متفاوت بوده اند به این صورت که خط مشی اما م حسن (ع) در زمان اما م سجاد (ع) قابل پیا ده کردن نبود و یا اما م کاظم (ع) نمی‌توانستند خط مشی اما م رضا (ع) را پیا ده نمایند و یا اینکه ائمه ما دارای وحدت در ایدئولوژی و روش شناخت بودند. اما ۱۲ خط مشی مختلف را در ۱۲ زمان متفاوت ارائه نمودند این مسئله نقش مهم زمان و مکان را در احکام نشان می‌دهد.

با این مقدمه نمی‌توان صرفاً "با الگوسازی از خط مشی‌های ائمه آن زمان به خط مشی واقعی در زمان و مکان خودمان برسیم بلکه بایستی با توجه به حامل و ناطق حقیق و زنده قرآن به خط مشی واقعی رسید. در باب نقش زمان و مکان در اجتهاد اما م بیاناتی داشته اند از جمله "اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نیست" و یا "مهم شناخت درست حکومت و جوامع است که بر اساس آن بتوان برنامه‌ریزی نمود" و یا "حکومت فلسفه عملی برخورد با کفر و شرک و معضلات داخلی و خارجی را تعیین می‌کند" و یا در پیا م به مجمع تشخیص مصلحت فرمودند یکی از مسائل بسیار مهم در دنیا ی پرا شوب کنونی نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیری بها است. یعنی اگر یک مجتهدی در تبریز باشد ممکن است یک جوری به قصه برسد که مجتهد آفریقائی نرسد. و یا این اجتهاد مصطلح و تئوریهای مدارس ممکن است به نقض ظاهری قانون اساسی بیانجامد و یا مطرح کرده اند که ممکن است به خاطر بقا و مصلحت نظام اسلامی، حکمی را تعطیل نمود.

امید است پس از رحلت اما م (ره) مجتهدین رساله‌های خود را در راستایی تدوین کنند که ابعاد سیاسی اجتماعی احکام اسلام تشریع گردد و گرنه تکرار رساله‌ها به سبک گذشته مشکلی از اسلام، انقلاب و نظام جمهوری اسلامی حل نمی‌نماید.

حل تضادهای ملت‌ها و مذاهب با توسل به :

ملت ابراهیم (ع)

مکتب جهانی حضرت ابراهیم (ع)

مقدمه :

ایمن روزها تصورات نادرستی راجع به تزجیهانی اسلام مطرح می‌شود و اینطور مقدمه چینی می‌گردد که شرکت‌های فراملیتی (نفت و اسلحه) آنجا که منافع جهانی دارند و خواهند بود یک ایدئولوژی بی‌مرز و بوم بوده و مخالف ملیت هستند. از طرف دیگر کمونیست‌ها نیز تز جهان وطنی و بی‌مرزی را تبلیغ می‌نمایند و از این طریق با ملیت مخالفند. در دوران نهضت ملی شدن نفت هم فراملیت‌ها و هم توده‌ای‌ها با مرحوم دکتر مصدق مخالفت می‌کردند و دشمن سرسخت وی بودند. در این

معادله چنین نتیجه می‌گیرند که تنها راه، ملیت و مبارزات ملی است و تزجیهانی اسلام و صدور انقلاب نیز دست‌درست فراملیت‌ها و توده‌ای‌ها دارد. البته لازم به تذکر است که در کودتای ۲۸ مرداد نه تنها کمپانی‌های نفتی با توده‌ای‌ها در یک راستا قرار گرفته و واژه "توده - نفتی" بوجود آمد بلکه یک نگارش از اسلام هم مؤید کودتا بود و هم خطا توده‌ای‌ها و کمپانی‌های نفتی عمل کرد.

در این مصاحبه که تحت عنوان "ملت ابراهیم (ع)" می‌آید، سعی برادر محقق در این است که نشان دهد محتوای تزجیهانی اسلام تزجیهانی ملت ابراهیم است و با سه جریان فوق تضاد دینی دارد. (کمپانی‌های نفتی، توده‌ای‌ها، اسلام آمریکایی) و حمل‌کننده کلیه تضادهای ایران و خاور میانه و بخصوص جوامع مرکب که متشکل از پیروان ادیان و ملت‌های مختلف است مانند لبنان و فلسطین و عراق می‌باشد.

این شعار استراتژیک نه تنها ملیت را نفی نمی‌کند بلکه مبارزات ملی را به بهترین وجهی تعالی می‌دهد.

س: برادر شنیده‌ایم که تحقیقاتی

قرآنی در مورد زندگی و روش‌های حضرت ابراهیم (ع) انجام داده‌اید برایمان این سؤال مطرح است که چرا بین آیه‌های قرآن، آیات مربوط به حضرت ابراهیم (ع) را انتخاب کرده‌اید. آیا این امر ضرورت ایدئولوژیک و استراتژیک داشته است؟

ج: در رابطه با سؤالی که عنوان نمودید در شرایط فعلی انتخاب شیوه و روش‌های حضرت ابراهیم (ع) برای تحقیق و نظر استراتژیک بسیار ضرورت دارد. بعنوان مثال ما شاهد وضعی در خاور میانه و ایران در سطح بین‌المللی هستیم. شاهد آنیم که یک سری اختلافات در بین جریان‌های سیاسی - مذهبی و تشکیلاتی مختلف وجود دارد. واقعا "در ایدئولوژی‌ها و افکار موجود نیز معیار رومحک شخصی برای حل بنیادی این اختلافات دیده نمی‌شود. گرچه برای حل این اختلافات معاهده و قرارداد بمنظور آتش‌بس و صلح امضاء می‌شود لیکن ملاحظه می‌کنیم علی‌رغم این قراردادها و وحدت‌روزیه روزها این اختلافات تشدید می‌شود.

اختلافات سیاسی - فرقه‌ای، قبیله‌ای، مذهبی، سیاسی در لبنان و همچنین اختلافات ایدئولوژیک سیاسی درون انقلاب اسلامی، که بمنظر می‌رسد هیچکدام بطور بنیادی و اصولی حل نشده‌اند. شیوه موجود برای حل اختلافات یا جنگ و خونریزی است و یا برخورد حذفی و آینه‌ای است. این را نیز خوب میدانیم که برخوردهای فوق‌نه‌تنها اختلافات را حل نمی‌کند بلکه آنها را تشدید نیز می‌نماید و در مقاطعی به اشکال دیگر بروز میکنند. می‌بینیم که از یک طرف وحدت بی‌سن مذاهب بزرگ مثل یهود، مسیحیت و اسلام یک نیاز بشریت است و با توجه به این نیاز

است که ما میریالیسم از آن سوءاستفاده کرده و در صدد ایجاد وحدت‌های کاذب است. از طرف دیگر چون ملاک توحیدی و صحیحی برای این وحدت نیست، میریالیسم از این نیاز سوءاستفاده نموده و طرح وحدت‌های آبکی و ارتجاعی مثل طرح کمپ دیوید را مطرح می‌نماید. که در این راستا ما شاهد وحدت ارتجاعی - صهیونیسم و میریالیسم تحت عنوان به اصطلاح وحدت مذاهب هستیم که سعی دارند این سه طیف اهل کتاب را بر علیه کمونیسم متحد کنند. در حالیکه گرماکی صحیح و واقعی که حتما "هم هست پیدا کنیم. میتوانیم هم به بهترین وجهی این مذاهب بزرگ را علیه بت‌ها و طاغوت‌های زمان به وحدت برسانیم و هم اختلافات گروهی، فرقه‌ای، و سیاسی را حل کنیم. همچنین تضادهای درون انقلاب اسلامی را تعالی بدهیم و به شکل صحیح حل نماییم. وقتی روی این مسائل فکر می‌کنیم به "شعار استراتژیک" ملت ابراهیم می‌رسیم. واقعا اگر کسی ملت ابراهیم را بعنوان یک الگو بشکل عینی ارائه بدهد، آینده دنیا را میتواند عوض کند و اختلافات موجود در منطقه و ایران را بشکل صحیح قادر است حل نماید. اگر به قرآن و سیره نبی اکرم (ص) رجوع کنیم می‌بینیم که این روش‌الگو گرفتن و اسوه قرار دادن، روش حضرت رسول اکرم (ص) نیز بوده است.

س: درست است که حضرت ابراهیم برای حضرت رسول (ص) اسوه بوده اند ولی ما که حضرت رسول اکرم را اسوه میدانیم چرا از طریق خود اسلام که دین فراگیر و جامع است به یک راه حل فراگیر و برتر نرسیم و مشکلات خاور میانه، لبنان و تضادهای داخلی ایران را حل نکنیم؟ مگر نه این است که اسلام با هر پدیده‌ای یک برخورد تعالی بخش دارد؛ با ملت موسوی با ملت عیسوی با روش‌های لیبرالی و الحاد ما دیگری و... آیا درست است که راه و آئین حضرت ابراهیم (ع) را الگو قرار می‌دهیم؟

ج: اینکه شما گفتید چرا به اسلام رجوع نمی‌کنیم و برخوردهای اسلام را را هنما و الگو قرار نمی‌دهیم یا بدگفت: ما بعنوان یک مسلمان و یک شیعه معتقدیم که در اسلام و روش‌های ائمه اطهار تمام مسائل به تفصیل بیان شده است و اگر کسی قرآن و عترت و رابطه صحیح بین ایندو را دریا فتها بد حتما "می‌تواند تمام مشکلات را از این طریق حل نماید

ما نمی‌گوئیم که دست از اسلام بر میداریم بلکه این راهی را که به آن رسیدیم اسلام به ما پیشنها می‌کند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم... حضرت رسول (ص) وقتی با یهودیها و مسیحیها برخورد می‌کنند نمی‌گویند بیا آئید اسلام را درست بپذیرید.

می‌فرمایند ای اهل کتاب بیا فید بسوی آن "کلمه" ای که بین ما و شما یکی است تا با یکدیگر نزدیک شویم و تعالی پیدا کنیم این برخورد به این معنی است که اسلام آنقدر فراگیر و شامل است که قاعدتاً بقیه مذاهب را جذب و در خود حل نماید: و این شیوه حضرت رسول (ص) است که از یک شیوه فراگیر و شامل برخورد هدایتی را با مخالفین شروع می‌کنند و این همان راه اسلام ابراهیمی است که پیاپی مبر اکرم از طرف خداوند احیاء کننده این راه بوده اند چنانکه خداوند خطاب به حضرت رسول می‌فرماید: اَتَّبِعْ مِلَّةَ اِبْرَاهِیْمَ حَنِیْفًا "وَمَا کَانَ مِنَ الْمَشْرِکِیْنِ" (سوره نحل آیه ۱۲۳) بعد از اینکه قرآن اختلافات یهودیت، مسیحیت و تعصبات آنها را بیان می‌نماید و مقایسه آنها و افتخارات جا هلی آنها را رد می‌کند می‌فرماید تواز هوئی و هوسهای آنها تبعیت نکن بلکه از ملة ابراهیم تبعیت کن که از مشرکین نبوده و یکتا پرست بوده است.

س: بیت المقدس تا مدت‌ها هم قبله مسلمان بود و هم قبله مسیحیان و یهودیان و بسیاری از انبیاء مثل حضرت عیسی (ع) زکریا و یحیی از آنجا مبعوث شده‌اند. آیا تغییر قبله به این دلیل بوده است که ادیان و ملت‌ها را به اساس توحید کعبه و حضرت ابراهیم (ع) ارجاع دهد؟

ج: در رابطه با این مسئله واقعا "این ارجاع به شیوه و روش حضرت ابراهیم (ع) روش اسلام است و بهترین راهها دین حنیف ابراهیمی است که دین یکتا پرستی است و حضرت محمد (ص) مبشر این است و اگر خدا بخواهد ولیاقتش را داشته باشیم در این راه برویم و روش ما اینچنین باشد انشاء الله که حیا کننده این سنت حضرت رسول و ائمه اطهار باشیم.

اگر کسی ملة ابراهیم را

بعنوان یک الگو بشکل عینی ارائه بدهد

آینده دنیا را میتواند عوض کند

و اختلافات موجود در منطقه و ایران را

بشکل صحیح قادر است حل نماید.

س: آیا می‌توان این روشی را که شما مطرح می‌کنید به روش حضرت رسول در جریان تغییر قبله تشبیه کرد؟ در آنجا حضرت رسول (ص) مسلمان را به کعبه می‌فرستاد و ابراهیمی ارجاع دادند، و این امر در حالی بود که خودشان زنده بوده و به ایشان از طرف خدا و ندوخی می‌شد. آیا می‌توان این نتیجه را گرفت که وقتی همه جناحهای مورد اختلاف ابراهیم را قبول دارند و به آن تاسی می‌جویند برای حل تضادهای این نقطه وحدت الهی تکیه کرد؟ یا این تکیه به نقاط وحدت یک شیوه مجامدی نیست؟ با توجه به اینکه این شیوه تنها هدایت مسلمان را در برداشت بلکه هدایت و خلص منطق از اهل کتاب، اعم از ملت عیسوی و موسوی را در برداشت؟

ج: بله من هم از همین روش قرآن در حل اختلافات مذاهب به ضرورت این شعاع رسیدم که قرآن همه را به حضرت ابراهیم ارجاع میدهد. در مسئله تغییر قبله هم محتمل است که این قضیه باشد و می‌شود در آن هم این مسئله را دید که ارجاع به کعبه ارجاع به اساس توحید و بنیانگذار آن است.

ج: بله، اتفاقاً "حج هم یک چنین ویژگی دارد. حج ابراهیمی که می‌گوئیم، اساس آن حضرت ابراهیم است و بازگشتن به راه ابراهیم و برپا داشتن آن، کانونی برای وحدت و فراخواندن سایر مذاهب به شما رمی آید و هدف فرقه‌گرایی و تعصب خشک و کوردینی نیست.

وجه دیگر این تحقیقات و شعاع "ملة ابراهیم" حل اختلافات شیعه و سنی است. که بنظر میرسد به بهترین وجهی در راه و آئین ابراهیم (ع) حل می‌شود. یک راه این است که بیا ئیم اختلاف سنی شیعه را تشدید کرده، جنگ شیعه و سنی را بهیندا زیم که این راه باطلی است و در خدمت امپریالیسم، چرا که امپریالیسم حتی حکومت عثمانی را هم تحمل نکرد. از لحاظ حل این اختلافات یک راه این است که هفته وحدت اعلام کنیم که البته خیلی خوب است، ولی کافی نیست. راه دیگر تفقه تطبیقی است که مرحوم آیت الله بروجردی در قم شروع کردند

بنظر من طرح این شعار تضافتی با اسلام و منافع مسلمان بعنوان یک دین بزرگ ندارد و عقبگرد نخواهد بود. از وجه دیگر در جوامع مرکب مثل لبنان، فلسطین و عراق که فرقه‌ها و طوائف و مذاهب زیاده‌وار و جهالت و تعصب هم در آن راه پیدا کرده است. برداشت و تلقی "تعصب فرقه‌گرایی" ائمه اطهار را

س: بنظر میرسد که آنچه مطرح کردید دو وجه مثبت دارد: یکی اینکه تمامی معتقدین به همه جای دنیا ابراهیم (ع) را قبول دارند و راه بشر را تعالی می‌دهد بسمت راه انبیاء و از مقایسه و امتی نمی‌نماید حتی ارتش آمریکا و ارتش اسرائیل که سهیل میلیتاریسم امپریالیسم و صهیونیسم اند.

س: آیا شما می‌گوئید که از شکل ابراهیم (ع) کلیه بشریت و کلیه مسلمانان را به می‌دهد. آیا که مورد قبول آنهاست به محتوای قرآنی آن چنین نیست؟ برویم؟

ج: بله ضمن اینکه صحبت‌های شما را تأیید می‌کنم. این شعرا چون همه را به راه ابراهیم (ع) تعالی می‌دهد در نهایت همه به راه حضرت رسالت (ص) تعالی پیدا می‌کنند. و از حضرت رسول به عترت آنحضرت که احیاء کننده سنت او هستند تعالی پیدا می‌کنند. و این محتوای همان اعتقاد به خط امام زمان و ائمه اطهار و رسیدن الشهادت است و در شکل خط شیخ الانبیا حضرت ابراهیم است.

تا اینجا این صحبت‌هایی که شد بررسی قضیه زوجه مذهب بود اما از وجه جریانات سیاسی، آلان درخا و رمیانها ما شاهد دوجریان ملی و اسلامی هستیم. واقعاً "تضاد ملی و اسلامی" چه در ایران و چه در منطقه، آنچنان تضاد شدید و غیر قابل حلی است که تا بحال این تضاد به علت حل نشدنش زمینه کودتا‌های بسیاری بوده است. اگر یک ملاک برتر داشته باشیم بطوریکه قادر باشد این دو جریان را دربر گرفته و تضاد آنها را حل کند بهترین مبارزه را با کودتا و دست‌های مرموز کرده و تحولات عمیقی در درون منطقه بوجود می‌دهد پیوسته. بعنوان مثال می‌توان از تضاد با صروریان اخوان المسلمین یا دکردویا در درون خود ایران مثل تضاد فدائیان اسلام و دکتر مصدق و یا تضاد جریانات سنتی فعلی با جریانات روشنفکری که به شکل ملیت و مذهب بروز کرده است که تلاش‌های بسیاری در جهت حل آن شده است. ولی چون ملاک فراگیری را نداشته‌اند است عملاً "حلش عقیم مانده". من فکر می‌کنم که حضرت ابراهیم و روش او بهترین ملاک و محک است که تضاد دوجریان ملی و اسلامی را قاطعاً حل کند چرا؟

کلاً "نژاد عرب و ناسیونالیست‌های عرب اسلام را دین عرب میدانند و از وجه دیگر نژاد خودشان را از حضرت ابراهیم (ع) میدانند، با نژاد عرب اگر بخوانید برخورد تعالی بخش کنید پدر این نژاد، حضرت ابراهیم است و همین پدر این نژاد مبشر اسلام نیز هست اگر راه ابراهیم را مطرح کنیم نژاد عرب را به پدرش ارجاع داده ایم. و اگر نژاد پدران ندهند معلوم می‌شود که حتی تعصب نژادیشان هم دروغی است و اگر تسلیم شوند به راه توحید و آئین ابراهیم تعالی پیدا می‌کنند و در نهایت به راه اسلام محمدی مورسند و به این ترتیب می‌بینیم که تضاد ملی، اسلامی از این طریق قابل حل است.

س: آنچه که گفتید نقطه قوت دیگری نیز دارد و آن اینکه بین اعراب و یهودیه یک

درگیری نژادی تاریخی وجود داشته و دارد. هیچکدام از این دو نژاد نمی‌توانند از طریق نژادی حقانیت بخسود را ثابت کنند، چون هر دو نژاد به حضرت ابراهیم بر می‌گردند بنا بر این می‌توانیم بگوئیم که این درگیری نژادی موجود یک انقطاب کاذب است. یعنی دو قطبی کردن کاذبی است که در نهایت به "یک سازش" منجر می‌گردد. آیا از طریق طرح شعار "ملت ابراهیم" که مطرح می‌کنید این درگیری به یک جنگ حق و باطل و یا به یک صلح پایدار تعالی پیدا نمی‌کند؟

ج: اگر روش حضرت ابراهیم الگو قرار بگیرد آن‌هایی که حتی روی نژاد خودشان تعصب داشته باشند در این مسئله تعالی داده می‌شوند و نهایتاً این است که درگیری بر سر روش حضرت ابراهیم (ع) شکل می‌گیرد که این طبیعتاً "اختلاف دو برداشت است که از جنگ دو نژاد دخیلی متعالی تر و در نهایت به حل اصولی و صحیح منجر می‌شود. در این راستا با آخرین سیره و روش درست حاکم خواهد شد و خواهیم دید که چگونه تضاد اعراب و یهودیه در شعار استراتژیک ملت ابراهیم حل خواهد شد.

در مورد ایران هم این مسئله به این شکل درمی‌آید که اگر روش حضرت ابراهیم

حضرت ابراهیم آنقدر آزاده بود که با نظرات مردم راجع به خداوند برخورد می‌کنند و اعتقاد و نحوه گمان راجع به خداوند را منشاء عمل میدانند

اگر دیده شده که ملیون با مذهب سنتی برخوردنا درستی داشته‌اند باید گفت: ملت ایران را خوب نشناخته‌اند. و اگر مقدسین ما با ملیون برخورد حذفی و نادرستی داشته‌اند عمق اسلام را در ایران و تاریخ ایران متوجه نشده‌اند.

الگو قرار بگیرد از آنجا که ویژگی‌های دینولوژیک

برخوردنا راست. در ایران مسئله مذهب سنتی یک مقوله فرهنگی نبوده بلکه یک امرایدنولوژیک است و در برابر ناسیونالیسم و آزادی از انجاسمی برخوردنا راست که برای هر عملی "نصوحکمی" داشته و نمی‌توان سطحی و شکلی و بی‌تفاوت از کنار آن گذشت. برای پیوند و تعالی با آن باید از یک انجاسم برتر برخوردنا رباشیم. اگر دیده شده که ملیون با مذهب سنتی برخوردنا درستی داشته‌اند باید گفت: ملت ایران را خوب نشناخته‌اند و اگر مقدسین ما با ملیون برخورد حذفی و نادرستی داشته‌اند عمق اسلام را در ایران و تاریخ ایران متوجه نشده‌اند.

تضاد ملی، مذهبی در ایران اگر بخوانید از طریق فرهنگ موجود و جو حاکم حل شود به جایی نخواهیم رسید. ولی می‌توان در این رابطه به راه حل زیر رسید که از طرفی برای جریان سنتی، مسئله ملی و ملیت را حل کنیم بدین ترتیب که واژه ملی و واژه‌های قرآنی و اسلامی است و ریشه دیگری ندارد. مله در قرآن به معنای آئین و روش آمده و از حامل آن آئین هم جدا نیست. بعنوان مثال عبارت مله ابراهیم که در قرآن آمده، سمبل آئین و سنت و روش خاصی است، که حاملین آنرا هم شامل می‌شود که مجموعه‌ای از افرادند و امتی

مرحوم شریعتی در جامعه‌شناسی مذهبی تحقیقات دامنه‌داری نموده است و به این نتیجه رسیده که امت مجموعه افرادی هستند که برای یک هدف و آئین واحد به هم پیوند خورده‌اند و هیچ قوم و طایفه‌ای و ملتی در تاریخ نبوده که مذهب و آئین و فرهنگی را بر خود حاکم نداند. امت مسیح یا عیسوی پیروان مسیح هستند، امت موسوی پیروان حضرت موسی،

ایستادگان آشکارا در آن منطقه است و شکل نژادی آنچنانی ندارد مسئله ناسیونالیسم در ایران یک مسئله نژادی نیست بلکه یک امرایدنولوژیک است. اکثر ملیون ایران مسلمان هستند و حداقل قضیه این است که افتخارات ملی ایران نظیر آثار مملووی حافظ، سعدی، نظامی، فردوسی... را قبول دارند که این آثار را از روحیه مذهبی عمیقی

ایستادگان آشکارا در آن منطقه است و شکل نژادی آنچنانی ندارد مسئله ناسیونالیسم در ایران یک مسئله نژادی نیست بلکه یک امرایدنولوژیک است. اکثر ملیون ایران مسلمان هستند و حداقل قضیه این است که افتخارات ملی ایران نظیر آثار مملووی حافظ، سعدی، نظامی، فردوسی... را قبول دارند که این آثار را از روحیه مذهبی عمیقی

امت محمد ص پیروان رسول اکرمند.

در حدیث ثقلین پیا مبرا کرم (ص) قرآن و عترت را برای ما به ارث گذاشته اند. قرآن همان آئین و روش است و عترت همان حاملین قرآن و به عبارتی جریان تزکیه شده ای است که قادر به حمل و اجرا و پیا ده کردن کتاب خدا می باشد. حال که معلوم شده هیچ ملتی بدون آئین نیست. بهترین آئینها آئین ابراهیم است که در آن آئین، نه نژاد و اصالت دارد و نه جغرافیا و نژاد و زبان و لهجه. لذا بهترین ملتها، ملتی است که آئین ابراهیم را راهنمای عمل خود قرار دهد. حتی در قرآن به خود حضرت رسول نیز توصیه شده است که از مله ابراهیم تبعیت کن. بعنوان مثال ملیون ما منشور ملل متحد را قبول دارند و در آن منشور بسیاری از احکام اسلامی، ابراهیمی رعایت شده و تنها بخشی از آن است. طبیعتی است که ملیون ایران با توجه به فرهنگ اسلامی خود، تنها مخالفتی با مله ابراهیم و با زکشت به آن ندارند بلکه تعالی خود را نیز در آن می بینند.

لذا من به این نتیجه رسیده ام که تضاد این دو جریان را نیز از طریق شعرا استرا تژیک مله ابراهیم قادریم حل کنیم. چرا که آئین ابراهیم ملاک است و بهترین آئینها "آئین" ابراهیم است. در ایران هر عنصر ملی بایده "مله" ابراهیم رجوع کند چرا که اگر چنین کاری نکنند، میل نیست. اگر یک عنصر ملی به ملت ابراهیم رجوع کند تعالی یافته و این به بهترین وجهی تقویت ملت است که به این ترتیب اختلاف ملیون و جریانهای اسلامی قابل حل است.

س: در رابطه با تحقیقات شما یک سوال بنظر میرسد. گفتید تضادهای دنیای غرب با راه انبیا، مخصوصا شعرا، ملت ابراهیم قابل حل است. دنیای دیگری نیز وجود دارد بنام دنیای کمونیسم، تضاد با دنیای کمونیسم را چگونه می توان از درون شعرا استرا تژیک مله ابراهیم حل نمود؟

ج: اتفاقا "راه حل برهان ابراهیمی" شعرا استرا تژیک مله ابراهیم این مسئله مطرح می شود که ما علاوه بر مسئله خاورمیانه و این اختلافاتی که تیم دوم مسئله در برابر خود داریم یکی مسئله تمدن غرب را در برابر خود داریم و دیگری مسئله دنیای کمونیسم. اولاً دربرابر کمونیسم که شما مطرح کردید، خلاصه می توان گفت ملتی که حضرت ابراهیم در مورد نحوه رسیدن به خدا وندودریافت

رب" داشته بهترین روشی است که می توان با آن مسئله کمونیستها را حل کرد. یعنی حضرت ابراهیم (ع) با ایمان فطری به این مسئله که "ربی" دارد بنه آثار و پدیده ها نگرست و فاطرا السموات و الارض را یافت این روش فطری، همه انما نها را فطرتا" خدا جو، عدل طلب و یا بینهایت طلب می داند یعنی همه انما نها طلب حقیقت و عدل هستند منتها مصداق آن را در چیزهایی غیر از آن قبول دارند. آنها مصداق آن را ماده می داند. درحالی که ماده کشف ازلیت و ابدیت را ندارد و این مقام مختص خدای قائم به ذات است. بنظر من این نحوه نگرش را حل اختلاف با کمونیستها است که ما را از بحث فلسفی نیز دور می داند و همان قدم اول، به شیوه حضرت ابراهیم و به قول امام خمینی در تفسیر الحمد لله انسا نها را خدا جوم می داند. در این راستا در جریان عمل صالح است که با تحقق امر خدا به بهترین نحوی خدا شناسی را بیان کرده ایم. در این نحوه نگرش به انسان، "خدا شناس" و "خدا نشناس" مطرح است نه "با خدا" و "بی خدا".

ارزش هر فرد به اندازه مایه ای است که برای مبارزه میگذارد.

طبق این تعریف

ارزش افراد را در اداقت و ایثارشان تعیین میکند.

دربرابر تمدن غرب نیز می داند نیم کفه بزرگترین ادعای تمدن غرب دموکراسی است یعنی واقعا "شعرا" برتر از دموکراسی برای عصر حاضرند. همین دموکراسی است که همه را فریفته است بطوری که امروز ما شاهدیم تمام جنبشهای آزادیبخش جهان سوم شعرا دموکراتیک میدهند، هر چند ضد غرب هم باشند. در نهایت نیز شاهدیم که در خط تمدن غرب قرار گرفته و می گیرند. در شعرا استرا تژیک ملت ابراهیم (ع) نشان داده می شود که با لایزال دموکراسی در راه ابراهیم است. در راه برهان ابراهیمی است. به این دلیل که حضرت ابراهیم (ع) که ایمان به خدا را فطری و غیر قابل شک و انکار می داند. هر برداشتی را از خدا وندود تعریفی را از او در نهایت یک "برداشت" می داند. هر انسانی در حد درکش مجاز و ناگزیر از برداشت از خدا ونداست و در منطق ابراهیم اگر کسی در خدا شک بکند در حقیقت در برداشت خود از خدا شک کرده است که این مقدمه تعالی به شناخت برتر است.

این با لایزال و عمیق ترین دموکراسی در زندگی انسان می باشد. چرا که ایستاد برداشتها محترم و قابل برخورد و تعالی هستند حضرت ابراهیم آنقدر از داده بود که با نظرات مردم را جمع به خدا وند برخورد می کنند و اعتقاد و نحوه گمان را جمع به خدا وند را متشابه عمل می داند. در یک محاسبه با قومش پس از ذکر اعمال آنها می فرماید فما ظنکم برب العالمین گمان شما را جمع به پروردگار جهان نیا که این چنین عمل می کنید چیست؟

دموکراسی از این با لایزال نمی شود که ما هر عقیده ای را که دارد ریم یعنی ان یک برداشت از واقعیت بیان کنیم و آنکس که ادا مدهنده راه انبیا است با این برداشتها برخورد کند و غلطها را اصلاح و خوبها را تعالی بدهد. بنظر من در این روش هم هدف داری هست و هم دموکراسی. در این رویه که روش حضرت ابراهیم است هم از دموکراسی مبتذل غرب برکنار است و هم بهترین برخورد تعالی بخش با تمدن غرب و طرفداران آن است.

این روش دقیقا "غیر از تشوکرسی مرسوم در کلیساهاست که می گفتند خدا نزد ما سست

و مردم را بطنه مستقیم با خدا نداشتند مقسم بهشت و جهنم هم ما ایم و فقط روزهای یکشنبه به کلیسا بیایید و استغفار کنید.

از آنجا که تمدن غرب نیز موضعی در مورد خدا وند نمی داشت و ثابت است و تصور از خدا را مساوی خود خدا می داند لذا جای برخورد این تمدن وجود ندارد و در این مورد به دگما تیزم می رسند و چون خدا را از طریق مفاهیم ذهنی اثبات می کنند خدا ایشان مخلوق ذهن گشته در نتیجه خود خدا بین می شوند و این خود خدا بینی اساس استکبار است که نتیجه آن دیکتاتوری است. نمونه آن کلیسای قرون وسطی بود. و هر کس هم در خدا شک کند و یا بظا هر خدا را قبول نداشته باشد دشمن تمدن غرب تلقی می شود. توجیه اتحادیه های نظامی و پیمانهای منطقه ای متخاصم مثل ناتو علیه ورشو و کمپ دیوید علیه کمونیسم همین نحوه نگرش به خداست.



پرتوی از:

قرآن

در سبای از مرحوم طالقانی

از آن او، خواه نخواه بسوی او رهسپاریم. اینگونه اینها از پیچیدگی بخود و علاقه‌های موهوم باز و گسترده میشوند. بعکس آنها، کسانی که بخود پیچیده و در لاک اوهام خزیده‌اند و هدفی خدایی و برتر ندارند در هجوم مصائب پیچیده تر میشوند و روز بروزال میروند.

مرحوم طالقانی در برداشت فوق از قرآن روش صبور شدن و ایحاد و تقویت قوه صبر در درون انسان را بیان میکند ایشان ریشه اساسی صبر را در جهان بینی الهی و بینش صحیح میدانند. برای کسی که ایمان داشته باشد که همه انسانها و همه آنچه وجود دارد از آن خداست و در حال تحول بسوی خداست. تحمل مشکلاتی که در راه تحقق اراده خداوند برای انسانهای مؤمن پیش میآید آسانتر است و ذکر و تکرار و یادآوری این قانون الهی و تقویت جهان بینی توحیدی موجب تقویت صبر در او میشود. آن کسی که به روز قیامت و روز واپسین ایمان ندارد و طبعاً دنیا و هر آنچه در آن است برای او حکم حیات نهایی را دارد، در برابر مشکلات و مصائبی که برایش در زندگی پیش میآید بسیار ضعیف و شکننده است، چرا که هدفش لذت از دنیاست و نرسیدن به این مقصود باعث یأس و ناامیدی میشود. و از دنیا که هدف او در زندگی بوده ناامید شده و روزه زوال میبرد.

اما آن کسانی که معتقد به زندگی جاودانه در آخرت و تسلیم بر اراد خداوند هستند

بقیه در صفحه ۱۴

و اراده مطرح می نمایند. فی المثل وقتی که به فردی رشوه‌ای پیشنهاد می شود، می توان اجر و قریب را که بدلیل انجام داد قانه کار نصیب فرد میشود را متذکر شد و صفای باطنی و خلوصی که حاصل این کار است را بیان کرد و فرد را به این صفا و خلوص علاقمند کرد. روابط سالمی که با حذف عامل رشوه بوجود میآید توضیح دارد و رشوق نسبت به چنین جامعه‌ای افزود و بدینوسیله نیروی مقاومت در برابر پیشنهاد رشوه را افزایش داد و میتوان عواقب ناشی از گرفتار شدن بدنامی و بی اعتمادی و بی اعتبار شدن در نظر مردم را گوشزد کرد. روش اول صبر باید از روش دوم صبر محدودی را بوجود می آورد که فرد اگر نتواند مخفیانه اینکار را انجام دهد از انجام آن خودداری نمیکند.

متن کتاب :

بشر الصابرين، الذین اذا اصابتهُم مصیبه قالوا ان الله وانا الیه راجعون. الذین... توصیف میان این صابرين مورد بشارت است: کسانی که صبرشان از خواص صلابت جسم و خوی نفسانی نیست. چگونه تفکر و دید جهانی و لطافت روح آنها را باید از صابر ساخته و تازیانیه مصائب بیدارتر و هشیارتر و باید ارترو فروغ ایمانشان را افزون و میدان دیدشان را وسیعتر میکردند. الذین اذا اصابتهُم مصیبه... بینش برتر خود را با ایمن تعبیر جامع اعلام مینمایند. قالوا ان الله وانا الیه راجعون. مادر تصرف و ملک خداوندیم و خود و هر چه داریم در حقیقت

یا ایها الذین آمنوا استمعینوا بالصبر و الصلوة ان الله مع الصابرين (۱۵۴) ولنبلونکم بشئ من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرين (۱۵۶) الذین اذا اصابتهُم مصیبه قالوا ان الله وانا الیه راجعون. (۱۵۷) سوره بقره.

هان ای کسانی که ایمان آورده اید یاری جوید به صبر و نماز - براستی خداوند با صابران است - و به یقین من آزمائیم شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش از مالها و حانها و بهره ها و نوید ده صابران را - همانها که چون مصیبتی آنان را رسد گویند براستی ما برای خدا و ما بسوی او باز آید گانیم.

متن کتاب

یا ایها الذین آمنوا استمعینوا بالصبر و الصلوة ان الله مع الصابرين - صبر - خودداری - به تعبیر عمیق تر هر کردن قوای اثر پذیر و نفسانی از ایمن - انسان و اراده است تا در برابر انگیزه های درونی و عوامل بیرونی ترسها، آرزوها، شهوات، ناتوان و نفوذ پذیر نشود و خود را نبازد.

مرحوم طالقانی روش بدیعی را برای بالا بردن صبر و خویشتن داری مؤمنین در برابر حوادث و سختیها ارائه داده اند. ایشان برخلاف آنها یی که به وسیله ترساندن انسان از عواقب صبر نکردن و گناه آن سعی در تقویت قوه صبر در درون افراد میکنند هر کردن نقاط ضعف انسان را با ایمان

برداشت‌های استراتژیک

مقدمه:

در این شماره برآنیم تا برداشت‌های استراتژیک موجود را که از این طرف و آن طرف از افراد سالم و دلسوز شنیده می‌شود، بصورت خبرهای استراتژیک بدون برخورد فعال بیاوریم. شاید برای نیروهای کسبه در جستجوی جوابی برای "چه باید کرد؟" هستند، مؤثر افتد.

فهرست برداشت‌ها:

- ۱- ریشه‌یابی تعدیل نظام‌های انقلابی
- ۲- شریعتی و گذار نهضت به نظام
- ۳- خط مشی ائمه اطهار (ع) درباره برنامه‌های اسلامی زمان خود
- ۴- صداقت و صلابت ناشی از خدا جوئی، با لاترا ز فقدان ایدئولوژی
- ۵- انقلاب اسلامی رهگشای بن بست "شرع" و "مردم"
- ۶- ترزتشکیل حکومت اسلامی، صالح ترین عمل زمان ما
- ۷- ایدئولوژی ترکیبی، استراتژی ترکیبی و برآیند نیروها
- ۸- انقلاب، چپ رویها و راست رویها
- ۹- رشد مردم و تغییر در شیوه‌های روحانیت
- ۱۰- ارزش هر فرد به مایه‌ای است که برای مبارزه می‌گذارد.
- ۱۱- گزیده‌ای از نظرات برادر محمد زاده معاون سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دانشگاه امیرکبیر و دانشگاه تربیت معلم (۱۴ و ۲۲ بهان)
- ۱۲- در شرایط فعلی انقلاب ما چه خط مشی‌هایی در میان نیروهای انقلابی وجود دارد.
- ۱۳-
- ۱۴-

۱- ریشه‌یابی تعدیل نظام‌های انقلابی

معلوم نیست چرا هر وقت نظام انقلابی مستقر می‌شود پس از آن تعدیلی در اصول پیش می‌آید و این تعدیل هم یک دفعه به وقوع نمی‌

پیوندد بلکه بصورت خزنده صورت می‌پذیرد. بعنوان مثال ابتدا تئوری "شرایط لحظه‌ای مطرح شده و گفته می‌شود که در بعضی مقاطع میتوان از اصول کوتاه آمد. دست برداشتن از اصول در بعضی مقاطع به مفهوم تن دادن به عملی است که بر مبنای جهان بینی شرکت در گذشته ساخته و پرداخته شده است. این تعدیل در اثر استمرار، از حالت تاکتیکی خارج شده به صورت استراتژیک در می‌آید و پس از سال‌های متمادی معیار ایدئولوژیک را که شخص بدان معتقد است تحت اثر خود گرفته و فرد را به "چند خدا" پرستی میکشاند. برداشت کننده چنین بنظرش میرسد که شاید علت این تعدیل دو چیز باشد:

اول اینکه اصول انقلاب در توده‌ها جا نیفتاده و رسوب نکرده و به عبارتی از شعار به شعور و در نتیجه به عمل تبدیل نشده است. دوم اینکه در کارهای انقلاب هم که به اصول انقلاب آگاه‌اند، در اعتقاداتشان رکود یا انفعالی پیش می‌آید که موجب سلب قدرت عمل در ایشان میگردد.

۲- شریعتی و گذار نهضت به نظام

مرحوم دکتر شریعتی بدین مضمون معتقد بودند که سه چیز موجب گذار نهضت به نظام می‌شود:

- ۱- ترک اجتهاد.
- ۲- ترک امر به معروف و نهی از منکر.
- ۳- مهاجرت.

این برداشت استراتژیک با الهام از درسهای اسلام شناسی (حسینیه ارشاد) مجموعه آثار شماره ۱۷ تحت عنوان "انقلاب دائمی" بیان شده است. جهت مطالعه تفصیلی تر رجوع شود به خلاصه مطلب "شریعتی و انقلاب دائمی" در همین شماره.

۳- خط مشی ائمه (ع) درباره برنامه‌های اسلامی زمان خود اصلاحگری بوده است.

خط مشی ائمه اطهار اساساً در برخورد با نظام‌های ظاهراً اسلامی زمان خودشان برانداخته نبوده است. بلکه سعی آنها بر تقویت اصول اسلام و اصلاح آن نظام‌ها بوده است که طبعاً نسبت به باطل برانداخته و خلع بود. نظام‌های ظاهراً اسلامی آن زمان نیز از اصلاحگری ائمه اطهار تلقی برانداخته داشته اند و بدین سبب با ائمه به محاربه و درگیری می‌پرداخته اند. حتی شعار امام حسین هم، اصلاح مست رسول اکرم (ص) بوده است.

۴- صداقت و صلابت ناشی از خدا جوئی، با لاترا ز فقدان ایدئولوژی مدون در برابر غرب امام خمینی (ره) از چند ویژگی صداقت و دلسوزی برخوردار بودند. از طرفی امام فاقد ایدئولوژی مدون نبودند ولی صلابت و استواری ایشان در برابر غرب ناشی از سرمایه آن مرحوم یعنی توجه به خدا بود که با لاترا از ایدئولوژی مدون بوده و میتواند منشأ تدوین ایدئولوژی تفصیلی گردد. به علت این صلابت و توجه به خدا کسی جرأت نمیکرد در رابطه با غرب را مطرح کند.

۵- انقلاب اسلامی راهگشای بن بست "شرع" و "مردم"

در ارزیابی انقلاب مشروطیت به دو جریان که بشکل دو قطب مقابل هم عمل می‌کردند، بر می‌خوریم:

الف- مشروطه خواهان

ب- مشروطه طلبان

الف- مشروطه خواهان که جانب رأی مردم را می‌گرفتند و بر قانون اساسی و همه پرسی تاکید می‌ورزیدند.

ب- مشروطه طلبان که معتقد بودند قانون گذاری و همه پرسی جایگاهی در اسلام ندارد. همچنین جانب شرع رایج را در مقابل قانون می‌گرفتند و به رای مردم بی اعتنا بودند. الگوی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی‌گام‌های بلندی جهت حل تضاد مذکور برداشت. بخصوص در این اواخر که امام در بیانات خویش مصلحت شرعی را گرایش به محرومین و مردم با برهنه تعریف کردند. تضاد "شرع" و "مردم" پس از انقلاب اسلامی به درون آن نیز راه یافت و تلاش برای باز کردن جای پای می‌کرد تا انقلاب را به قطب بندی کاذبی تبدیل کند. خطری با لاترا از این نبود که شرع در برابر مستضعف و مستضعف در برابر شرع (کلیسای قرون وسطی) قرار گیرد.

خداوند سبحان در سوره قصص می‌فرماید که: "اراده خدا (شرع) بر آن قرار گرفته است که مستضعفین حاکم و وارث زمین گردند. همان گونه که از آیه مزبور استنباط میشود، در واقع شرع و مردم در یک راستا و در طول هم قرار دارند نه در مقابل هم.

دست‌های مرموزی چون امیر طاهری اخیراً به انتشار کتابی تحت عنوان دعوی مشروطه و مشروطه اقدام کرده است. که هدف آن دامن زدن به قطب بندی کاذب مذکور است از توطئه‌های مشا بهر نام را دیویشی است که تحت عنوان "داستان انقلاب" از

رادیو بی.بی.سی پخش شد که در جهت دامن زدن به دوقطبی مشروع و مشروطه تلاش میکرد و از جریانی که همه مشروطه و همه مشروع معتقد بود، اسم نبرد.

۶- تزلزلی حکومت اسلامی صالحترین عمل

زمان

برخی از خط اما میها معتقدند که صالحترین عمل زمان ما کار کردن روی تزلزلی حکومت اسلامی است چرا که اولاً این رهنمودهای امام تزلزلی حکومت اسلامی بر سایر رهنمودها ولویت دارد و نه تنها اما راه ایشان است بلکه آلمان مسلمین جهان است. ثانیاً موقعیت نهضت اسلامی و انقلابیما را تثبیت میکند.

با نظام جمهوری اسلامی و تعدیلاتی که در آن صورت میگردد بر خورد تعالی بخش داشته باشیم. اینها هدف از این روند را "تبدیل جمهوری اسلامی به جمهوری مسلمین" میدانند بدین معنا که همه کارها به دست مسلمین و شخصیتهای اسلامی انجام گرفته ولی اسلام محمدی ملاک و راهنمای عمل نخواهد بود. به عنوان مثال آنها جدا شدن مرجعیت و رهبری را یکی از این نمونهها میدانند.

۷- ایدئولوژی ترکیبی، استراتژی ترکیبی و برآیند نیروها

صاحب نظری در رابطه با بیلان ۱۰ سال انقلاب اسلامی و یا به عبارتی ارزیابی جوهری نقطه قوتهای انقلاب، ضعفها و عسدم انسجامهای آن برداشتهایی نموده است که مضمون و شرح اجمالی آنرا ذیلاً میآوریم. امیدواریم که صاحب نظران و دلسوزان انقلاب پیرامون این مطالب کوشش عمیقتری نموده و دستاوردهای خود را در سخنرانی، تز و رساله خود منعکس نمایند.

آن صاحب نظری گفت: «مقدمتاً باید گفت که انقلاب را از راه تاکتیک و استراتژی نمیتوان ارزیابی نمود و بهترین راه ارزیابی یک انقلاب بررسی ایدئولوژی حاکم بر آن انقلاب است.

به نظرمی رسد نقطه قوت انقلاب اسلامی ما که در عین حال نقطه ضعف انقلاب هم میتواند باشد این است که ایدئولوژی انقلاب ما یک ایدئولوژی ترکیبی بوده است. توضیح اینکه فقه مصلح و فقه به تنهایی و همچنین حکما و عرفا هر کدام به تنهایی نمیتوانستند انقلاب را به پیروزی برسانند. اما خمینیها وحدت دادن به این سه حوزه عرفان، فقه، حکمت و

پیوند استراتژیک بین این سه جریان، زمینههای فکری پیروزی انقلاب را فراهم آوردند.

خلاصه مطلب اینکه یک حرکت متعالیه این سه حوزه را به هم پیوند داده و موجب پیروزی انقلاب گردید و نقطه قوت انقلاب شد. نکته ظریف اینکه گرچه حرکت به لحاظ تاریخی وحدت بخش بود و این سه حوزه را به هم نزدیک کرده است ولی پس از ده سال معلوم نشد، ولویت و جوهریت با کدام یک از سه حوزه بوده است. عرفان، فقه و یا حکمت؟

از آنجا که ولویت و جوهریت تصریح نشده، لذا در این ده سال ایدئولوژی حاکم برای انقلاب یک ایدئولوژی ترکیبی بوده است، حال این ایدئولوژی ترکیبی در عمل، به یک استراتژی ترکیبی منجر خواهد شد و آنچه مسلم است در یک استراتژی ترکیبی، حاکمیت با برآیند نیروهاست یعنی آن جناح و نیرویی که از آراء و قدرت بیشتری برخوردار است حاکم خواهد شد.

در طی ده سال گذشته ایدئولوژی انقلاب به وجه مختلفی تجلی داشته است که هم عرفا میتوانند آن استناد کنند و هم حکما و هم

به نظر میرسد مبنا بودن آخرت

نسبت به دنیا

بصورت شیوه و راهنمای عمل

در دنیا مدهاست

دیگرمتفکران انقلاب نیز

به ترکیب میانگین دنیا و آخرت

معتقدند، یعنی میگویند

هم آخرت با پیداشت و هم دنیا را ولی.

فقه و هر جناحی از این طریق سعی در حقایق خود را ثابت کند؛ البته آنجا که می دانیم اما هم با فقه مصلح برخورد کردند و هم عرفان مصلح و هم با حکمت رایج، به عنوان مثال با تاکید روی مناجات شعبانیه و دعای عرفه اما همچنین دعای کمیل و دعای صباح با عرفان مصلح برخورد تعالی بخش نموده است همچنین با کمک گرفتن از فقه اکبر سنی در تعالی فقه اصغر و احکام رایج داشتند و در این اواخر برخوردهای بنیادینی با اجتهاد مصلح و احکام رایج داشتند.

از آنجا که مدخل هر فلسفه ای منطق ارسطو است در رابطه با حکمت نیز مطالبی گفتند مثل این مطلب که کتابهای ارسطویی از آنچه در قرآن دنبال میشود نمی دهد. گرچه حدس این است که جهت امام، حاکم کردن

عرفان ائمه اطهار (ع) در سه حوزه عرفان، فقه و حکمت بوده است ولی این سعی و تلاش بصورت شیوه مدون و مدون برای کارهای انقلاب و مردم در نیامده است. اینجاست که مسئولیت صاحب نظران و دلسوزان انقلاب و فقها زنده گشته تا این راه را ادامه دهند و ولویتها مشخص گردد و به شیوه های تفصیلی راهنمای عمل تبدیل شود. در این راستا است که به یک استراتژی واحد و منسجم تر خواهیم رسید. نمونه دیگر اینکه در کتابهای امام این نقطه قوت گفته شده: «آخرت اساس دنیا است» در این بیان کاملاً تصریح شده که دنیا و آخرت هم عرض نبوده و آخرت نسبت به دنیا جوهریت و ولویت دارد.

به نظرمی رسد مبنا بودن آخرت نسبت به دنیا به صورت شیوه و راهنمای عمل در نیامده است، دیگر متفکران انقلاب نیز به ترکیب میانگین دنیا و آخرت معتقدند یعنی میگویند هم آخرت با پیداشت و هم دنیا را، ولی معلوم نیست که کدام ولویت دارد و در این رابطه متقابل دنیا و آخرت مبنا کدام است. اینجا است که از این ایدئولوژی ترکیبی به استراتژی ترکیبی خواهیم رسید.

در استراتژی ترکیبی برآیند نیروها حاکم خواهد شد و از آنجا که در زمان ما اهل دنیا و غرائز زیادترند و بطور طبیعی هم به سازمانهای جهانی متصل میشوند و بهراصل آخرت و "فطرت" غلبه خواهند کرد.

در این بحث منظور از ولویت دادن است نه فراموش کردن دنیا و آخرت.

این برداشت استراتژیک عمل صالح زمان را راهی تدریجی از ایدئولوژی ترکیبی و دست یابی به یک ایدئولوژی واحد و منسجم میداند، تا از این طریق عدم انسجام اردوگاه حق برطرف گشته و استراتژی یقینی ترومزی بندی شده تری داشته باشیم تا بتوانیم با روند دنیا گرایانه برخورد عمیقتری داشته باشیم.

۸- انقلاب - چپ روی و راست رویها

برادری در تبیین رشد جناح سرمایه داری در جمهوری اسلامی (ما) نند قدرت پیدا کردن سرمایه دارها، توقف و لغو بندج، تقویت نهادهای نظیر مدارس غیرانتفاعی و... میگفت که این به اصطلاح راست روی، عکس العملهای ابتدای پیروزی انقلاب است که بیش از پرداختن به شبکه های امپریالیستی سیا و ساواک و موساد و ایفلیجنت سرویس و فراماسونری "به فتوالها

بازار و "پرداخته شد. میگفت این انحراف ریشه در جوبا اصطلاح "کاروسرمایه ای" پس از انقلاب دارد. بدین معنی که نیروهای مبارز اعم از مذهبی و غیرمذهبی شعارها و حرکات ضد سرمایه داریشان بیش از درگیری با امپریالیسم بود و این جوراً برانقلاب تحمیل کردند و این جو کم کم به ضد خود تبدیل شد و به شکل حاکمیت جناح سرمایه دار درآمد. برادر میگفت که هم آن موقع و هم حالا چاره کار در تصحیح خط غلط است یعنی باید نهادهای مبارزه با امپریالیسم و پایگاه های داخلی اش تشدید شود تا این انحراف اندک اندک مستقیم گردد.

۹- رشد مردم و تغییر در

روشای روحانیت

دوستی در اوان انتشار روزنامه رسالت میگفت، انتشار این روزنامه به بیان نگرش جدید جامعه و حاکمیت پیدا کردن بیشتر مردم است چرا که روحانیتی که همیشه به شکل فتوایی عمل میکرده است و لزومی به توضیح مواضع خود برای عوام نمیدید اکنون به تشریح و تبیین مواضع خود پرداخته است. زیرا مشاهده میکند که افکار عمومی پیرسرگردانند و قدرت هم پیدا کرده اند تا بدان حد که در صورت مقبول نیفتادن نظریات علما امکان کناره گیری از نظریات وجود دارد.

۱۰- ارزش هر فرد به مایه ای است که برای مبارزه می گذارد

برادری نیروهای موجود در کشور را به این صورت دسته بندی می کرد:

۱- آنها ثیکه "انقلاب محور" و "مبارزه محور" اند، یعنی زندگی شان را وقف رسیدن به هدف انقلابی شان کرده اند.

۲- آنها ثیکه انقلاب و مبارزه را "دوست دارند" ولی زندگی شان را بیشتر دوست دارند.

برای انقلاب نیرو می گذارند ولی در کنار پیرایه - ختن به امور زندگی شان و بخشی از روز، هفته ماه و یا سال را، البته در این راستا ممکن است زندان هم بیاورند و یا در جنگ و درگیری معلوم و یا کشته هم بشوند.

۳- آنها ثیکه انقلاب و مبارزه را دوست دارند ولی نیرویی برای آن نمی گذارند، فقط دوست دارند و اگر دیگران کاری انجام دهند به آنها احترام می گذارند ولی خودشان حاضر نیستند که نیرویی در این جهت بگذارند و یا از این جانب خطری متوجه شان بشود.

۴- آنها ثیکه اصلاً دروادی مبارزه و انقلاب نیستند و کاری به این کارها ندارند.

۵- آنها ثیکه مخالف حرکت و مبارزه هستند که اینها هم درجات و مراتبی دارند.

برادری میگفت در این تقسیم بندی شکل و فرمی مطرح نیست، در هر دسته افرادی می گنجند

خواهان تسلیم شدن به جهان بینی الهی و راهی که این جهان بینی در پیش او می گذارد، گردد.

همه می دانند که دنیا با همه لذات و زیباییهایش امری گذرا و فانی است و آنچه در راه خدا انجام شده باقی و ماناست علم به این مسئله به تنهایی موجب صبر نمی شود بلکه تسلیم شدن به ندای وجدان که خواهان اجرای قانون الهی است موجب ازدیاد صبر میگردد.

مرحوم طالقانی در تفصیل جهان بینی الهی که موجب ازدیاد صبر در برابر مصائب و مشکلات می شود چنین گفته اند که جمله "انا لله و انا الیه راجعون" بیش تر آنها (مومنین) نسبت به دیگران است یعنی اینها هنگام برخورد با شدائد بسیار آوری اینکه ما از آن خدا ایم و به سوی او باز آیند گانیم سختی ها و نا همواریها را امری گذرا دانسته و خود را برای زندگی جاودانی آماده می کنند و به این ترتیب آرامش و طمانینه پیدا کرده و پایداری و صبر آنها در برابر سختی ها افزوده میگردد.

بقیه پرتوی از قرآن

در واقع زندگی جاودانه آنها در همین دنیا آغاز گشته، در آخرت در مرتبه بالاتری ادامه می یابد. جاودانگی او در گرو تسلیم شدن به سنت خدا و انجام اوامر و نواهی اوست. در گرو استفاده صحیح و جا از نعمات الهی است و اگر مشکل مصیبتی در راه انجام وظیفه پیش آید با جان خرید و در برابر آن صبور میباشند. لازم به بیان است که کلمه مصیبت الزاماً به معنای اندوه و کار نا شایسته نیست، چرا که آنچه در راه خدا پیش آید در کام خدا جویان شیرین و در منطق خدا پرستان تلخ و ناگوار است همانگونه که مرحوم طالقانی گفته اند صبر در نتیجه تفکر و دید جهان بینی الهی و لطافت روح یعنی پاک بودن درون است به عبارت دیگر داشتن جهان بینی صحیح نیز به تنهایی دلیلی بر افزایش صبر نخواهد بود مگر آنکه انسان عابدانه و عاشقانه به ندای فطرت حق جوی خود پاسخ گفته و

بقیه آن وقتی که دلار ۷ تومان بود

بیائید سرمایه هنر را در بازار جبهه ها بکار بیندازیم.

خدایا! خود نویس های ما را آبی به حال خودشان وامگذار.

خدایا! پاک کن توبه را به ما عنایت فرما.

خدایا! عاقبت آفرینش های ادبی ما را ختم به خیر بگردان.

خدایا! ما را «عاق» والدین شهیدان ممیران.

خدایا! ولایت اهل بیت (ع) را اول فهرست نوشته های ما قرار بده.

خدایا! قلم های ما را ماموم «نون والقلم» بگردان.

خدایا! ما را از شیعیان این انقلاب قرار بده.

آمین یا رب العالمین

امام و استکبار جهانی

سخنان برادر محمدزاده معاون سیاسی سپاه پاسداران

● دلیل اسلامی بودن ما همین مبارزه با استکبار ر هست .

● در تفکر ما مدونوع سرمایه داری مطرح نیست .

تفاوت ما و سایر حکومتها بطور صریح جنبه ضد استکباری بودنش است این سؤال مطرح است که آیا در یک حاکمیت که قدرت را در اختیار داریم باید همه ناگونه با مسئله استکبار مواجه شویم که ملت های دربند هستند مثل ملت فلسطین که هیچ حاکمیتی ندارند . نوشتن شعار درسزمینهای اشغالی یک ارزش هست . آیا برای یک حاکمیت هم ارزش است ؟ آیا فقط اکتفا کردن به "مرگ بر آمریکا" و ... کافی است ؟ اگر آگاهانه باشد که خیانت است و اگر نا آگاهانه باشد که استکبار را زان استفاده میکند . آیا حضرت امام فقط به کلی گویی اکتفا کردند یا راههای عملی مبارزه را هم ارائه دادند .

● باید ببینیم که در دنیای کنونی از دیدگاه امام راههای عملی مبارزه با استکبار چیست ؟ امام واقفیت استکبار را به عنوان ازبایان زور و تزویر مطرح کرده اند . در فریاد برائت صفحه ۲۷ و ۳۸ بدین مضمون می فرمایند : سرمایه داری مبتنی بر قدرتهای اتمی و سیا یعنی استکبار یک واقعیت و یک هویتی دارد .

امام وقتی مسئله سرمایه داری و زور را مطرح می کنند . می شود تصور کرد که آیا می شود دونوع سرمایه داری ؟ دونوع زور ؟ یا اینک هر جا زور و سرمایه داری باشد . همه اش یکی است . اما در دوسه سال اخیر در این رابطه تاکیدات زیادی دارند که دونوع سرمایه داری ، دونوع زور نداریم هر جا به سرمایه داری رفا طلبی و زور و زوری برخورد کردیم همه اش در خدمت اسلام آمریکایی است (در پیام استقامت می فرمایند : از یک طرف اسلام اشرافیت اسلام ابوسفیان ، اسلام ملاهای کثیف درباری ، اسلام مقدس نماهای بیشتر و حوزهای علمی و دانشگاهها و ...) اگر اسلام اشرافیتی هست چیزی جز اسلام آمریکایی نیست .

اگر ما ادعا داریم که هویت انقلاب ما یک انقلاب ضد استکباری است باید وضعیت اسلام آمریکایی را مشخص کنیم . اما در پیام برائت صحبت های دارند که یقینا اگر ایشان این صحبتها را نکرده بودند من هرگز جرات نداشتم آن صحبتها را بکنم ایشان بطور صریح می گویند که : "امروزه با آراء هماهنگی ندارد . از آغاز انقلاب تا به حال ما با مشکلات عدیده ای روبرو

بودیم ما قبلا با یک کلمه اسلامی گذاشتن کنار دانشگاه یا کنار اقتصاد ، مسئله را حل می کردیم . در انتخابات دوره قبل یک موضوع انحرافی را با کلمه اسلامی میخواستند حل کنند . مجلس شورای اسلامی ، درست می خواهیم اسلامی باشد اما این لازمه اش این است که یک عده افراد خبره نظر بدهند که چه کسانی به مجلس بروند که ما مجلوی آنها را گرفتند که یک عده خبره فقط نظر بدهند و گفتند این از آن "دین از سیاست جداست" بدتر است گاهی ما با سوء استفاده از کلماتی مثل کلمه اسلام می خواستیم گامهایی برداریم ، که امام گفتند اصلا در اسلام شما حرف است که آیا آمریکایی است یا محمدی (ص) اما گفتند

محمدزاده :

تا تکلیف اسلام آمریکایی مشخص نشود باز سازی موفقی نخواهیم داشت .

برای زور و تزویر دو گانگی قائل نشوید ، با کلمه اسلام اسلام اشرافیت و ... در خدمت اسلام آمریکایی خواهد بود .

خلاصه بقول امام آنها یی که تصور می کنند مبارزه با سرمایه داری و رفا طلبی منافات ندارد با الفبای مبارزه بیگانه اند و آمریکا برای شکست انقلاب افرادی را در آستین دارد در حوزه ها و دانشگاهها و ...

● دیپلماسی ضعیف ترین ابزار در مبارزه با آمریکاست س- آیا مبارزه دیپلماتیک

با آمریکا کافی است ؟ ج- هر فردی تحت تاثیر چند رابطه است : ۱- رابطه فردی ، که بر آن احساسات حاکم است . ۲- رابطه اجتماعی ، مثل رابطه دو قشر اجتماعی ، مثلا جامعه زنانها

جامعه مردان و ... و ویژگی آنچه که بر آن حاکم است منافع است که قانون آنرا شکل می دهد ۳- رابطه بین المللی که کاملا بر اساس منافع است . ولی متاسفانه روابط بین المللی را در مطبوعات مثل رابطه زن و شوهر می دانند در حالیکه در روابط بین المللی اگر یک درگوشی زد کوتاهی مدی ، دومی اش لگد و سومی اش طغیان اعدام است . آمریکا که آقای بوش و ... نیست یک ماهیت است در چنین سیستمی دیپلماسی یکی از پنج یا شش نوع بزار است که ضعیف ترین هم هست . دو اداره خوب است با هم مذاکره کنند ولی دیپلماسی نمی تواند خط مشی را تعیین کند . متاسفانه گاهی فکر

می کنند با دیپلماسی می شود . مثل چین که اول چقدر مبارزه با آمریکا داشت ، آنقدر کوتاهی مد که حتی دانمارک هم مسخره اش می کند . با بگو و بخند و پینگ پنگ که نمی شود مسائل را حل کرد .

● برنا مه پنج ساله

در رابطه با برنا مه ۵ ساله هم باید گفت که این مملکت مثل یک کیسه که دوسوراخ دارد ، حالا شما هر چقدر که دلتان می خواهد پول در این کیسه بریزید آخر سر هیچ دردست شما باقی نمی ماند . ثروت عربستان را هم در کیسه بریزید پر نمی شود .

یکی از این سوراخها سرمایه داری است .

● سرمایه داری تجاری

این سرمایه داری بنیاد روبریکر که آنقدر سود می برد که در ماه در

تنهایک راه

در مبارزه با استکبار جهانی وجود دارد و

آنهم مبارزه علنی و

رودر روست و هرا راه دیگری

دروغ و فریبی بیش نیست .

میگوید: گاهی یک انشاقی در جبهه متحد غرب را که یا به وقوع پیوسته یا میپيوند، ما به فال نیک بگیریم و از آن بهره برداری کنیم، بنی صدر می گفت: اروپا باید از یوغ استعمار نجات پیدا کند، بعد ما با اروپا متحد شویم و خومان و اروپا رانجات دهیم، می پرسیم در مورد مسئله سلمان رشدی چطور؟

● قضیه سلمان رشدی

ایشان می گوید قضیه سلمان رشدی این است که آمریکا به انگلیس و آلمان فشا ربیا وردتا با ما را بطه نداشته باشد این همان ایده آلیست بودن در را بطه با دشمن است، بعد از قطعنا مه بهر حال در یکسری از سیاستها یمان تجدیدنظر کردیم، ثمره آن چه شد؟ نتیجه اش جریان سلمان رشدی شد اما ما با چه سوزدلی می گویند که خدا خواست که جریان سلمان رشدی پیش نیاید، همچنین می گویند ضرورتی نیست که ما در این شرایط بدنبال روابط گسترده با شیم چرا که آنها فکر می کنند آنقدر به آنها احتیاج داریم که از توهین به مقدساتمان بگذریم، آنها یی که معتقدند ما خامی کرده ایم و شعرا های اتندیا جنگ سبب بدبینی غرب نسبت به ما شده و اگر ما واقع گرایانه عمل کنیم آنها احترام متقابل را رعایت می کنند... خدا می خواست انتشار کتاب کفرآمیز آیات شیطاننی اتفاق بیفتد... این یک نمونه است

مثل پذیرش ولایت اما م در مبارزه با استکبار است، مطرح کردن ولایت بدون آنکه پشتوانه ا یثار و شهادت و مبارزه داشته باشد خیانت به ولایت است .

اما می گویند ما می خواهیم انقلاب را صادر کنیم، نمی گویند اسلام، یا عرفان را، بلکه در پیام استقامت (مردا دما ۱۳۶۶) می گویند مردم و از ادخواهان با یدبدا نند که اگر بخوانند روی پای خود بایستند باید بهای استقلال، آزادی را بپذیرند یا کشته شدن، شهادت، اسارت و... این انقلاب به بهای تهدید و فشارهای اقتصادی بدست آمده و به قیمت خراب شدن خانه ها بر سر کودکانمان بوده و ما این تجربه را ما در می کنیم، یعنی توان تجربه یک انقلاب پیروز .

یا مثلاً در مسئله سلمان رشدی شنیدم که ما گفته اند: احسن افسوس که پیر شده ام بخدا قسم اگر جوان بودم خودم می رفتم سلمان رشدی را می کشتم، در این قضایا هم اول مردم پاکستان قیا م کردند علیه سلمان رشدی، بعد ما محکم را دادند و هزاران گام برتر از حرکت مردم پاکستان برداشتند و رهبری را بدست گرفتند، ما هنوز هم ام القری هستیم، لبنانی ای که توان تی به بدنش می بندد و به مرکزنا توحمله می کند یقینا به رهبری اما م و به نفع ما بوده محور هردوی ما مبارزه با استکبار بوده است ما در اینجا شهید دادیم و او هم در لبنان .

● نقد تئوری "استفاده از یک جناح غرب بر علیه جناح دیگر

آقای لاریجانی به این مضمون

استراتژی قریب به این مضمون گفته اند که ما باید بخاطر حفظ جمهوری اسلامی با آمریکا درگیر نشویم و بگونه ای هم بنی صدر این را مطرح کرد .

فهدم الان ام القری را مطرح می کند، در آمریکا یک نمایشگاه مجهز از طرف عربستان درست شده

که نشان می دهد عربستان ام القری جهان اسلام است، بورکینا فاسو و پاکستان و ترکیه هم شاید دلشان بخواد که ام القری باشند، حتی ما هم دلمان می خواهد که ایران نماینده یک میلیاردمسلان در جهان باشد، اما این تنها به ما در دنیا اختصاص نداد و خیلی ها می خواهند که یا رقیب آمریکا باشند یا با آمریکا کنار بیایند .

● تحقق ام القری در عمل

چگونه است؟

تحقق ام القری در عمل این جور می شود که یا به گونه ای سازش کنیم، یا از موضع قدرت، نه شرقی نه غربی، مبارزه و جهاد و شهادت طلبی، مثل اما م، این حرکت را جلو ببریم، یا مثل عربستان وابستگی به آمریکا داشته باشیم از جهت پول و ثروت، یا از موضع تکنیک یا اقتصاد پیشرفت های شگرفی داشته باشیم که دنیا به ما احتیاج داشته باشد یعنی از موضع قدرت، یا راهی که اما م رفتند که از جهت عوامل تکنیک و اقتصاد قدرتمند نیستیم و تنها راهمان مبارزه است .

در دنیا یی که استکبار حتی صادق المهدی ها را نمی تواند تحمل کند ما به پا برهنه ها ی جهان بگوییم ما آقا با لاسرما هستیم، آنها آقا با لاسر نمی خواهند، ما باید خون بدهیم و استکبار را بشناسیم، پذیرش ولایت در مبارزه با استکبار است .

● مطرح کردن ولایت بدون پشتوانه

ایثار و شهادت خیانت به ولایت است اگر رهبری صلا ی مبارزه و دفاع سر ندهد ولایتش به چه درد می خورد، رزش پذیرش ولایت

آمریکایی را چنین گفته اند: از یکطرف اسلام اشرافیت، اسلام (بوسفیان، اسلام ملاهای کثیف درباری، اسلام پول و زور و فریب و سازش و اسارت، اسلام حاکمیت سرمایه و سرمایه داران برپا برهنه ها

● نقد تئوری ام القری

آقای لاریجانی خودشان را بعنوان واضح تئوری ام القری مطرح می کنند و آنهم بر چند محور استوار است بشرح زیر:

امروز ایران اسلامی مملکتی است که ندای اسلام و دفاع از محرومین را در داده است جمهوری اسلامی بعنوان تنها کشوری که ندای اسلام و مبارزه با استکبار را در داده مهمترین مسئله اش حیات و تداوم حیات است که در آنهم حفظ هویت جمهوری اسلامی نهفته است و در قدرتمندی اقتصادی و در حمایت از محرومین در جهان نمی شد و چون در اینجا ولی فقیه وجود دارد رهبر ما بعنوان رهبر کل جهان مطرح است و چون این رهبری دینی در ایران قرار گرفته رهبر جهان اسلام هم هست، در تعارض بین اینکه ما در برخورد با امپریالیسم، بین نابودی کامل قرار می گیریم یا اینکه بمانیم، ما باید از مسأله ای که درایم یک مقدار کوتاه بیاثیم، چون اگر ما بمانیم محرومان جهان نمی مانند این تئوری مخصوص ایشان نیست همه حکومتها یی که حکومت را به دست گرفتند این تئوری را داشتند لنین در انقلاب اکتبر همین را می گفت که اقمار شوروی در سراسر جهان بخاطر حفظ شوروی بعنوان پایگاه ها رگران جهان باید حفظ شود، تمام حرکت های غلط شوروی هم بخاطر همین تزمی باشد، بوش و... هر جنایتی کردند مبنا پیش این بود که بخاطر دمکراسی است و دنیا باید در مقابل جنگ ویتنام آنها سرفرو د بیاورد، یا سربازان کو با در آن گولاچه می کنند؟ بخاطر اینکه ما مدافع ارزش هستیم حالا به چه قیمتی؟ قبلا هم دکتريزدی در دولت موقت نظیر این قضیه را مطرح کرده بود و در کتاب

برداشت‌های استراتژیک

خط مشی‌های موجود در میان نیروهای انقلاب



بدنبال تحولات مهمی که در پی پذیرش قطعنامه ۵۹۸، برقراری آتش بس و دنباله گیری خط برقراری صلح با عراق در کشور ما بوجود آمده است، ابهام و سردرگمی خاصی در میان نیروهای مبارز و معتقد به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی پدید آمده است. ابهام و سردرگمی‌هایی نظیر هضم نشدن و تبیین نداشتن از شعارها و خطوط سیاسی و اقتصادی مطرح شده پس از اتمام جنگ، عدم تبیین از تغییرات بوجود آمده در رهبری، عدم تبیین از عللی که موجب تحقق نیافتن اهداف ما در جنگ شده است و

ابهاماتی از این قبیل موجب ایجاد سؤال بزرگ و عمومی در اذهان عموم شده است و آن اینکه خط صحیح تدویم انقلاب کدامست؟ چه راهی باید در پیش گرفته شود که هم اشتباهات گذشته را جبران کرده باشیم و هم انقلاب را به طرف سرمنزل خود پیش ببریم. مقاله حاضر پاسخ مشخصی به این سؤال نمی‌دهد اما با مطرح کردن خط مشی‌های موجود (البته تا آن حد که اطلاع داریم) در سطح نیروها مبارز سعی در کمک به جمع‌بندی نیروهای نیازمند و پیداکردن راه صحیح دارد. پاره‌ای از خط مشی‌هایی که در شرایط فعلی در میان نیروهای مبارز مطرح است

به شرح ذیل است:

۱- حفظ وحدت اسلام و مسلمین

طرفداران این خط حفظ وحدت در میان مسلمانان را اصلی‌ترین کار می‌دانند و برای دستیابی به وحدت و حفظ آن سعی در جذب همه جناح‌ها دارند. لذا برای همه اقشار شعار داده و سعی در وارد نمودن همه در میدان می‌نمایند هم‌شعار مستضعفین و طبقات محروم را می‌دهند و هم از لزوم دخالت مردم (به معنای سرمایه داران و طبقات متمکن) در امور اقتصادی صحبت می‌کنند هم از مقاومت در برابر استکبار و امپریالیسم صحبت می‌کنند و هم نفی مطلق استفاده از قدرت نظامی برای گرفتن حقوق ضایع شده را مطرح می‌نمایند. هم عالمانی عمل و کم‌عمل را ارج می‌گذارند و هم جهادگران پر عمل را ... این خط مشی معتقد است که حفظ نظام، نظامی که به ازای خونهای زیادی برپا شده است و آماج بسیاری توطئه‌هاست و همه چیز تقدم دارد.

۲- بازسازی کشور و تنش‌زدایی

طرفداران این خط مشی عمل صالح جامعه را با بازسازی کشور می‌دانند. این بازسازی را

هم‌تنها از طریق کمک گرفتن از کشورهای صنعتی امکان پذیر می‌دانند. طرفداران این خط مشی معتقدند که تنش‌های موجود در روابط ایران با کشورهای دیگر موجب جذب نشدن سرمایه‌های آنها در کشور ما شده است و به این دلیل معتقدند که از هرگونه موضعگیری کسه موجب حساسیت دیگر کشورها خود می‌پایست. پرهیز نمود. طرفداران این خط سعی بر آن دارند که مارک تروریست، گروگانگیر و ... را که عمدتاً از سوی کشورهای غربی به جمهوری اسلامی زده شده است بزدایند. برای کاستن از حساسیت غرب نسبت به ما معتقدند که پایان جنگ چاره کار نیست بلکه نقش نهادهای اداره کننده جنگ نیز باید در امور مملکتی کم‌رنگ شود و جذب نیروهای انقلابی از نظام جمهوری اسلامی حرکتی از سوی صاحبان این خط مشی در جهت کاهش حساسیت‌های غرب می‌باشد تغییر مذهبی کردن کشور بصورت جدایی مرجعیت و رهبری سیاسی و اجرایی در جهت زدودن توهم بنیادگرایی و اصول‌گرایی نسبت به جمهوری اسلامی است.

۳- تقویت اصول انقلاب و حفظ و اصلاح نظام

طرفداران این خط مشی معتقدند که در

به توسعه اقتصادی در اهدا آنها می‌کنند.

۷- تقدم استقلال بر عدالت و آزادی

طرفداران این خط مشی گرچه به آزادی به عنوان یک رکن اساسی اجتماعی معتقد می‌باشند لیکن معتقدند که عدالت اجتماعی بر آزادی مقدم می‌باشد و با آزادی راتناسب با نیازهای حرکت عدالت طلبانه اجتماعی جهت داد. تفسیر طرفداران این خط مشی از حرکت عدالت طلبانه، حرکت در جهت تحقق استقلال کشور می‌باشد و استقلال واقعی کشور نیز از مسیر تحقق عدالت اجتماعی و بسیج محرومین می‌گذرد حتی در دوران جنگ نیز معتقد بودند که با تصویب لایحه‌های نظیر بند ج و ... باید انگیزه مستضعفین را جهت دفاع از استقلال کشور بالا برد.

۸- تقدم عدالت بر آزادی و استقلال

طرفداران این نظریه عدالت اجتماعی را بر همه چیز مقدم دانسته و معتقدند که این اصل جهت دهنده به اصل آزادی می‌باشد و استقلال واقعی کشور نیز از مسیر تحقق عدالت اجتماعی و بسیج محرومین می‌گذرد حتی در دوران جنگ نیز معتقد بودند که با تصویب لایحه‌های نظیر بند ج و ... باید انگیزه مستضعفین را جهت دفاع از استقلال کشور بالا برد.

۹- صبر و انتظار برای مشخص شدن اوضاع

طرفداران این خط مشی معتقدند که نظام جمهوری اسلامی بعلمت شرایط ویژه حاکم بر آن (شرایط ویژه پس از پذیرش قطعنامه، استعفای آیت‌الله منتظری و فوت امام) ظرفیت پذیرش انتقاد را ندارد



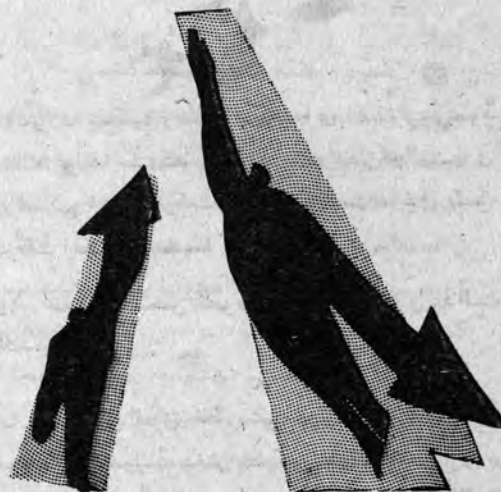
و در مقابل هر انتقادی عکس العمل نشان می‌دهد. طرفداران این خط مشی معتقدند که بعلمت ابهامات موجود در سطح جامعه برای شرایط فعلی عمل صالح صبر و انتظار برای مشخص شدن اوضاع و واضح شدن سمت گیری‌هاست و معتقدند که تنها پس از مشخص شدن اوضاع می‌توان به حرکت اصلاح‌گرایانه دست زد. طرفداران این نظریه معتقدند که در



کردن این خلاء بینشی بوجود آمدن درخواست بود که در سایه وحدت ایدئولوژیک به حفظ وحدت نظام و وحدت اجتماعی برتری هم برسیم و مانع از انفعال نیروها بشویم. خط مشی فوق دستیابی به چنین هدفی را تنها در سایه تداوم عملی خط مشی ضد استکباری انقلاب امکان پذیر می‌داند.

۵- تشدید مبارزه علنی با غرب

این خط مشی معتقد است که برای پیشبرد امر انقلاب و نهضت اسلامی می‌بایست حرکت علنی ضد آمریکایی را در ایران و منطقه تشدید کرد. طرفداران این خط مشی نظام اسلامی را متشکل از دو جناح می‌بینند. جناحی



که به مبارزه با امپریالیسم معتقد هستند ولی برای بسیج شدن استکبار به مبارزه مخفی اعتقاد دارند و معتقدند که می‌بایست عمل کرد ولی شعار را نباید داد و جناحی که معتقدند حکومت اسلامی با یک گروه فرق دارد و مانند امام (ره) باید در برابر غرب موضع علنی داشت

۶- تقدم آزادی بر همه چیز

طرفداران این خط مشی معتقدند که ایجاد آزادی‌های سیاسی و اجتماعی بر همه چیز تقدم دارد و حافظ همه نهادها و سالم اجتماعی می‌باشد و استقلال و عدالت نیز جز با تحقق عملی آزادی و مشارکت مردم امکان پذیر نیست. با تحقق آزادی نهادها و موازات مطبوعات، مجلس، رهبری، احزاب، انجمنهای مردمی و ... بوجود آمده و هم دیگر را کنترل می‌نمایند تنش زدایی و بهبود روابط با کشورها، به خصوص کشورهای صنعتی و دستیابی

شرایط فعلی، عمل صالح تقویت اصول انقلاب است. و در سایه احیاء اصول انقلاب باید نظام را حفظ و با ملایم‌ترین اقدامات آنها باید به اصلاح نظام پرداخت. طرفداران این خط مشی معتقدند که پای بندی به استقلال سیاسی و اقتصادی کشور، تقویت حرکت‌های عدالت خواهانه، تقویت آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و ... مانع حفظ انقلاب می‌باشد و به همین دلیل با شیوه‌هایی که اصول فوق الذکر را خدشه دار می‌کنند برخورد کرده و به مخالفت برمی‌خیزند. صاحبان این خط مشی برای نظام مظلومیت و حقانیت قائل اند و در شرایط فعلی جمهوری اسلامی، اصلاحگری را حرکتی انقلابی میدانند و برخورد نفی و خط مشی برانداختن بر نظام اسلامی را همسو و در خط منافع امپریالیسم میدانند.

۴- پر کردن خلاء بینشی در دهه دوم انقلاب

پیروان این خط مشی عمده ترین دلیل نارسایی‌ها، ضعفها و ناکامی‌های راکه در انقلاب بوجود آمده است، وجود خلاء بینشی در جامعه می‌دانند که مسئولین انقلاب هر کدام به نحوی به وجود این خلاء اعتراف نموده اند. صاحبان این خط مشی معتقدند که مسئولین انقلاب در دهه اول، مشکل اصلی انقلاب را نداشتن تشکیلات آئینین می‌دانستند و در جهت بوجود آوردن چنین تشکیلاتی حرکت کردند، موافقین را جذب و متهمین را دفع کردند لیکن این شیوه مشکل انقلاب را حل نکرد. معتقدین به این خط مشی بر آنند که انقلابی که برپا می‌آید یثا رها و خونهای فراوان مردم بنا شده است اگر به روش صحیح که همان اسلام راهنمای عمل است مسلح شو در مقابل فرصت طلبی‌های عناصر داخلی و شیطنتهای عوامل خارجی مصون خواهیم شد. طرفداران این خط مشی معتقدند که باید به وجوه معرفتی اشتباهاتی که از سوی مسئولین انقلاب بعمل آمده است توجه خاصی مبذول شود تا هم از تکرار آنها جلوگیری شود و هم پایگاه مردمی این اشتباهات از میان برود. طرفداران این خط مشی بر آنند که باید همت کنیم تا خلاءهای فقهی موجود پر شود و اختلافهای بینشی از طریق مکتبی حل و



فصل گردد و گرنه در روند نظام راهی به جز اتخاذ راههای بشری و معیارهای غیر مذهبی نداریم. در صورتیکه راه دشوار زمان یافته و بسیج وجهی در جهت رسیدن به این خلاء و پر

فاصله مشخص شدن اوضاع و وسعت گیریه با پدیده کارآیدئولوژیک بنیادی درجهت حل مشکلات فکری و بینشی و ریشه یابی علل ضربه ها و آرداده برانقلاب پرداخت .

۱۰- جهت دادن به نظام با شاهد آوردن از برخی از مواضع امام

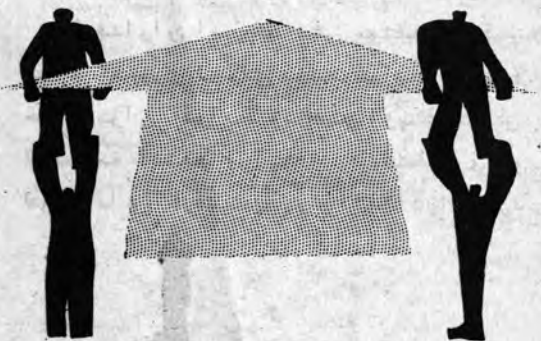
طرفداران این خط مشی سعی در اصلاح نظام به وسیله شاهد آوردن نهادهای فکری و مواضع سیاسی، استراتژیک امام دارند .

۱۱- خالی نگذاشتن نظام از نیروهای مخلص

طرفداران این خط مشی معتقدند که نباید نظام را از نیروهای مخلص خالی گذاشت بلکه باید در نظام ماندوبه تدریج رشد کرد تا بتوان متمرثمرواوقع شد . معتقدند حال که درس خوانده بودن و مدرک با لاداشتن به عنوان یک ملاک و معیار برنظام حاکم شده است باید درس خواند و مدرکهای با لائری گرفت تا بتوان در نظام رشد کرد .

۱۲- مبارزه با سرمایه داری و تقویت الگوی کم مصرفی

این خط مشی معتقد است که در شرایط فعلی درد و وجه می با یستی عمل کرد .
الف - مبارزه با سرمایه داری



ب - رایج کردن الگوی کم مصرفی

مبارزه با سرمایه داری را در شرایط فعلی مبارزه با شرکت های مزاربه ای می دانند و برای الگوی کم مصرفی شیوه زندگی مومنین صدر اسلام در شعب ابیطالب را در نظر دارند و معتقدند که باید زندگی کردن با حداقل امکانات را در میان مردم تبلیغ کرد .

۱۳- تحقق حاکمیت ملی و پیاده شدن قانون اساسی.

طرفداران این خط مشی معتقدند که اصل، برقراری حاکمیت ملی است و این حاکمیت

نیز از طریق اجرای کامل قانون اساسی مصوب سال ۵۸ امکان پذیر است . لذا خط مشی خود را با رزها موانع اجرایی این قانون و موضع گیری در برابر قانون شکنی ها و تخلفات ارگانها و مسئولین گذاشته اند .

۱۴- خط مشی کار فرهنگی

طرفداران این خط مشی تنها راه پیشبرد جامعه را تشدید و تقویت فعالیت های فرهنگی اسلامی می دانند . در میان این عده برخی معتقدند که کار فرهنگی بدون شرکت داشتن در یک حرکت اجتماعی امکان پذیر نیست و معتقدند مرحوم دکتر شریعتی نیز کوه بزرگترین مبلغ این خط مشی بوده است خود در حرکت نهضت ملی، نهضت مقاومت ملی (پس از کودتای ۲۸ مرداد) و حرکت های اجتماعی سالهای ۴۰ شرکت داشته و در سالهای ۵۰ نیز



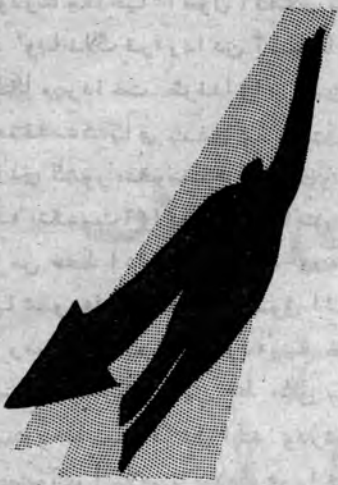
خود را تا به نیا زهای نیروهای مبارز می نمود است و لذا است که برای متمرشدن فعالیت های فرهنگی این حرکت را می بایست در دل یک حرکت اصیل اجتماعی انجام داد .

۱۵- تقویت بخش خصوصی، محور نیروهای عدالت طلب

خط مشی فوق خط مشی جریان ملی است که خواهان تقویت بخش خصوصی و حاکم شدن آن بر ارگانها و نهادهای قانونی و اجرایی مملکت می باشد . اینها برآنند که تمامی صنایع ملی شده و ملی نشده و آن ها ئیکه از قبل در دست دولت بوده اند را به بخش خصوصی بسپارند و از آنجا که نیروهای اصیل و عدالت طلب را مخالف حاکمیت این خط مشی می دانند با انگ کمونیست، گروهک، التقاطی و ... به آنها سعی در خارج نمودن و محو کردن آنها از صحنه های سیاسی مملکت دارند .

۱۶- تقدم ارتباطات نیروهای صادق بر استقلال، آزادی و عدالت

این خط مشی معتقد است آنچه بر حرکت برای کسب استقلال عدالت و آزادی مقدم است حرکت در جهت تقویت ارتباطات نیروهای صادق می باشد . تا وقتی که آن مقدار را آزادی را که از آن برخورداریم و کسی آن را از ما سلب نکرده است ، به کار نگیریم و با ارتباط با نیروهای دیگر منصرف مگردیم و روحیه مشورت را



در درون خود تقویت نکنیم تضمینی وجود ندارد که بعد از رزها را آزادی بتوانیم آنرا حفظ کنیم . طرفداران این نظریه معتقدند تا وقتی که این ارتباطات برقرار نگردد و نیروهای صادق همچنان از هم گسیخته و بدون ارتباط باشند هیچگونه تفاهمی برقرار نشده و هیچ کام اساسی در جهت استقلال، آزادی و عدالت برداشته نخواهد شد .

طرفداران این خط مشی معتقدند که اصلی ترین درد پی خبری نیروهای مبارزان یکدیگر می باشد .



طرفداران این نظریه معتقدند که می بایست علل از دست رفتن به آزادی عمیقاً ریشه یابی شود و مشخص شود که چرا موقعی که هیچ منفی برای تماس نیروها با یکدیگر وجود نداشت سراغ همدیگر را نمی گرفتند و هر کس به فکر اداره ارباب جمعی خود بود .

برداشت‌های استراتژیک

● خطر صنفی شدن انقلاب

یکی از آفت‌های انقلاب این است که از هویت اسلامی انقلاب دست برداشته و به هویت صنفی روی آوریم. هویت اسلامی به ما اینطور آموخته که در هر صنفی اعم از روحانی، دانشجویی، بازاری، کارگری... جریان حق و باطل هر دو وجود دارند. ولی هویت صنفی کاری به حق و باطل هر صنف نداشته و منافع کلی را در نظر نمی‌گیرد. خواه این منافع با اساس انقلاب در تضاد باشد یا هم‌راستا شود. مثلاً در رابطه با حرکت دانشجویی بنظر می‌رسد یک احساس انفعال و ناخوردگی از روند موجود باعث شده که آنها به حرکت‌های صنفی روی آورند و حتی انجمن‌های اسلامی پیش از این حرکت‌ها شوند عده‌ای با علم به اینکه نظام قادیان تأمین امکانات رفاهی نمی‌باشد سعی دارند از موضع مبارزه صنفی و زیرپوشش هدف‌های صنفی، نظام را با به سرکوب‌ها به گرفتن وام از خارج (استقراض) بکشانند. بنظر آنها در هر دو صورت این شیوه‌ها به سقوط نظام منجر می‌شود. این عده سعی دارند بر نهضت دانشجویی سوار شوند

راه مجاهد:

بنظر می‌رسد رسالت نهضت دانشجویی در این مقطع حساس در این باشد که حق و باطل را در هر صنفی و بخصوص حرکت دانشجویی معلوم نموده و مرز حرکت‌های صنفی خود را با حرکت‌هایی که به استقلال مملکت ضربه می‌زند مشخص نمایند. لازم به یادآوری است که اگر صنفی شدن اصالت پیدا کند خطر نوعی طایفه‌گری همانند لبنان انقلاب را تهدید خواهد کرد.

● ریشه‌یابی جدا شدن از مردم

عده‌ای ریشه‌ها را فی‌های ده سال انقلاب و علت جدایی تدریجی مردم از نظام را در دو محور زیر خلاصه می‌کنند

الف: غرور خدا بسندگی

ب: غرور نفت بسندگی

● غرور خدا بسندگی

منظور این عده از خدا بسندگی شعار کسانی است که تحت عنوان اینکه خدا را داریم بس است، به مردم هیچ بهائی نمی‌دهند. بجای اینکه در همه امور خدا را کافی و مبنای دانیم آنها خدا را گرفته و خلق را رها میکنند و یا خدا را در برابر خلق قرار می‌دهند. بعبارتی ناخودآگاه خدا را برای کوبیدن پسر مردم چماق میکنند. در حالیکه در قرآن و سنت همه جا خدا و مردم در یک راستا قرار دارند و اراده خدا بر حکایت مستضعفین قرار گرفته است و مسلماً مثل کلیسای قرون وسطی نیست. این عده در نحوه پیدایش غرور فوق الذکر به اظهارات برخی مسئولین استناد می‌کنند که "هدف اجرای احکام الهی است و پس و هر نوع مقاومتی از جانب مردم را باید در هم شکست" و چنین نتیجه می‌گیرند که در این راستا خشونت عین صواب است. در حالیکه قرآن و سنت به ما می‌آموزد که اجرای احکام باید به نحوی باشد که به اصل حکم ضربه نزند و موجب رشد مردم گردد.

● غرور نفت بسندگی

بطور خلاصه منظور این عده این است، برخی مسئولین بطور ناخودآگاه با تکیه به ثروت خدا دادی نفت و درآمدن گفت بدون کار و زحمت آن، به مردم کم توجه شده‌اند. از آنجا که هر مشکلی را می‌خواهند با پول نفت حل کنند در نتیجه به نحوه برخورد با مردم و جلب اعتماد آنها توجهی ندارند. مثلاً "در مسائل اساسی همانند جنگ، استقراض، رهبری... به کار توضیحی برای مردم و توجیه آنها نمی‌دهند.

● با توجه به کم وقتی چه باید کرد؟

دانشجویی در بیان مشکلات نیروهای انقلاب مطالبی به شرح زیر گفته است: ۱- ابتدای انقلاب نیروها در خدمت به پیشبرد اهداف انقلاب بطور "تمام وقت" فعالیت می‌کردند. ولی هم‌اکنون با توجه به مشکلات زندگی اکثراً "با مسئله کم وقتی" مواجه هستند. یک دانشجویی که قبلاً "فعال" بوده است، حالاً نه وقت کار سیاسی و روزنامه خواندن دارد، نه به درس‌هایش می‌رسد و نه به خواندن و یادگیری. با هیچکدام بطور کامل نمی‌تواند برخورد کند. چرا که ابتدای انقلاب هزینه‌های زندگی خیلی پایین بود و بدلیل پایین بودن ارزشهای انقلابی همه ساده زیست بودند. ولی هم‌اکنون هم ارزشها تعدیل یافته و هم قیمت‌ها تا حد زیادی بالا رفته است و همین تهیه نان و

مسکن برای خانواده خود کار بسیار مشکلی شده است. به لحاظ سیاسی هم وضع موجود مطلوب نیست و روند بازسازی اقتصادی و تشنج‌زدایی به سمت استقرار و یا اعمال خشونت است بطوریکه بدون کمک خارجی برنامه ۵ ساله اجرا نخواهد شد. با وجود اینکه در درون انقلاب اصلاح طلبی تنها راه است اما می‌دیده اصلاح ضعیف است و متأسفانه از هر نوع اصلاح طلبی تلقی براندازی می‌شود. وی اضافه کرده است با توجه به این اوضاع و احوال سه جمع بنیادی در میان دانشجویان شکل گرفته است:

الف: یک جریان که از اصلاح‌نا می‌دیده به "حفظ خود" رسیده است. منظور از حفظ خود عافیت طلبی مصطلح نبوده بلکه حفظ ارزشهای انقلابی خود در برابر روند موجود است. این افراد به مرور از کار اجرایی نیز کناره‌گیری می‌کنند.

ب: یک جریان معتقد است با دست زدن به یک عمل چشمگیر، اصلاح طلبی در نظام را تقویت نماید که شاید میدکا ذبی باشد. بخصوص که در حرکت فیزیکی جریان راست نفوذ کرده و آن را منحرف می‌نماید.

ج: یک جریان معتقد است که به کار دراز مدت مکتبی بپردازد و بعنوان مثال چند مورد را مطرح می‌نماید.

- ۱- تعریف مومن و شیوه برخورد اصولی با کفر و نفاق. چرا که یکی از معضلات انقلاب ابهام در خط مشی مبارزه با آمریکا و تعیین دشمن اصلی و فرعی است.
- ۲- دستیابی به ملاک برتری برای حل اختلافات در مورد منکر و جنگ، دور مسائل رهبری و...
- ۳- رابطه امام و امت که بسیاری اختلافات داخلی مربوط به نحوه این رابطه می‌باشد.
- ۴- شیوه برخورد با مخالفین اعم از داخلی و خارجی و...

۵ - فرق تعزیر و شکنجه

۶ - دفاع از هویت انقلاب اسلامی در مقابل سلطنت طلبها

و از همه مهم‌تر مرز بندی اسلام آمریکا یی از اسلام محمدی

● عدالت و خشونت

درجا معه ما یک جریان صادق، دلسوز و عدالتخواهی وجود دارد که برای تحقق عدل و احکام اسلام جانبازی و فداکاری هم می‌کند ولی متأسفانه بعلمت عدم پذیرش جامعه دست به انجام کارهای خود در می‌زنند که عکس العمل منفی مردم مواجه می‌شود. این جریان به جهت داری تاریخ یعنی کمیت مستضعفین معتقد بوده و برای تحقق آن در تلاش می‌باشد. در همین راستا به سازماندهی نیز پرداخته و

● تعدد مراجع و رساله های تکراری

بطوریکه شنیده ایم پس از فوت امام (ره) ۱۲ - ۱۵ رساله جدید در شرف تهیه، زیر چاپ و یا چاپ شده است. که اکثر آنها "وجه الامتیا زی نسبت به رساله های قبل ندارند و مسائلی حول احکام عبادی - فردی مطرح کرده اند.

راه مجاهد:

در قرآن ۱۲ برابر احکام فردی، احکام سیاسی اجتماعی وجود دارد که کمتر رساله ای به آن پرداخته است. امام خمینی نیز بعنوان یک رهبر و یک مرجع دینی طی ۱۵ سال تجربه انقلاب اسلامی مسائلی از جمله اسلام محمدی و اسلام آمریکا، خلا موجود در فقه، نقش زمان و مکان در احکام، فقه دولتی و حکومتی را مطرح کرده اند که شایان دقت و تأمل بسیار است. آیا بهترین سیستم مجتهدینی که اقدام به چاپ رساله های جدید می نمایند. با این مسائل اساسی برخورد فعال کرده. و این خلا را پر کنند؟ اگر در این زمینه کار اساسی نشود آیا به صرف چاپ رساله و جمع شدن عده ای مقلد حول یک مرجع، بیم براه افتادن طایفه گری در انقلاب نمی رود؟

هم اکنون که بحرانی که پیتا لیسم و سوسیالیسم آشکار شده و نیاز به اسلام راهنمای عمل زیاده گذشته است. آیا ضروری نمی نماید که فقها و مجتهدین ما جایگاه اسلام را در میان نظام های دنیا مشخص کنند. امام خمینی در منشور برادری مسائل مستحدثه زیاده را نظیر مسئله مالکیت و محدوده آن، مسئله زمین و تقسیم بندی آن، تجارت داخلی و خارجی و مزارعه و مزارعه و اجاره و رهن، در موسیقی و تئاتر و سینما و... در برخورد با کفر شرک و التقاط و بلوک تابع کفروشک و... و... مهمتر از همه ترسیم و تعیین حاکمیت ولایت فقیه در حکومت و جامعه را مطرح کرده اند که بنظر میرسد مجتهدینی که در خط امام مندمی - بایست روی این زمینه ها کار کنند و لا رساله ها نشان چه مشکلی از اسلام و انقلاب و نظام را حل می کند؟

امام پس از ده سال تجربه اسلامی و انقلابی به این نتیجه رسیدند که دوبرداشت بنیاداً "متفاوت از اسلام در حوزه های علمیه وجود دارد. یکی اسلام آمریکایی و دیگری اسلام ناب محمدی، حال برای مردم این سؤال مطرح می شود که از کجا بفهمیم یک رساله جایگاهش در حل این تضاد چه می باشد و جانب کدامیک را گرفته است. آیا بهترین نیست

اما مپس از ده سال تجربه اسلامی و انقلابی
به این نتیجه رسیدند که
دوبرداشت بنیاداً "متفاوت از اسلام در
حوزه های علمیه وجود دارد

مجتهدین در رساله های عملیه خود عمل صالحی را نشان دهند تا مردم را قاطعاً از دهکده اسلام آمریکایی را از اسلام محمدی تشخیص دهند و بر این اساس مجتهد و مرجع خود را انتخاب نمایند.

● آیا انقلاب اسلامی زود رس بود

در محفلی یک روحانی که مسئولیتی در نظام مبعده دارد گفته است همه اشکالات از اینجا ناشی می شود که انقلاب اسلامی زود رس بوده و کارهای لازم را برای انقلابی به این عظمت نداشته ایم.

راه مجاهد:

با دید توجه داشت که انقلاب اسلامی ایران نه تنها زود رس نبود بلکه از کارهای بسیاری در زمینه های ایدئولوژیک، استراتژیک و تکنولوژیک برخوردار بود. لیکن آن بینشی که با تمام کارها برخورد تعالی بخش کرده و نقاط قوت آنها را رشد دهد بطور کامل وجود نداشت. آن عده هم که صاحب چنین بینشی بودند سرعت از طرف دستهای مرموز و ایادی امپریالیسم ترور، تکفیر و یا تصفیه شدند. اگر منظور این برادر روحانی این است که در روحانیت کار در به انداز لازم وجود ندارد، شاید صحیح باشد ولی انقلاب محدود به یک صنف و طبقه خاصی نبوده و روحانیون هم بخش کمی از زندانیان سیاسی سابق را تشکیل می دادند.

در این رابطه ملاحظه کردیم طی ۹ سال پس از انقلاب همه نیروهای مبارز و سیاسی را با انگ التقاط از صحنه خارج کردند و کار به جایی کشیده شد که امام در پیاپی ۶۷ همزمان با پذیرش قطعنامه خطاب به روحانیون گفتند: "علماء و روحانیون انشاء... به همه ابعاد و جوانب مسئولیت خود آشنا هستند ولی از باب تذکر و تاکید عرض میکنم امروزه بسیاری از جوانان و اندیشمندان در فضای آزاد کشور اسلامیان احساس میکنند که می توانند اندیشه های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان دارند و بسیار روی

مجتهدین در رساله های عملیه خود عمل صالحی را نشان دهند تا مردم را قاطعاً از دهکده اسلام آمریکایی را از اسلام محمدی تشخیص دهند و بر این اساس مجتهد و مرجع خود را انتخاب نمایند. عواطف و احساسات معنوی و عرفانی آنان را نادیده گرفت و فوراً "انگ التقاط و انحراف برنوشته های شان زد و همه را یکباره به وادی تردید و شک انداخت اینها که امروز اینگونه مسائل را عنوان میکنند مسلماً "دلشان برای اسلام و هدایت مسلمانان می طپد و الا داعی ندارند که خود را با طرح این مسائل بدر در بیانند از زند، اینها معتقدند که مواضع اسلام در مورد دگوناگون همانگونه ایست که خود فکر میکنند. بجای پر خاش و کنار زدن آنها با پدیری و الفت با آنان برخورد کنید اگر قبول هم نکردند ما یوس نشوید. در غیر این صورت خدای ناکرده به دام لیبرالها و ملی گراها و یا چپ و منافقین می افتند و گناه این کمتر از التقاط نیست."

● صدور انقلاب یا الگوسازی

برخی میگویند الگوسازی آری، صدور انقلاب نه. این عده معتقدند بهترین راه صدور انقلاب این است که یک الگوی توسعه و عمران اقتصادی در مملکت ایجاد نمایند تا انقلاب از این طریق صادر شود. اینان معتقدند انقلاب باید در یک کشور ابتدا تحکیم و تثبیت شود بعد به صدور آن بپردازیم.

در مقابل نظریه دیگری وجود دارد که معتقد است اولاً "صدور انقلاب مکانیکی نبوده ثانیاً "بدون داشتن تصویر مکتبی از جامعه آینده به الگوی متناسب اقتصادی هم دست نخواهیم یافت. باید الگوسازی کرد اما نه الگو اقتصادی به سبک غرب بلکه الگوی ارزشی "مدینه النبی" که در این صورت این الگو عطری خواهد شد که خود بیودنه اینک عطار بگوید، به عبارتی این نه تثبیت و تحکیم است بلکه تعمیق است. به زور وارد نمی شود بلکه همه جا گسترده خواهد شد و تحکیم و تثبیت را در بر دارد.

مسئله نهضت دانشجویی در این مقطع حساس

این است که

حق و باطل را در هر صنفی و بخصوص

حرکت دانشجویی معلوم نموده و مرکز حرکت های صنفی

خود را با حرکت های

که به استقلال مملکت ضربه می زند مشخص نماید

الف: سرمایه داری ملی و وابسته: این بود، همچنین اومی گفت در یک مبارزه دراز مدت جریان به تقسیم بندی سرمایه داری ملی و سلاح خود را از خصم و دشمنان بدست خواهیم وابسته (کمپرا دور) معتقد است و هر سرمایه ای آورد، مجبور نیستیم که با فروش نفت اسلحه تامین کنیم و از این طریق وابسته شویم. بدون توجه به عامل ایدئولوژی مسئله صدور انقلاب می تواند به لحاظ کارشناسی نیز بررسی و رابطه اش با استقلال توضیح داده شود در دنیا ی کمونیسم هم با وجود اینکه استالین و تروتسکی صاحب یک بینش بودند به دو نظریه مختلف در مورد صدور انقلاب رسیدند. لنین در کتاب "اصول لنینیسم" که استالین آن را گردآوری کرده است به لحاظ کارشناسی می گویند: اگر در یک کشور انقلاب شود امپریالیسم با قدرت دلاری و مالی که دارد آن را از پایا درمی آورد، بهترین راه مقابله با قدرت دلاری و مالی امپریالیسم این است که همه جا انقلاب شود.

ما رکن در یک جمع بندی کارشناسی از شکست کمون پاریس گفت: ارتش های آلمان، بلژیک و فرانسه متحداً "کمون پاریس" را قلع و قمع نمودند و از آنجا به این نتیجه رسید، حال که دشمن متحده عمل می کند پس "پرولتاریای جهان متحد شویم" و این یک نظر کارشناسی است وضع آن در این است که اتحاد پرولتاریا را بدنبال اتحاد دشمن نتیجه گیری می کند. مثال دیگری از دوران دفاع مقدس جبهه های خودمان بنزیم که هرگاه در یک تک محدود پیروز می شدیم دشمن با تمام قوا آن منطقه را محاصره و زیر بمباران قرار می داد تا آنرا از دست ما درآورد. ولی اگر در سرتا سر جبهه ها عملیات کوچک، کوچک و تکهای محدود زده می شد، دشمن قادر نبود به سرکوب همه آنها بپردازد. اگر در کشورمان بتوانیم الگوی ارزشی "مدینه النبی" را ایجاد کنیم بدون صدور مکانیکی انقلاب در منطقه می توان نیروهای را آزاد کرد که ارتشهای منطقه را به خود مشغول داشته و از توطئه بر علیه انقلاب باز دارد. مطالب فوق مسائلی کارشناسی بود والا عمده ملت ما مردمی موحد هستند که هم زمان با اعتقاد به توحید و امام زمان به حکومت جهانی واحد معتقد می باشند و این اعتقاد را نمی توان از آنها تفکیک نمود.

● استقلال واقعی و صدور انقلاب

استقلال واقعی در هر عصری به شکلی تامین می شود و نباید نسبت به آن دگم و متحجر بود. شهید حنیف نژاد می گفت: استقلال واقعی ما در مبارزه دراز مدت چریکی تامین خواهد شد. چرا که در یک مبارزه دراز مدت نهادهای انقلاب شکل گرفته و پس از سقوط خصم نیازی به این یا آن دشمن خارجی نداریم. و این مطلب را از روی آوردن انقلاب الجزایر به دشمن دیرین خود یعنی فرانسه الهام گرفته

برای مقابله با موانع و مخالفین اعمال زور و خشونت هم می نماید. با توجه به برداشتی که از کتاب کالدشکافی چپا را انقلاب در دهمن بسپاری بوجود آمده، تلقی مردم از این جریان، مرادف با انقلاب از طریق زور و خشونت است.

در مقابل جریان وجود دارده که برای آزادی اولویت قائل است، به عبارتتی آزاد خواه است و اعمال زور و خشونت را هم قبول ندارد ولی به اندازه کافی انسجام ضد امپریالیستی ندارد.

درجا معما بسیاری از عناصر صادق وجود دارند که در این مسئله غافل می کنند و مردد هستند که کدامیک از این دو جناح به حق و عدالت نزدیک ترند.

در دیگر انقلابات هم این قضیه وجود داشته است که رهبران انقلاب پس از پیروزی برای تحکیم و تثبیت آن دست به خشونت زده اند. مثلاً در انقلاب شوروی استالین در افکار عمومی دنیا بعنوان مردی خشن و دیکتاتور معرفی شده است. و این خشونتها را برای تحکیم سوسیالیسم و مقابله با امپریالیسم اعمال می کرد. ولی پس از آن غرو شفاف از یک طرف بطور نسبی آزادی داد و از طرف دیگر اصل رویزیونیسم را ارائه کرد و انسجام ضد امپریالیستی آن نسبت به استالین تقلیل یافت. ما ثواب انقلابی چین نیز استالین را در برابر غرو شفاف تأیید می کرد یکی از صاحب نظران ایران گفته است:

اگر نظام شوروی به این شکل استقرار نمی یافت و یک قدرت در مقابل آمریکا نمی شد، معلوم نبود که آمریکا با یکه تازیهای خود چه خشونتها، کودتاها و خونریزیهای انجام نمی داد! چنانکه بدنبال کودتای ۲۸ مرداد در کودتاهای شیلی، اندونزی و بعث عراق میلیونها نفر کشته شدند. دکتر مصدق در کتاب خاطرات و تالعات خود با اطلاع از جناح بندی های درون شوروی چنین اشاره می کند که اگر استالین زنده بود کودتای ۲۸ مرداد به وقوع نمی پیوست زیرا او نسبت به آمریکا بسیار حساس بود و انسجام ضد امپریالیستی اش قوی تر از بولگن و غرو شفاف بود. در ضمن آمریکا هم روی واکنش استالین بسیار حساس می کرد.

● دو خط مشی در اقتصاد ایران

در یک تقسیم بندی استراتژیک از اقتصاد ایران دو نظریه وجود دارد و چریک استراتژیک وجود دارد که به توضیح آن می پردازیم:

● "عمل صالح" و "نظریه مشارکت نیروها"

صاحب نظری معتقد بود: مرحوم مصدق و یارانانش با شعار "نفث ملی" و قطع بیگانگان، نهضت ملی را پایه گذاری نمودند. شعاری فوق الذکر عمل صالح زمان بود و جای خود را در قلب توده ها و نیروهای مبارز و دولتمردان باز نمود. هر تلاشی که از جانب استعمارگران و ایادی مرموز علیه این شعار می شد به رشد و گسترش آن دامن می زد. این شعار بلاخره بصورت عملی صالح و شعار مبارزیت فراگیر در امتداد آنجا که در باره هم نتوانست در مقابل آن مقاومتی بنماید. مصدق با این شعار رضا استعمار را در زمینه داخلی توانست قدرت را از دربار به مجلس شورای ملی منتقل نماید و زمینه مشارکت همه نیروهای ضد استعمار و آزادیخواه را فراهم آورد. وی توانست تمامی نیروهای داخل و خارج از نظام را بسیج کرده و به صحنه آورد. حتی دربار هم به ظاهر تابع این حرکت شد. نفس حرکت به شکلی بود که حتی بدخواهان نیز نمی توانستند تلقی مبارزه قدرت از آن بنمایند. نتیجه اینکه هم با استعمار مبارزه شد و هم جداگانه مشارکت نیروها و آزادیهای فردی و اجتماعی برقرار گشت. مرحوم مصدق و مرحوم آیت الله کاشانی چنین وانمود نکردند که اگر بقدت برسیم تزه و برنامها یمان را مطرح خواهیم کرد بلکه شعارشان را مطرح و از آنجا که این شعار عمل صالح بود موانع را از بین برد و جای پای خود را باز نمود. این روش مشارکت نیروها و عامه مردم را هم بدنیال داشت.

بیان این مقدمه تاریخی بدان منظور بود که این روزها شعار مشارکت نیروهای سالم و دلسوز چه از جانب آیت الله منتظری و چه از جانب سایرین مطرح شده و می شود. از آنجا که "نظریه مشارکت نیروها" بدون معرفی و تاکید فراوان روی عمل صالح زمان مطرح می شود، از جانب عده ای از آن تلقی مبارزه قدرت می گردد بخصوص که بدخواهان و دستهای مرموز نیز تفتین کرده و به این تلقی دامن می زنند و این نظریه دلسوزانه را بصورت یک نظریه برانداز تبلیغ میکنند.

بنظر میرسد تا کیدروی عمل صالح بایستد بیشتر از تا کیدروی مشارکت نیروها باشد چرا که عمل صالح، مشارکت را هم دربر خواهد داشت. برخی اعمال صالح همچون: مبارزه با دستهای مرموز، مبارزه با کودتای خزننده قانونی، اجرای کامل قانون اساسی، شمره خون شهدا، مرزبندی اسلام محمدی از اسلام

آمریکایی، اتحاد همه نیروهای ملی و مذهبی علیه توطئه آمریکایی انضمام اروندرود به خاک عراق، ریشه یابی عوامل اضطرابی که منجر به پذیرش قطعنامه و استعفا ی آیت الله منتظری شد، "تقویت اصول انقلاب، حفظ نظام و اصلاح آن" و... وجود دارد که نیروها میتوانند حول آن مشارکت نمایند. واقعیت این است که نیروها هنوز به یک عمل صالح رهگشا و فراگیر نرسیده اند و در این زمینه کوشش فراوان لازم است.

در شرایط فعلی برخی نیروها هستند که میگویند تا آزادیهای مصرّحه در قانون اساسی داده نشود نظرات اصلاحی خود را ارائه نمی دهیم این عده بدون توجه به جنگ، صلح، توطئه نه جنگ و نه صلح، حضور ناوگانهای آمریکایی در خلیج، آرایش جدید عراق، فشار آمریکا برای فلج کردن بازسازی و... عمل صالح خود را منوط به دادن آزادیها میکنند و از حرکتشان چنین تلقی می شود که با نظام تضاد قدرت دارند و این امر موجب جدائی شان از توده ها می شود لازم به یادآوری است که نظام جمهوری اسلامی از جانب قدرتهای خارجی زیر فشارهای مختلف قرار دارد و با توجه به عملکرد دستهای مرموز بیرون نظام بودن مسئولیت را از اشان سلب نمی نماید. بایستی آیه کریمه را باور داشته باشیم که "... لا اله یصعد الکم الطیب و العمل الصالح یرفعه..." (سوره فاطر آیه ۱۰) یعنی منطق پاک و نیکو بسوی خدا و نبدالا رفته و عمل صالح و خالص آن منطق را بلند آوازه خواهد نمود در این راستا مکر بدخواهان نقش بر آب می گردد.

● سیل بندی که تمامی انقلاب را حفظ کند

صاحب نظری، خطری که انقلاب با آن مواجه است را به سبلی تشبیه می نمود که همه را تهدید می کند. وی در ادامه گفت متأسفانه هر کسی سعی در تسلیل بندی در جلو خانه خودش درست کند تا خطرات از خود رفع نماید. منظور این که کسی بفریک طرح کلی برای نجات همگان نیست و هر فردی در هر مداری سعی در مبارزه و بنه خود را ببندد و بعباری خود را نجات دهد وی اضافه کرد بچه های انقلابی همه به فکر گرفتن تخصصی افتاده اند که اگر در نظام نتوانند کاری انجام دهند حداقل زندگی فردی خودشان در معرض تهدید قرار بگیرد. در تکمیل برداشت فوق می توان اضافه نمود که این ویژگی نه تنها در شرایط کلی انقلاب بلکه در زمینه های دیگر می تواند بده شکلی مطرح گردد چنانکه تا کنون در زمینه نظامی همه

پیروزیهای جنگ دفاعیمان را مدیون اعتماد رزمندگان به فرماندهان خود می دانستیم حال اگر شرایطی پیش آید که رزمندگان احساس کند پشتش خالی شده و اعتمادش به تدبیر فرماندهی سلب گردد در شرایط ویژه هر رزمنده ای در خط مقدم به فکر نجات خود می افتد و این امر موجب ضربه پذیری نیروها به لحاظ نظامی می گردد که چند نمونه از آن را در دوران جنگ نیز شاهد بودیم.

امید است کلیه مسئولین و صاحب نظران به این حالت توجه کنند و راه حل وسیل بندی را کشف کنند که تمامی انقلاب را حفظ نماید.

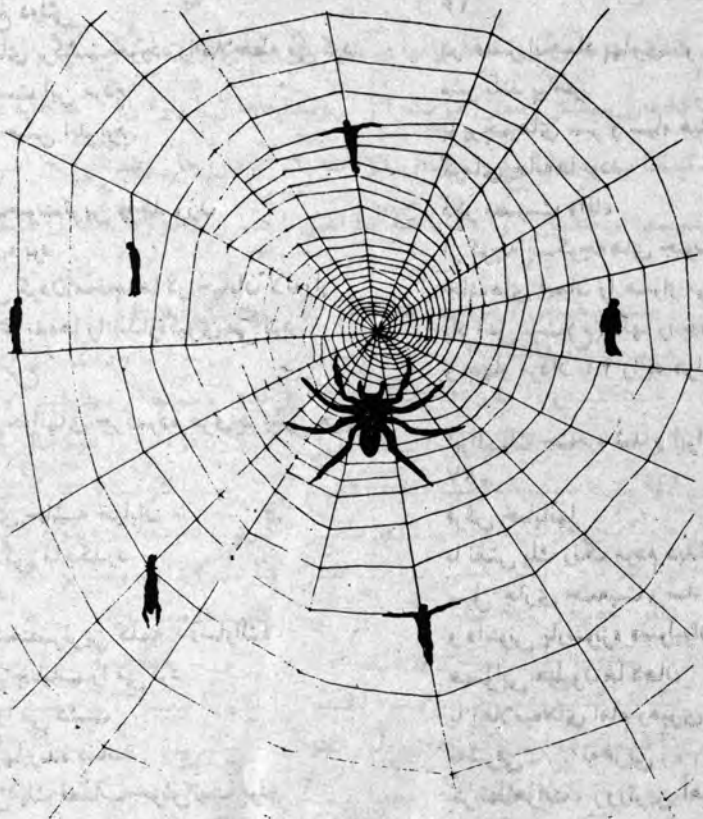
● قرآن و عترت و ریشه یابی نارسائیه

عده ای چنین برداشتی دارند که تمامی دستاوردهای مثبت انقلاب اسلامی ناشی از الهام گیری از قرآن و عترت می باشد. امام خمینی (ره) نیز محور و صیقل نام خود را حدیث ثقلین و تفکیک نا پذیری قرآن و عترت قرار دادند. بدین معنا که قرآن همیشه "حامل" و "ناطق" حی و زنده لازم داشته و دارد و در این شرایط ناطق و حامل قرآن امام زمان (عج) می باشند.

همین عده ریشه یابی تمامی نارسائیه ها و مفسده ها را در طی ۱۰ سال که از انقلاب می گذرد این می دانند که روحانیت از یک طرف خود را وارث انقلاب و حاکم بر آن می دانند و پیستهای کلیدی در دست آنها می باشد ولی از طرف دیگر آموزش قرآن و عترت (امام زمان) درس رسمی حوزه ها نیست. گرچه در حوزه های علمیه قرآن را دلیل اول می شمارند و طلاب با نیت سربازی امام زمان وارد حوزه ها می شوند ولی آموزش این دو (ثقلین) بطور رسمی وجود ندارد اما زمان بصورت آرمائی در آمده که در انتهای تاریخ ظهور آن حضرت مطرح است و ظهور تدریجی آیات قرآن و آن حضرت و نقش ایشان در احکام جاری بطور سیستماتیک معلوم نیست. در واقع امت واحده رهبری امام زمان (عج) و جامع توحیدی ایشان نیست بصورت حکم اولیه در احکام حوزه ها مطرح نمی باشد و دوام و بقا انقلاب در این است که این دورکن اصلی در آن تقویت شود.

آن روزها که دلار هفت تومان بود...!

از کتاب " منظومه هشت ساله " اثر صدرا ریحانه
انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی



آن روزها که آفتاب از کاخ نیاوران طلوع می کرد
ایران «ساتراپ»^(۱) نشین آمریکا بود.
سلطان طراحى شده ایران شهر
نه شرافت کوروش را داشت و نه عرضه داریوش را
دروغ آریامهر يك حقيقت بود.

آن روزها که يك كيلو آهن سنگين تر از يك كيلو پنبه بود
خرابه ها با روکش تمدن آباد می شد
و ارکیده ها برای هر گرسنه ایرانی
آرزوی يك پيكان می کردند

غصه پول نفت میان هزار فاميل
عدالانه تقسيم می شد

و عدالت پهلوی زبانزد بانك های سوئيس بود.

آن روزها امپراتوری هژبر، عدل مظفری را ستایش می کرد
و آبجوی القانيان، دست در گردن يك دستفروش خوش شانس-
خیامی-

در پارک خرم، سهم جاوید شاه را کنار می گذاشتند.
و کمی پائين تر

رنج، تنها آبونمانی بود که میان محرومين
به رایگان تقسيم می شد.

آن روزها انقلاب سفید شاه و «جان. اف. کندي»
روزگار مردم را سیاه کرد

چادر تاراج، روی دکلهای نفت برپا شد
و ثروت برادرانمان

پشت قبالة «هفت خواهران» افتاد
و شاه در يك میهمانی عظيم

کنار سفره بزرگ ایران
تاریخ آب پر خود را سرو کرد

تا مورخين فريب هويت او را بخورند
هويتي که «ارنست پرون» آن را طراحی کرده بود.

شاه ایران را برای آمریکا
تا سرحد مرگ دوست داشت.

آن روزها صف طولانی «فراك» ها

با بوسه های نود درجه
کمر ایران را می شکست.

ژنرالهای بی بته

مشری و پترين های خیابان حسن آباد
بادکنکهای رنگی بزرگی بودند

که در جشن تولد انقلاب ترکيدند.
اینان نیم قرن، پاپای مستشاران

صادقانه خدمت کردند.

آن روزها کامیوندار خاندان جلیل سلطنت
برای پخش آرد آمریکایی

تبريلر «وايت» را با راننده کره ای می راند
تا روستائيان با بلیط اعانه ملی

خوشبخت شوند.
رئيس کمیته ملی المپیک

ميل های شعبان بی مخ را سفارش می داد.

شاهپور غلامرضا برادر کوچک محمدرضا پهلوی بود.

آن روزها «يك كارد سلاخ بدلم»^(۲)
آهنگ روز بود.

و ترانه های درخواستی
کاست های ذهن ما را پر می کرد.

«روزهای زندگی» ما

در «محل پیتون» «دیزالو» می شد.
و شومن ها محبوب تر از استادان دانشگاه

به سؤال «چگونه می توان غرب زده شد؟»
پاسخ صريح می دادند.

روزهایی که تلویزیون بی پرده نشان می داد
و حیای چشم ها با کمترین قیمت بفروش می رسید.

روزهای دوشنبه چراغ خانه ها
با «مرادبرقی» روشن می شد.

تا کالای اندیشه گزیده تر برده شود.
پسر دایی شاه بانو «قطب» ی بود!

آن روزها سینما يك فراموشخانه بود
که «لژ» های آن با پوست تخمه آفتابگردان فرش می شد.

اصالت ها زیرگوشتكوب سناریو له می شد.

آن روزها اشرف مونث کشاورزی می کرد
تا مردم پرتقال اسرائیلی بخورند.

کارت بازرگانی مواد مخدر
بنام دختر سردار سپه صادر شده بود.

پروفرمای قاچاقچیان با امضاء اشرف
اعتبار بیشتری می یافت.

هفدهم دی، روز اشرف بود.

آن روزها شاه بانو برای «پیکاسو» غش می کرد
تا روشنفکران برای او بمیرند.

عرفان درباری
در جشن و هنر شیراز اوج می گرفت

و فلسفه سلطنت
در بنیاد پهلوی بافته می شد.

فرح دیبا، پول توجیبی روشنفکران بود.
عکس این الهه ها

شروع کتابهای درسی بود.

و ستاره‌های فیلم فارسی
روی میز کافه‌ها می‌درخشیدند.
گیشه‌های بزرگ کرده.
از پشت میله‌های نفس‌گیر.
کلاه مخملی را روی سر ارزش‌ها می‌گذاشتند.
سینمای ایران، وانت‌بار «دختر لر» بود.

۱۰

آن روزها لاله نگرارش
ذهن ما را اداره می‌کرد
و با سقف زدن بر خانه اندیشه
ارتفاع افکار را اندازه می‌گرفت.
قیچی سانسور کتابها را زخمی می‌کرد.
تا سلامت جوانان تهدید نشود.

ولی این تیغ دولتی
«توده‌ای» های برگشت‌خورده را ملاحظه می‌کرد.
بهترین دوست این مردم
محمکوم به حبس ابد بود.

۱۱

آن روزها محبوب‌ترین واحد وزن
«پنج سیری» بود.
که با مختل کردن مخچه‌ها در خیابان لاله‌زار
طول موج عربده‌ها را اندازه‌گیری می‌کرد.
حقوق سر برج

پشت پیش‌خوانهای چرکم‌ده عرق فروشی هزین
می‌شد

تا جوی‌های حاشیه خیابان
از متن زندگی ما بگذرد

۱۲

آن روزها مختصرترین کلمه: «ساواک»
مفصلترین جنایات را می‌کرد.
ساواک ما را می‌کشید
تا آمریکائیه‌ها زنده بمانند.

پرویز ثابتی یک قصاب خوش‌تیپ بود
که پاشنه بلند کفش اشرف را
به دندان زندانیان نشان می‌داد.

نصیری، مقدم، منوچهری، ازغندی
حسینی، آرش، تهرانی، رسولی، عضدی و ...
سگ‌های شکاری دربار بودند.

۱۳

آن روزها در دنیای بولینگ و قصر یخ
شخصیت‌ها صیقل می‌خورد.
و در کنار لب‌های آبی دریا
و پیست‌های سفید شمشک
برنزه می‌شد.

مسیر همه دارایی‌ها به شمال تهران ختم می‌شد.
شیشه‌های قدی «چاتانوگا»

در میان ازدحامی از پایون‌ها و گارسون‌ها
«ویترای» مقابل پارک شاهنشاهی بود.
و کمی بالاتر «سونا»ی هتل هیلتون
اعصاب آمریکایی‌ها را تسکین می‌داد.

۱۴

آن روزها که دلار هفت تومان بود.
«آیزنهاور» نام خیابان «آزادی» بود.

و «الیزابت دوم» به جای بلوار کشاورز
روی تابلوهای شهرداری سبز شده بود.
روزولت، چرچیل، پهلوی و ...
جهت راه‌ها را نشان می‌دادند.
و آمریکایی‌ها «سلطنت» آباد را
بیشتر از هر خیابانی دوست داشتند.
دفترچه «کاپیتولاسیون»

۱۵

سگ‌های چشم آبی آمریکایی را بیمه کرده بود.
اینجا عکس روتوش نشده‌ای از زندگی ما بود.
زندگی در یک جغرافیای ثابت
که شمال و جنوب آن هیچ ربطی به هم نداشت
الا خیابان پهلوی

۱۶

در عصر انجماد پهلوی
منبر بلند پیامبر
با پرچم‌های سبز و سیاه هیئت‌ها
گرمای خانه‌ها بود.

ذکر مصیبت «آقا»
از کوچه پس‌کوچه‌های جنوب شهر
جاده‌های ایمان را هموار می‌کرد.
یاد اهل بیت (ع) دل‌ها را به هم گره زد.
و چهار مردان ۴۲ را به هزار مردان ۵۷ رساند.

ایران یک حنجره شد و ایران یک آواز.

۱۷

فرش خیابانها
با نقش یک رنگ مردم دیدنی بود.
سیل جاری جمعیت، سد تحلیل‌ها را می‌خواباند.
و «انتونی پارسونز» «سولیوان» را دل‌داری می‌داد.

همنویای میلیون‌ها دهان
با اعلامیه‌های امام رهبری می‌شد:
نه شرقی ... نه غربی ... حکومت اسلامی
گر تظاهرات، روزترین آهنگ دنیا را سر داده بود:
استقلال ... آزادی ... جمهوری اسلامی

۱۸

۱۳۵۷ سال فراوانی «مرگ بر شاه» بود.
سال راه‌بندان «الله‌اکبر» در آسمان
سال رونق مساجد و منابر.
سال ختم شدن راه‌ها به دانشگاه
سال پیدایش کوکتل مولوتف
سال «ریو» های جاخورده
سال کلت‌ها و کلاه‌های آهنی
سال طناب‌کشی ۲۰ لتری‌ها
سال تبادل گل و گلوله

سال ژاله
سال به موزه سپردن مهندس ریاضی

سال شکست یخ‌های زمستان
سال سرود «خمینی ای امام» ...

۱۹

وقتی سیم‌های بکسل گردن مجسمه شاه را خراش داد
صدای «آوخ» از همه تلکسهای دنیا به گوش رسید.
خسرو پرویز معاصر با شب‌دیز آهین
رو به سوی نوادگان هراکلیوس نهاد.

ایوان کاخ سفید به لرزه درآمد
و موشه‌دایان بعنوان اولین حیوان
زنهار شیعه را سرداد.
آتشکده لنین سرد شد.
و رب النوع کرملین از پرستش افتاد.

۲۰

بهار پراگ، در زمستان تهران تکرار نشد.
ولی لوله‌های یک چشم تانک‌ها
برای پرده پنجره‌ها خط و نشان می‌کشیدند.
گارد شاه یک پفک بی نمک بود.
که در دهان بچه‌های انقلاب آب شد.
پادگان‌ها به احترام مردم کلاه از سر برداشتند.
و آغوش زاغه‌ها

دست‌های جوانان را با ماشه‌ها آشنا کرد.
موهای کیسینجر سفید شد.

و برگ‌های برژینسکی رنگ «خاکستر» ی گرفت.

۲۱

آخرین سرباز بدبخت شاه
بختیار نام داشت.
آموزگار رفوزه، شریف امامی «ماسون»، ازهاری کور
آخر وزیران رژیم عصر پهلوی
در میان گره‌مشتهای مردم مجاله شدند.

دمکراسی رنگ پریده
لابلای جمدانهای خاندان سلطنت پرواز کرد.

آزادی از راه رسیده بود.
ناسیونالیسم کذاب با اعتصاب پالایشگاه مرد.

ایران وطن ما شده بود.

۲۲

انقلاب ما رنگی جز مردم ندارد.
بیانید بوقلمون را برای حلیم دوست داشته باشیم.
تنفس مصنوعی برای انقلاب کشنده است.

بیانید وعده‌های خفه‌کننده ندهیم.
خط انقلاب را با ضمیر اول شخص نمی‌کشند.

بیانید مداد رنگی‌ها را از دست بچه‌ها نگیریم.
عدالت روی صفحه جامعه قشنگتر است.

بیانید حروف روزنامه را با مصاحبه‌ها شرم‌نده نکنیم.
«پست»‌ها با تمبر مردم زیباتر است.

بیانید چراغ قرمزها را با «بینر» باطل نکنیم.
دندان تیز گرگ‌ها را برای دریدن انقلاب ببینید!

بیانید گوسفند سادگی را به خرای خط‌کشی‌ها نبریم.
می‌گویند حسین خرازی هیجان‌زده بود!

بیانید به جای «کمبریج»، تاریخ جنگ را خودمان
بنویسیم.

روشنفکران در روزهای پراژیر، به دنبال شیر تازه گاو
روستا‌های حومه تهران را زیر پا می‌گذاشتند.

بیانید با داستان‌هایمان، دست نازنین انقلاب را
بگیریم.

مردم «پز» بی‌مزه مخالف خوانی را تماشا نمی‌کنند.
بیانید اصالت‌های انقلاب را «اکران» کنیم.

وقت هنرمندان طلاست.



سمینار بررسی

اندیشه‌های امام خمینی

در دانشگاه امیرکبیر

از آنجا شبکه اخبار و اطلاعات صحیح (کما می - هما منظور که هستند) تحلیلها را با رور مینماید، بر آن شمیم مجموعه‌ای از اخبار مهم را در بخشی از شریه که به اینکا را اختصاص داده ایم، درج نمائیم. اهداف مورد نظر ما در اینکار عبارتند از:

- ۱- کمک به روری تحلیل‌های سیاسی نیروهای مکتبی.
- ۲- دادن بینش استراتژیک از رویدادهای ایران، منطقه، جهان.
- ۳- کمک به پیدا کردن دید استراتژیک از مراحل رشد خلق و افول امپریالیسم. ضمناً "راه مجاهد" با این اخبار برخورد فعال میکند.

- ۱۴ آبان امام و اساتید جهانی
۱۵ آبان امام و فقه
۱۶ آبان امام و ارزشها

● سئوالات:
س- آیا برای زمان و مکان حدی وجود دارد یا خیر؟ و آیا کسی دیگر جز امام آنرا مطرح کرده است ج- اگر کسان دیگری هم مطرح کرده اند به این وضوح نبوده و حد تاثیر زمان و مکان به تشخیص مجتهد است.

س- مصافحه آیات دست دادن است یا معنی آن وسیع تر است ج- من این بحث را در جمع علمای قم هم گفتم و استناد من هم به روایتی است از امام صادق (ع) که ایشان گفته اند نگاه به زن غیر مسلمان اشکال ندارد همانطوریکه نگاه به حیوان اشکال ندارد البته به شرط اینکه بدون ریه باشد.

حالا برای این با س من دست دادن به زن غیر مسلمان و نگاه کردن به صورت و موی و ... را بلا اشکال میدانم و حتی در بعضی موارد انجام ندادن آن اشکال شرعی دارد. بطور مثال یک نماینده ایران که روحانی هم بوده در یک جلسه که اسلام شناسان و علاقمندان به انقلاب اسلامی در آنجا جمع بوده اند با همه حضار دست میدهد بجز با یکی از زنان در اثر این عمل بقدری متاثر میشود که

اجتهاد خلی اصرار داشتند و همین باعث شد که آن جو جمود را بشکنند و اجازه دادند که افراد آزادانه فکر کنند در حالیکه قبل از اینها همینکه گفته میشد شیخ ... این حرف را زده یا این نظر را داده دیگر کسی جرات اظهار نظر جدید را نداشت.

بطور مثال یک روز در بحث یکنفر گفت: ولیکن آیت الله نائینی در این مورد اینطور نظر ندارند که امام با عصانیت گفتند: خوب ما در اینجا از آیت الله سؤال داریم و تا جواب به ما داده نشود ما نظر دیگری داریم. ما با تکیه بر این روحیه سد را شکستیم و بحث "غنا" را مطرح کردیم. بحث "طهارت" ذاتی انسان را دوباره بررسی کردیم. بحث شطرنج مطرح شد.

بحث بلا اشکال بودن مصافحه با زنان غیر مسلمان مطرح شد در این مباحث نباید معنی لغوی را معیار قرار داد بلکه معنی شرعی معیار است و بر همین اساس ما ثابت کردیم که اهل کتاب پاک هستند در حالیکه روی همین موضوع سید مرتضی انصاری از آیه "انما المشركون نجس" میگویند که آنها نجس هستند.

۳- امام در مباحث و فتوی و عمل اصولی بودند و نه اخباری من در پرده بگویم که فقه بمعنی اخص هیچگاه نمیتواند هیچ شکل سیاسی، اقتصادی و حکومتی را حل کند. متأسفانه بعضی در عین حالیکه در مبانی اصولی هستند ولی بخاطر احتیاط کذا و احتیاط کذا در عمل اخباری هستند.

۴- منابع فقهر را برای شناخت حوادث واقعه به مقتضی امام مقتضیات زمان را در نظر میگرفت.

۵- ... فقه پویا و فقه سنتی دو لفظ است که هر کدام بطور جداگانه به دو معنی مثبت و منفی بکار میرود.

۶- امام در اظهار نظر ها تحت تاثیر جو قرار نمی گرفت.

۷- امام فقه حکومتی را در تمام زمینه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و ... بکار نمی گرفت.

۸- امام معتقد بودند که باب اجتهاد در تمام زمینه ها باید باز باشد. این بینش امام سید تقی را در تمام مباحث اجتهادی شکست ۹- امام معتقد بودند که شریعت بر پایه آسان گیری قرار دارد.

اما مدرز زمینه با زبودن باب

در اینجا مضمون برگزیده‌ای از سخنان برادران شرکت کننده در سمینار را نقل میکنیم.

● موضوع: امام و فقه
حجت الاسلام جناب: در مورد ادوار فقه یک تقسیم بندی وجود دارد که آنرا بیان میکنم.

- ۱- دوره تشریع
- ۲- دوره تهیین و تدوین
- ۳- دوره تذهیب و دسته بندی
- ۴- دوره گسترش مسائل فقه
- ۵- دوره استدلال
- ۶- دوره گسترش در استدلال
- ۷- دوره رشد و تکامل
- ۸- دوره تدقیق و ژرف اندیشی
- ۹- دوره تلخیص (که امام در این دوره قرار داشتند)

● ویژگیها و مزایای فقه اجتهادی امام:

- ۱- امام بین ژرف نگری در استدلال و دقت در تحقیق و کوتاهی عبارت و شیوایی اسلوب یک اجتماع جالبی بوجود آورده بودند در عین حالیکه از مبانی بسیار قوی نیز برخوردار بودند.
- ۲- امام برای درک حوادث واقعه بر ظاهر الفاظ جمود نداشتند.

میگویند من از هر چه اسلام و مسلمان است متنفر شدم.

در مورد مسئله علمیت ایشان گفتند:

من بارها گفته‌ام که مسئله علمیت در اجتهاد یک بحث بی‌مورد و اشتباه است وقتی کسی به درجه اجتهاد در سید دیگر اعلم معنی ندارد، نظرش حجت است. بر فرض که چنین چیزی باشد، این مسئله از طرف مردم قابل تشخیص نیست و صرفاً یک فرد ما فوق می‌تواند آنرا تشخیص بدهد کسی که تمام مراحل را گذرانده باشد و همه چیز را بداند و نه یکی زعوم.

بنظر می‌آید که در حادثه کربلا نظام راستین اسلام از بین رفت ولی امام حسین (ع) نشان داد که مصلحت نظام ایستادن در پای ارزشهاست

● موضوع:

امام و ارزشها

حجت الاسلام بیات:

مبادا الله اکبر خمینی رهبر کم رنگ شود.

من بسیار رنگران هستم که مبادا امام را به تاریخ تبدیل کنند و عده‌ای در این جهت سعی و کوشش میکنند. نباید امام از اعیان و اذهان حذف شود. مثل رسول... (ص) که همیشه حضور او را حس میکنیم در صلواتها و در نمازها و... باید این الله اکبر خمینی رهبر را حفظ کرد و فراموش نشود. من خدا انقلابی میدانم آنکه الله اکبر خمینی رهبر را کم رنگ بگوید.

دیپلماسی موجود نمیتواند پاسخگوی کامل سیاست نه شرقی و نه غربی باشد. آنها یکی که در برخورد با حکومتها، حکومتها را مملاک گرفته اند و با امام دارند حتی نزدیکان امام لباس عمل به

حرفهای امام نپوشاندند. آنها یکی که به فکرشان رسید دشمن ممکن است توبه کند، امام این تصور را ساده انگاری میداند.

تحولات درون جامعه کمونیستی تحت تاثیر انقلاب اسلامی و تز نه شرقی و نه غربی بود.

هم اکنون در جامعه ما ۲، ۳ هزار نفر هستند که ۸۰٪ ثروت مملکت دست اینهاست.

مواردی بوده که عده‌ای از همین پولداران به کشاورزان ۲۰ کیلویی ۲ تومان پول دادند تا آنها سیب زمینی را از زیر زمین بیرون نیاورند و به این ترتیب

قیمتها بالا نماند.

با سخنان امام برخورد صحیحی نمیشود. البته قبل از این با سخنان معصومین هم به همین ترتیب برخورد میشد.

باید مجموعه سخنان امام را دید، خود این صحبتها، مجموعه اش جلوانحرافات را میکشد.

● موضوع:

امام و حفظ ارزشها

آقای مظفری نژاد:

جان هرا انقلابی، ارزشهای آن انقلاب است و با گرفتن ارزشها آن انقلاب از تحرک و پویایی می افتد.

امام قله ارزشها را مبارزه موداند و خدا ارزش ترین چیزها از نظر امام رفاه طلبی است.

امام در صحبتها و بیامهای آخرشان و همینطور در وصیتنامه گفته اند که، رفاه با مبارزه و اسلام و آخرت سازش ندارد.

حافظان ارزشها از نظر امام

تنها یک قشر هستند. وزارت ها و سایر پستهای کلیدی باید در دست اینها باشد و تنها در این صورت است که ارزشها حفظ خواهد شد.

امام میگویند: و تنها آنها بی حیا و خرد با ما هستند که در فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند، فقرا و متدینین بی بضاعت گردانندگان و برپادارانندگان واقعی انقلاب هستند.

اگر میخواهید بدانید که چگونه میتوان ارزشها را حفظ کرد در همین جمله فوق دقت کنید. امام رمز حفظ ارزشها را "فقر و متدینین بی بضاعت" میداند. امام بکرات روی این موضوع تاکید میکند. در جای دیگر امام میگویند: ما باید تمام تلاشمان را بنمائیم تا به هر صورتی که ممکن است خط دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم. و ارزشها نمیماند مگر آنکه یک نبرد طولانی مستمر بین ارزشها و ضد ارزشها برقرار باشد.

برنامه ۵ ساله در بعضی موارد با اصول انقلاب هماهنگی ندارد. بطور مثال دو طرح پیشنهادی آمده بود که دولت امکانات در اختیار بخش خصوصی بگذارد تا آنها شهرک بسازند و به افرادی خانه

امام می گویند

بطرف سرمایه داری رفتن ،

منجلا ب است

اجاره بدهند یا فروش سهام کارخانجات دولتی به بخش خصوصی که با مواردی مخالفت شده. منتهی نکته مهم این است که این برنامه ۵ ساله با اهمیت زیادی که دارد نباید مورد بررسی قرار گیرد بلکه باید مجلس ۲-۳ ماه روی آن بررسی و مطالعه عمیق بنماید.

س - بعد از جنگ شاهنشاهی چرخشهایی در سیاست خارجی

بودیم و همچنین بعد از فوت امام که به عنوان مصلحت انقلاب مساقلی طرح میشود — مرز مصلحت و غیر مصلحت چیست.

ج - مصلحت نظام در حفظ ارزشهاست. من سؤال میکنم که آیا باید نظام فدای انقلاب شود یا ارزشها مطرح شود و حفظ شود به هر قیمت. در حادثه کربلا نظام به چه معنا بود؟ امام حسین بود و روبروی ایشان اسلام زو زور و تزویر با تمام قدرت ظاهری اش در حادثه کربلا امام میگوید

"ان لا رى الموت الا السعاده و الحيات مع الظالمين الا البرا" در صیغته امام میگویند: کلام مرحوم مدرس را که: اکنون که باید از بین برویم چرا با دست خود... امام حسین (ع) به هر قیمت ارزشهای مکتبش را حفظ کرد و در ظاهراً هم شکست خورد و به نظر می آید که در حادثه کربلا نظام راستین اسلام از بین رفت ولی نشان داد که مصلحت نظام ایستادن در پای ارزشهاست.

مثلاً در مورد قضیه سلمان رشدی بعضی میگفتند که نباید خامی کرد، با زار مشترک و همه علیه ما موضع گرفته اند و مصلحت این است که بگذریم. امام

میگویند ضرورتی نیست که در چنین شرایطی ما دنبال روابط گسترده باشیم. بعضیها میخواهند ماهیت شیطان را عوض کنند و میگویند فرصت طلایی ارتباط با آمریکا فرا رسیده. اگر ارتباط با آمریکا مفید باشد یک تکلیف و واجب شرعی است. کدام عقل سالم میگوید که ارتباط گنگ و میش مفید است و اولین قدم را هم میش باید بردارد. نماینده سابق

ایران در سال زمان ملل از تربیه
مجلس رسماً دفاع از عربستان
میکند. اما می‌گویند من از این
تفکرات می‌ترسم. مصلحت نظام
آن است که ما پای حفظ ارزشها
با ایستیم. در قطع رابطه با انگلیس
بعضیها موافق نبودند در بیرون
مجلس هم مخالفت بود. اما گفتند
هر چه مجلس بگوید. اما مصوبه
مجلس باعث شده است که استکبار موضع
انفعالی در برابر ما گرفت.
ایستادن در پای ارزشها
باعث سلامت نظام و در مسیری است
که ما گفته‌اند.

● مشارکت مردم یعنی چه؟
مشارکت مردم مثل مشارکت
مردم در جنگ است بعضی فکر
می‌کنند که دولت امکانات بدهد،
و در تعبیر بعضی مردم ۲۰۳ هزار
نفری هستند که سبب زمین‌لرزه این
طور کردند و ۹۰٪ پول مردم دستشان
است اسلام و نظام و امام با این
مشارکت مخالف است.

● موضوع:
اما مومبا رزه با استکبار
مهندس ابوالهیم صفرزاده
مهمترین مسئله غربزدگی و
غربگرایی است در کشورهای اسلامی
دو جریان در این رابطه وجود
داشته‌اند:
یکی کسانی مثل تقوای ده‌ها و

کسرویها.

یک سری هم بشدت بنیادگرا
که درها را ببندیم و یک جا معمه
ابتدایی حتی داشته باشیم مثل
گروههای اهل سنت.
بعضی می‌گفتند مثل تفکر دکترا
شریعتی - اقبال، سید جمال‌الدین
اسدآبادی که معتقد به بازگشت
به خویش و احیای اسلام بودند،
آنها هم در حدیک اندیشه بود یا
برای گروههای روشنفکری مطرح
بود. اما مدرحدیک حکومت مسائل
را مطرح کردند و اینکه غربزدگی
توسط جریان‌های به داخل جا معمه
نفوذ پیدا می‌کرده که ما مدرا این
را بطه بلافاصله سرمایه‌داری غوب
و بحث فقر و غنا را مطرح کردند.

● اگر با سرمایه‌داری برخورد نشود
مبارزات سیاسی هم زیر سؤال
می‌رود.
اگر یک لحظه چشمان را
ببندیم انگار همه چیز آماده است
که متحد طبیعی غرب شویم.
۱۵۰۰ میلیارد تومان نقدینگی
یکسری مفتخورد در مقابل یکسری
کارگر و کسبه و کشاورز که همه چیز
را هم بنام اسلام تحمل می‌کنند
۶۷٪ مبادلات تجاری ما با کشورهای
غربی است. ۱۰۰٪ با جهان سوم آن
هم مثل ترکیه و ۲۰٪ هم حدوداً با

بلوک شرق است اگر این مسئله
حل نشود مبارزات سیاسی هم زیر
سؤال می‌رود ده‌ها اول با صراحت
موضعگیری علیه آمریکا داشته‌ایم
در دهه دوم با شعار نمی‌شود
مقابلیه کرد.

● اگر با سرمایه‌داری مبارزه نشود
نهضت را هم نمیتوانید حفظ
کنید.
س - آیا همیشه میشود با شیوه
اما مبارزه کرد و فقر و غنا را هم
با آن حل کرد.

ج - اما کارشناس مسئله
سیاسی، اقتصادی نیست. اما
نمی‌شود بگویند با این راه حل
که تجربه شده میشود رفتن امام
می‌گویند بطرف سرمایه‌داری رفتن
منجرب است.
اما ریز این قضایا را ارائه
نمی‌دهند بلکه یک تئوری می‌دهند
که مسلط بر این بحثهاست.
تئوری صندوق بین المللی
پول، تزریق سرمایه و همراه آن
فرهنگ آن توسط مستشاران و کار-
شناسان خودشان است. کره جنوبی
همین راه حل را پیدا کرد که
می‌گویند معجزه آسیا یا غرب است
کره جنوبی کجا الگوست، جز
سرمایه‌داری غرب است. ژاپن که
الان بعنوان یک قدرت است

و بسته به غرب است. می‌گویند
ایران چون ام‌القرای اسلام است
برای صیانت خودش از آمریکا هم
کمک می‌گیرد.
الجزایر همین شعارها را داد ولی
الان تا این‌کننده با فاع استکبار
است.

مکانیزم حرکت یک انقلاب
در منشور برادری و استقامت و...
هست. در یک انقلاب اگر راه
مبارزه با سرمایه‌داری را پیدا
نکنید نهضت را نمیتوانید حفظ
کنید. می‌گویند شما یک مشت
بچه‌های تنیدی هستید که
نمی‌توانید اقتصاد را نجات بدهید
بعد بچه‌های تهران را بریزید با
حزب الله ما شاء الله و حجاب و
غیره‌آیا میشود؟

اگر ما معماران مسائل
رفاهی کنیم ده سال بعد می‌گوییم
به خاطر انقلاب مجبوریم رابطه
برقرار کنیم. اگر ده سال فرصت
بدهیم سرمایه‌دارها می‌آیند و
بازار را میگیرند. بهترین راه
حل ریاضت اقتصادی است که در
طول جنگ بین مردم بود.

والسلام

● این را می‌گویند استقراض؟

رسالت ۶۸/۱۰/۲۵
آیت الله حائری شیرازی در نماز جمعه
شیراز:

"... سه چهار هفته قبل گفتم این بنده خدا
که از قائم مقام رهبری عزل شده عده‌ای به
اسم مرجعیت می‌خواهند مطرح کنند، می-
خواهند ببرندش با لاطوری به زمینش بزنند
که دیگر از علمش هم استفاده نشود کرد.
... اگر از قم بلند شدند رفتند تهران و اگر
در قم تظاهرات شد و اگر در مدرسه فیضیه گفتند
که بعضیها ما شین، ما شین از شهرها آمدیم
می‌آورند و اینجا می‌آمدند سخنران می‌کردند
فلسفه‌اش این بود که ما میخواهیم که آقایان
توسر نوشتن به سرنوشتا و که عنوان مرجعیت
هم داشت منتهی نکرد.

... رفتند به این بنده خدا گفتند دولت
ایران می‌خواهد استقراض کند،
... چرا می‌گوی استقراض این تهمت
است، آقای هاشمی آمده است و می‌گوید
این چاهای نفتی که الان دارد گازش آتش
می‌گیرد و می‌سوزد کشورهای هستند کم
می‌گویند ما می‌آییم این گازها را میگیریم
و پالایشگاه می‌زنیم و گازش را تحویل
می‌دهیم و پول هم از شما نمی‌خواهیم بلکه از
مقداری از گاز تولیدی، پول ساخت
واحداث پالایشگاه را کم می‌کنیم این را
می‌گویند استقراض؟

راه مجاهد - اولاً "مسئله مرجعیت آیت
الله منتظری مسئله جدیدی نیست، در زمان
حیات امام خمینی ایشان با این عنوان
شناخته شده و حتی امام بسیاری مسائل

را به ایشان ارجاع دادند.
ثانیاً "قرضا" عده‌ای بقول شما چنان
قصدی داشته باشند آیا این دلیل میشود که
شما و روزنامه رسالت مرجعیت و عنوان آیت
الله را خودسرانه از کسی سلب کنند؟
آیا مقایسه ایشان که از بیم وابستگی
و توطئه اجانب به مسئولین امر تذکری
و هشدار می‌دهند با کسیکه طبق اسناد
منتشره از طرف مسئولین امر ارتباط با سیا
و ساواک داشته و در خط وابستگی حرکت
میکرده است از کدام تقوای سیاسی و الهی
درمی‌آید؟ آیا این در جهت تبرئه و مخدوش
کردن مسئله آیت الله شریعتی است یا نیست؟

آقای خلخال نماینده قم در جلسه ۸/۱۲/۳
مجلس مطالبی بیان داشت که به بخشهایی از
سخنان ایشان می‌پردازیم:

● موضع مشترک شرق و غرب علیه

بنیادگرایی اسلامی

ایشان پس از بیان تاریخچه مختصری از انقلاب شوروی گفت: "گورباچف به حرکت مسلمانان شوروی میگوید حرکت بنیادگرایی این اصطلاحی است که بوش و تاچرومیتران و اسرائیل هم، همه ما را متهم می کنند در ایران، در لبنان و فلسطین به بنیاد گرایی اسلامی. از مسئولین مملکتی خواهش می کنم از ایشان سؤال کنند که این بنیادگرایی که همیشه دستاویز امریکا و انگلیس و فرانسه بوده حالا هم از زبان گورباچف میشنویم، بنیادگرایی اسلامی یعنی حقیقت اسلامی، اینها می خواهند اسلام را از بین ببرند."

● حمایت از ولایت فقیه یا تضعیف

اصلی ترین نهاد انقلاب

آقای خلخالی سپس افزود: خوب در این وضع خیلی احتیاج به وحدت داریم و امام امت و رهبران انقلاب هم این را می گویند. اما شما ملاحظه میکنید که بعضی از این ورشکسته ها، بعضی از این خشک مقدسها، بعضی از این تربیت شده های انجمن حجتیه و غیره دسته بندی می کنند تحت عنوان حمایت از ولی فقیه، اصیل ترین نهادهای انقلابی را که عبارت از مجلس شورای اسلامی باشد، زیر سؤال می برند.

در مدرسه فیضیه یک بچه ای که میشود گفت پسر نوح شده دوباره ایشان بلند می شود برای یک عده ای از این افراد بی خبر و نادان و غافل و یا مغرض که اینها بوده اند در بین آنها، مغرض بوده اند، افرادی که طلاسا زبده اند، طلا فروش بوده اند، در انتخابات قبلی شکسته خورده اند تا لایحه تحریک می کنند. بعنوان حمایت از رهبری، بعد هم با کمال وقاحت حمله میکند به آیت الله آقای اردبیلی بعد هم به مجلس، که مجلس غلط کرده این عین تعبیرش هست. مجلسی که عصاره ملت هست، مجلسی که در اسامور است به فرمان امام، حضرت مستطاب جناب رهبری فرمودند که نمایندگان حق دارند، نمی خواهند قانون اساسی را زیر پا بگذارند ولی می خواهند نمایندگان حق سؤال داشته باشند حق حرف داشته باشند.

● نماز جمعه مظهر وحدت است نه مرکز

دعوت به تفرقه

"بدتر از آن یک نفر، امام جمعه ها همه

برای ما محترمند در سراسر ایران، همیشه دعوت به وحدت و اتحاد می کنند. یک نفر در شیراز یا جای دیگر پیدای می شود و دعوت به افتراق و دوئیت می کند، حرف بزرگتر از خودش را می زند مانند خروس بی وقت. که نباید این حرفها را بزند. آقا ما که می دانیم شما کفشت در راه دارالتبلیغ شریعتمداری پاره شد...

● جریانات غیر مسئول و مغرض چه

کسانی هستند؟ مجلس یا ...؟

آقای دوزدوزانی نماینده تهران

۶۸/۱۰/۱۱

... طی تلفنی که با مقام معظم رهبری بوده است راجع به قانونی بودن سؤالی که نمایندگان در مجلس نسبت به وزیر مطروح می کنند، هیچ مسئله و مشکلی در کار نبوده پس اینکه سؤال در مجلس از وزیر مسئولین سطح بالای اجرایی در حد چارچوبهای قانون اساسی، قانونی است و هیچ اشکالی ندارد، مشکلی نداریم. بعضیها ممکن است به نظرشان برسد که پس چطور در دوره دوم مجلس سؤالی که شد، آن سؤال بالحن تند حضرت امام رو برو شد. من عرض کنم که آن سؤال از وزیر خا رجه نبود. این سؤال یک حساب دیگری داشت و حضرت امام هرگز با حرکت های نظام و قانون مخالفت نمی فرمودند...

... وقتی تاکیدات و تذکرات مبسوط رئیس محترم جمهور در جلسه علنی ۱۲۹ مجلس سوم در روز معرفی دولت بر ضرورت استفاده مجلس از حقوق قانونی اش نظیر سؤال، استیضاح تحقیق و تفحص اصل نود نصب العین ما و مورد آگاهی مردم انقلابی مکتبی ماست... این تعابیر وقتی که فرا روی ماست، طبیعی است که آن قید عناصر غیر مسئول که در فرمایشات رهبر معظم انقلاب هم بود مشخص می کنند که جریان از چه قرار است. شئون حقوق نمایندگان مجلس چیزی است که با قید غیر مسئولانه و عدم مسئولیت اصلاً تناسب ندارد... متأسفانه درجا معه ما که عواملی منتظرند و عواملی دست اندر کار این مسائل می شوند و من فکر می کنم که در بعد عدم مسئولیت و عناصر غیر مسئول که مطرح می شود و مطرح فرمودند سراغ این قبیل قضایا می روند و من حذر دارم از دستگاہای اطلاعی هم خواهش می کنم یک قدری در این مایه ها عنایت کنند و کار

بشود... در همین مجلس یک آقای داد می زند که به استثنای ۴۵ نفر بقیه نمایندگان به ولایت فقیه و رهبری معظم وفادار هستند. یعنی چه؟ یک آقای دیگری

بلند می شود و می گوید که بله، آقایان در همین تظاهرات یا در جاهای دیگر به جای اینکه بگویند الله اکبر، خامنه ای رهبر می گویند الله اکبر، خمینی رهبر. این چه حرفی است؟ اینها باید برخورد بشود کجای کار عیب دارد؟ منشاء این عوارض کجاست؟ چطور شده که این حرف از زبان یک روحانی از مجلس زده می شود. این است آنچه که فساد درجا معه ما ایجاد می کند.

هنوز سالگرد حضرت امام، آن مصداق مطلق ولایت مطلقه فقیه نرسیده است.

● ماهنوز مقلد امام هستیم

آقای جهانگیری نماینده قصر شیرین
رسالت ۶۸/۱۰/۱۱
... مگر ما نبودیم که در زیر پوسترهای انتخاباتی خود را مقلد امام و پیرو خط امام معرفی میکردیم و امت شهید پرور هم به همین خاطر بود که به ما اعتماد و ما را به مجلس فرستادند. حالا چه شده که با جوسازی و شانتاژ می گویند اگر کسی شعار الله اکبر، خمینی رهبر را سر دهد این تضعیف رهبری است. نام مبارک خمینی فقید هیچ وقت مایه تضعیف رهبر معظم انقلاب نیست. وانگهی ما هنوز مقلد امام هستیم.

● انتقادی که از روحی خلوص باشد

باعث تقویت نظام می گردد

آقای رشیدیان نماینده آبادان
رسالت ۶۸/۱۰/۱۱
... مخلصان از مسئولین انتقاد کردن و طرح سؤال تقویت نظام و دولت است... واقعاً ما کسانی هستیم نظام را قبول داریم، تاریخ و سوابق ما افرادی که با سابقه هستند زندان رفته اند شلاق خورده اند، باید مورد اعتماد قرار بگیرند. روزنامه رسالت آن حرکاتی را که زمان حضرت امام انجام داد، نباید تکرار کند و نباید مجلس را در مورد خطاب قرار دهد. اینها به چه حقی مسائل امام را تحریف کردند.

● تحریف نظریات امام، خطری

که اساس انقلاب را تهدید میکند

آقای صالح آبادی نماینده مشهد

رسالت ۶۸/۹/۲۰

بعضی از آقایان که سوابق قبل و بعد از انقلاب آنها مشخص است اظهار نظرهایی می کنند که اصولاً کیان و اساس این

انقلاب را زیر سؤال می برند. آنها می گویند که شعار چپزبندی بوده است و دولت را به دولت شعار منسوب و تعریف می کنند. آنها می گویند که امام فهمید که با شوروی و گورباچف با این قدرت شرق باید رابطه برقرار کرد. اگر امام حالا هم به "تجدیدنظر" میکرد و با کشورهای دیگر ارتباط برقرار میکرد. درحالی که منظور اینها از کشورهای دیگر چیزی جز کشورهای غرب و در رأس آنها آمریکا نیست. در شوروی یک تحولات ماهیتی رخ داد (خروج نیروهای شوروی از افغانستان - دادن آزادی به مسلمانان) در نتیجه امام این تشخیص را دادند و با توجه به همجواری خواستار بسط و گسترش روابط بودند. البته این از موضع قدرت و قوت بود. ولی آمریکا انگلیس و فرانسه هیچگونه ماهیتشان تغییر نکرده است.

● چرا مردم در انتخابات حضور فعال نداشتند؟

آقای عوض زاده
نماینده شیروان
رسالت ۶۸/۹/۲۸

انتخابات میانه دوره ای مجلس در زمان سی برگزار گردید که پیش بینی می شد در مرحله اول کاندیداهای مورد نظر مردم با رأی مناسب وارد مجلس شورای اسلامی گردند. اما پس از اعلام نتیجه آراء معلوم گردید آن انتظاری که مسئولین از شرکت فعالان مردم داشتند بخوبی برآورده نگردیده است گرچه سردی هوا و بارش باران یکی از علت های اصلی آن عنوان شده است اما نمی توان بطور یقین همه علت العلل را در اینگونه موارد دانست. از بررسی اوضاع چنین استنباط می شود که مردم وقتی توجه پیدا کنند که حضورشان الزاما به معنی آن نیست که نتیجه مورد علاقه آنها عاید گردد و یا شرکتشان نهایتا "منجر به تقویت و یا تضعیف طرز فکر خاصی می شود که جز به مصلحت اندیشی گروهی اشخاص معین منتهی نمی گردد و نهایتا "تعادل جامعه را برهم می زند، دیگر چه انگیزه های باقی می ماند تا در جهت آن فعالان مبادا رند...

● اجرای قطعنامه ۵۹۸ از پادگانهای سپاه و ارتش می گذرد

آیت الله خلیلی نماینده قم
رسالت ۶۸/۹/۲۵

... باید این قطعنامه اجرا شود. مصلح را قبول کردیم و طرفدار جنگ نیستیم. ولی باید به آنجا برسیم که از پادگانهای سپاه این قطعنامه اجرا شود. باید به منویات حضرت امام توجه کنیم که فرمودند "ارتش بیست میلیونی" ما قدرت و سلاح داریم و نباید کوتاه بیاثیم.

● حفظ حیثیت افراد واجب است

آقای خلیلی نماینده قم

رسالت ۶۸/۹/۲۵

... همانطوری که شرکت در انتخابات را امام واجب می دانند، حفظ حیثیت اشخاص را هم واجب می دانند. شما نمیتوانید بیاثید همه انقلابیون را له و پنه چر کنید. مگر ما مرده هستیم، ما زنده ایم. همانجوری که با دیکتاتور توری خودکام شاه مبارزه کردیم و به زندانها رفتیم، با دیکتاتور سر سختانه مخالفت می کنیم. در آن روزهای حساس که رضا خان یک وجهه ای برای خودش کسب کرده بود، مدرس در مقابل او ایستاد و تا پای جان با او مبارزه کرد. آنها که خلف صالح برای مدرس هستند، آنها می توانند این راه را ادامه دهند.

... ما که دیگر نمیتوانیم این حرف حضرت امام را "اگر امروز اشخاصی بخواهند به بهانه هایی افراد را اینطور گرفتار کنند و آبروی آنها را ببرند، فردا یک عده و روز دیگر عده دیگری این ترتیب در جمهوری اسلامی امنیت پیدا نمیشود." ترک کنیم و حرف یک کسی که از الفبای انقلاب کوچکترین مطلبی نمی فهمد دنبال و پیگیری کنیم. خدا می داند نمی خواهیم درهای بسته را باز کنیم، ما این درهای باز را می خواهیم و امام در را بستند، در انجمن حجتیه در نهضت آزادی و در حزب جمهوری اسلامی را بستند و هیچ قدرتی در ایران نمی تواند این درها را باز نکند. ما درهای باز را می خواهیم به مردم نشان بدهیم...

● در پاسخ آقای خلیلی درباره تعطیلی احزاب و سازمانها

آقای رنجبر نماینده صومعه سرا

کیهان ۶۸/۹/۲۲

اینکه گفته شد امام درهای انجمن حجتیه نهضت آزادی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را بستند که هیچکس نمی تواند آن را باز کند حرف درستی نمی باشد. چون امام در سازمان یا گروهی را بستند بلکه تفکر و بینش اسلامی ناب محمدی امام سید را

اندیشه و تفکرات التقاطی و انحرافی این سازمانها شده است. امام هرگز در حزب جمهوری اسلامی را نبستند و مایل هم نبودند که حزب تعطیل شود. (مسئولین حزب) به جهت جلوگیری از اختلافات بین مسوولان استدعای تعطیلی حزب را از امام نمودند. اگر ولی فقیه مسلمین صلاح بداند درش باز خواهد شد و احدی هم کاری نمی تواند بکند.

راه مجاهد: توصیه می کنیم جهت برخوردی عمیق تر و واقع بینانه تر با اینگونه مسائل، به دومقاله مندرج در راه مجاهد شماره ۳۹ و ۴۳ تحت عناوین "تعطیلی یا انحلال حزب جمهوری اسلامی" و "ریشه های انحلال سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی" مراجعه شود.

● به سیاست خارجی فعال و متناسب با اهداف انقلاب نیازمندیم

آقای خلیلی نماینده قم

رسالت ۶۸/۱۰/۵

... جای تاسف است که وزارت خارجه جمهوری اسلامی آن گونه که شاید بایست از کارآیی برخوردار نیست... باید که در وزارت خارجه کشورمان فعال باشد. ما همه درد داریم. یک ذره عقده ای نیستیم که بخواهیم با یک کسی تسویه حساب کنیم. ما شخصی آقای دکتر ولایتی را دوست داریم، ولی سیاست ایشان را قبول نداریم...

انواع انتقادات

آقای ری شهری دادستان کل کشور در کتابخانه امیرالمومنین اصفهان سخنانی ایراد نمود که با استناد به روزنامه رسالت ۶۸/۹/۲۳ خلاصه ای از آن از نظر خوانندگان میگذرد:

آقای ری شهری در سخنان خود، انتقاد از مسئولان حکومتی را به سه نوع تقسیم کرد، انتقاد با هدف خیرخواهی، انتقاد با هدف عیب جویی و انتقاد با هدف توطئه و تضعیف رهبری و تاکید کرد که با جریان سوء برخوردی جدی و قاطع می شود.

ایشان در ادامه گفت: در شرایط کنونی که دولت جدید یک سلسله برنامه های اقتصادی را آغاز کرده و می خواهد دوا ناسمان اقتصادی را سرو سامان بدهد

می بینیم که افراد مختلفی آگاهانه یا نا آگاهانه آب به آسیاب دشمن می ریزند و مسئله استقراض را مطرح می کنند بدون اینکه بدانند استقراض به چه معناست. طرحی را که دولت به مجلس پیشنهاد کرد و مجلس آن را تصویب کرده را اصلاً نمی فهمند یعنی چه؟ در صورتی که اصلاً استقراضی در کار نیست. به همین دلیل هم بود که امام امت می فرمود اینگونه افراد نباید در مسائل سیاسی دخالت کنند. انتقاد سازنده و امر به معروف و نهی از منکر باید از سوی کسی باشد که شرایط آن را داشته باشد و شرایط آن این است که بدانند آنچه را انتقاد میکند چیست؟

ایشان در پاسخ به سؤال یکی از حضار در مورد فعالیت دادگاه ویژه روحانیت گفت: ... کسانی که در ارتباط با مهدی هاشمی بوده اند و دوباره دارند فعالیت می کنند را دستگیر می کنیم. "یادآوری می شود که آقای ری شهری در مصاحبه خود با خبرنگاران نیز بر این نکته تاکید کرده و گفت: اسامی افراد مرتبط با مهدی هاشمی در سالیهای قبل اعلام شده و تقریباً همگی آنها با عفو حضرت امام آزاد شده اند عذای از آنان فعالیت خود را به بهانه های مختلف شروع کرده اند که با آنها قاطعانه برخورد خواهیم کرد" رسالت ۶۸/۱۰/۳

راه مجاهد: بنظر میرسد علیرغم تقسیم بندی که ایشان در رابطه با منتقدین در سخنان خود به آن اشاره کرده اند، باز هم هرگونه انتقادی در زمینه برنامه پنج ساله را آب به آسیاب دشمن ریختن تلقی کرده اند، حال آنکه در این میان نیروهایی نیز ممکن است باشند که تنها از موضع دلسوزی و باخاطر حفظ و تقویت و اصلاح انقلاب و نظام، نظرشان را با مطالعه و آگاهی از کم و کیف یا این برنامه مطرح میکنند و چه بسا افرادی از اینها خود نیز مشغول خدمت در موقعیتهای مختلف نظام باشند.

آقای مجید انصاری نماینده زرنند کرمان در جلسه ۶۸/۱۱/۱ مجلس در نطق قبل از دستور به چند موضوع اشاره کرد که به مضمون و خلاصه ای از سخنان ایشان در اینجا اشاره میکنیم:

● توافق مالت، توطئه جدید شرق و غرب علیه استقلال طلبی و جنبشهای اسلامی

آقای انصاری ابتدا به این نکته اشاره

کرد که سکوت در مقابل حوادث تأثیر آ و رای روزها، از جمله حوادث آذربایجان شوروی و قتل عام حزب الله در جنوب لبنان، خیانت به اسلام و تاریخ است. ایشان داعیه اصلاح طلبی و شعارهای به ظاهر آزادیخواهانه گوربلچف از یکسو و عملکرد اقیروی در آذربایجان شوروی را تناقض بین عمل و شعار سران شوروی دانسته و گفت: تناقض آشکار بین عمل و شعار این روزها اما را به این فکر و امیدارده که توافق مالت بین سران شرق و غرب چه بوده است که بعد از پایان آن نشست مشکوک حملات علیه کل مسلمین در جهان افزایش پیدا کرد. به اعتقاد ایشان برخورد سران شوروی با حوادث آذربایجان، سیاستی آمریکائی است همان خطری که حضرت امام در پیا میشان به گورباچف سران شرق را از آن بر حذر داشتند. آقای انصاری از دولت و وزارت خارجه درخواست برخورد قاطع سیاسی در این زمینه را نمود و به مردم آذربایجان و ایران، هم هشدار داد که مراقب رفت و آمدهای مشکوکی که جهت خدشه دار نمودن چهره انقلاب و مردم انقلابی ما صورت میگیرد باشند.

● کنسرسیوم سرکوب حزب الله

آقای انصاری در بخش دیگری از سخنان خود به آنچه که در جنوب لبنان میگذرد اشاره کرد و گفت: "حزب اللهی که در جنوب لبنان سیر بالای کل جا مع لبنان بوده است امروز از یکسو بدست عوامل صهیونیسم، فائولتها، میشل عون و سایر ایادی آمریکا و استکبار قتل عام می شوند و از طرف دیگر در یک حرکت مشکوک و به عقیده بنده وابسته بوسیله مل و جریان آقای نییبه بری دارند قتل عام می شوند. علما ی حزب الله در جنوب لبنان دستگیر شده اند، بعضی از آنها در حد مرگ شکنجه شده اند، خانه های آنها به تقلید از شیوه اسرائیل خانه به خانه دارد خراب میشود. حزب الله را از جنوب لبنان راندن یعنی راه آمدن اسرائیل را هموار کردن. ایشان از فلسطینیان نیز درخواست یاری دادن به حزب الله را نمود و از موضع سوریه نسبت به این وقایع اظهارت سف نموده و گفت: "جنوب لبنان خانه حزب الله است و متأسف هستم که دولت سوریه نیز تحت فشارهای ارتجاع عرب و استکبار جهانی - هم دست با آنها در سرکوب حزب الله شریک شده نکند که این کشور خط مقدم جبهه پایداری

به نفع پیمان کمپ دیوید عقب نشینی کرده که شواهدی هم در دست داریم. برقراری روابط دیپلماتیک مجدد بین سوریه و مصر حکایت از این توطئه سنگین می کند. ● سقوط اسرائیل بدون پشتوانه مذهبی

حتمی است "ماروین گلاب" خبرنگار آمریکایی یهودی، اصل طی مسافرتی به اسرائیل مشاهداتش را بصورت مقاله ای در مطبوعات آمریکا به چاپ رسانده است که صدای آمریکا آن را در تاریخ ۱۸ دی ماه بخش نمود. این خبرنگار در دوران دبیرستان در آلمان زندگی می کرده و علیرغم تبلیغات ضدیهود در آلمان وی جوان متعصبی بوده و به یهودی بودن خود افتخار می کرده است. وی شاهد مرگ نه نفر از اعضاء خانواده اش در قتلگاه "آشویتز" بوده و از این عمل مبهوت مانده است. وی اضافه کرد هیچ اثری از عدل و داد در قتلگاه ندیده است به همین دلیل تشکیل دولت عدل یهود همواره از آرزوهایش بنوده است. هم اکنون وی طی سفری به اسرائیل چنین بیان داشت که هیچ اثری از عدل و داد توارت در آنجا ندیدم. او زنوار غزه و ساحل اردن بازدید کرده و چنین ابراز داشت که از عدالت، حقیقت و صلح که از متون اصلی دین یهود هستند در آنجا خبری نبود. سربازهای اسرائیلی، فلسطینیها را در هر سن و سالی تحقیر می کنند و بدون دلیل به آنها کتک می زنند. "ماروین گلاب" اضافه می نماید در بیمارستان اسرائیل کودکانی را دیدم که با گلوله های اسرائیلی استخوانهایشان خورده شده بود. فلسطینی هایی را دیدم که در زیر چادر کناره های خراب شده توسط سربازان، بلا تکلیف و سرگردان بودند. کسانی را ملاقات کردم که ماهها در زندانهای اسرائیلی بسر می بردند، بدون اینکه علیه آنها اعلام جرم شده باشد.

"ماروین گلاب" مقاله تحلیلی خود را با این جمله پایان می رساند که تورات می گوید: هر کس نیستد آنچه بر خود نمی پسندی ● راه مجاهد:

یهودیان بسیاری هستند که به عدل و داد یهودایمان دارند و فکر می کنند اسرائیلیهای غاصب، صهیونیسم، نژادپرست و سرمایه دار حاکمین تعلیمات حضرت موسی هستند. منتها به مرور بحران جا مع اسرائیل آشکار شده و دولت اسرائیل پشتوانه مذهبی خود را از دست می دهد که منجر به سقوط فیزیکی آن خواهد شد. بدیهی است که مبارزات ملت فلسطین و ملل حق طلب دیگر موجب تشدید این بحران و سقوط هر چه سریعتر اسرائیل خواهد گشت.

دیدگاه‌های مختلف دربارهٔ :

تبصره ۲۹

وسرمایه‌گذاری خارجی

تبصره ۲۹ بخشی از برنامه پنج ساله است که استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی را اجازه داده است.

در این باره مسئولین و دلسوزان انقلاب هر کدام از زاویه‌ای به مسئله نگریسته و بعد از آن روشن کردند. از آنجا که این بحثها میتوانند موجب بالا رفتن هوشیاری مسئولین و مردم فداکار و نیز بالا رفتن دانش سیاسی جامعه گردد، گزیده‌ای از آنها را در ذیل می‌آوریم :

تبصره ۲۹

الف - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است طی دورهٔ برنامهٔ اول از محل دریافت‌های ارزی مبلغ ۱۱۹ میلیارد و ۱۵۲ میلیون دلار در چارچوب ارقام مندرج در جدول مصوب این قانون پرداخت و با ایجاد تعهد نماید.

ب - بمنظور کمک به تأمین مواد اولیه، ماشین‌آلات، قطعات و لوازم مورد نیاز جهت ساخت کالاهای قابل صدور طی دورهٔ برنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است تنخواه ارزی متناسب با اهداف صادراتی با تضمین کافی در اختیار صادرکنندگان قرار دهد.

ج - بمنظور بکارگیری امکانات تولیدی داخلی کشور و انتقال دانش فنی، دولت موظف است در اجرای طرحهای وزارتخانه‌های نفت، نیرو، پست و تلگراف و تلفن، دفاع، راه و ترابری، جهاد کشت و ورزی، معادن و فلزات، صنایع، صنایع سنگین و شرکت‌ها و سازمانهای تابعه و تحت پوشش آنها، به هنگام عقد قرارداد با پیمانکاران خارجی خرید ماشین‌آلات و تجهیزات و اجرای طرحها ترتیبی اتخاذ نماید که در طول برنامه پنجساله از محل سهمیه ارزی طرحهای مذکور، حداقل بمیزان دو میلیارد و پانصد میلیون دلار رازش افزوده از طریق ساخت ماشین‌آلات و تجهیزات و تولید کالا و اجرای طرحها در داخل کشور ایجاد گردد.

شورای اقتصاد حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب این قانون، با بررسی طرحهای پنجساله وزارتخانه‌ها و شرکتها و سازمانهای فوق الذکر سهمیه ساخت تجهیزات و تولید کالا و اجرای طرحها که بایستی توسط وزارتخانه‌های صنعتی انجام شود را مشخص و به سازمان برنامه و بودجه جهت درج در موافقتنامه طرحها و به بانک

مرکزی جمهوری اسلامی ایران جهت رعایت موضوع درکشایش اعتبار ابلاغ نماید.

آئین نامه اجرائی این بند ظرف مدت سه ماه به پیشنهاد وزارتخانه‌های صنعتی و سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

د - بمنظور تأمین مبالغ ارزی برای تکمیل و یا اجرای سرمایه‌گذاریهای صنعتی و تولیدی مذکور در جدولی که توسط دولت همراه لایحه بودجه سال ۱۳۶۹ ارائه می‌گردد، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مجاز است تا پایان برنامه پنجساله اول (۱۳۷۲) نسبت به ایجاد تعهد تا سقف هفت میلیارد و پانصد میلیون دلار اقدام نماید به نحوی که علاوه بر اتمام طرح در مدت توافق شده، بازپرداخت تعهد ایجاد شده پس از راه اندازی واحد، حداقل در اقساط پنجساله انجام پذیرد. و مجموع اقساط پرداختی از این بابت در هر سال از دو میلیارد دلار تجاوز ننماید.

تعهدات ایجاد شده از محل صرفه‌جویی یا درآمد ارزی حاصله از طرحهای فوق الذکر در بودجه‌های سالانه منظور و پرداخت خواهد شد. بانک مرکزی جمهوری اسلامی میتواند نسبت به پرداخت حداکثر ده درصد هر قرارداد بعنوان پیش پرداخت اقدام نموده و از سرجمع سهمیه ارزی بخش مربوطه در بودجه سال مربوطه کسر نماید.

آئین نامه اجرائی این بند حداکثر ظرف مدت دو ماه توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

ه - سهمیه ارزی دستگاههای اجرائی بر اساس جدول ارزی مندرج در این برنامه سالانه به پیشنهاد کمیته تخصیص ارز و تصویب هیات دولت تعیین و در اختیار دستگاههای اجرایی ذیربط قرار خواهد گرفت.

و - بمنظور استفاده حداکثر از ظرفیتهای منابع آب و نیروی کشور، به دولت اجازه داده میشود که احداث سدهای کارون سه کارون جریانی چهار، کرخه را تا سقف سه میلیارد دلار از طریق انعقاد قراردادهای اعتباری بلند مدت تأمین کند.

ز - به شرکت ملی نفت ایران اجازه و اختیار داده میشود بمنظور تأمین گاز مورد نیاز برای مصارف داخلی و صادرات و بهره‌برداری از میادین گازی پارس و پارس جنوبی (مشترک با قطر) با ضمانت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران قراردادهای لازم با شرکتهای ذیصلاح خارجی را حداکثر تا مبلغ سه میلیارد و دویست میلیون دلار منعقد نماید، بنحوی که بازپرداخت هزینه‌های سرمایه‌گذاری از محل تولیدات میادین فوق صورت گیرد.

ح - به شرکت ملی صنایع پتروشیمی اجازه داده می‌شود جهت طرحهای سرمایه‌ای پتروشیمی با ضمانت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تا مبلغ دو میلیارد و دویست میلیون دلار بصورت پیش فروش محصولات، ایجاد تعهد نماید.

ط - به دولت اجازه داده میشود بمنظور رفع قسمتی از نیازهای بخشهای صنعت و معدن در امور مربوط به تولید، صادرات و سرمایه‌گذاریهای ذیربط، به روش معاملات متقابل تا سقف د میلیارد دلار اقدام نماید. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران دستگاههای اجرائی ذیربط با ارائه ضمانت‌های لازم مفاد این بند را اجراء خواهند نمود.

آئین نامه اجرائی این بند ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزارتخانه‌های صنعتی و معدنی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

● توضیحات حجت الاسلام‌هاشمی رفسنجانى

پیرامون تبصره ۲۹

راه اندازی بعضی صنایع با امکانات خارجی اطلاعات ۶۸/۱۰/۲۲ ما را هی پیش بینی کرده ایم که بعضی از صنایع را با امکانات خارجی بسازیم و از درآمد ارزی این صنایع تعهدات خارجی را بپردازیم ...

با گرفتن همکاریه‌های خارجی کارخانه تولید کاغذ احداث می شود مثلاً ۸۰ درصد درآمدش را ما برمی داریم و ۲۰ درصد را به عنوان سرمایه گذاری خارجی به آنها می‌دهیم و خاطر نشان ساخت که این یک نوع سرمایه گذاری است و به هیچ وجه به آن نمیتوان استقراض گفت .

ما می توانیم با استفاده از سرمایه‌های خراجی مثلاً گازی که درآمدی سوزد را مورد استفاده قرار دهیم و کارخانه‌های پتروشیمی بسازیم (بخشی از درآمد آن را به طرف خارجی بدهیم .

پیشنها داین است که دولت از ارز خارجی و سرمایه خارجی استفاده کند و این کارها را که میسوزد و هدر می رود جمع کرده و تبدیل کند به مواد پتروشیمی و اینها را بفروشد به کارخانه‌هایی که آنرا تبدیل به وسائل زندگی کند و یا بفروشد به خارج و ارز بگیرد و ۲۰٪ آنرا هم بدهد بطرف خارجی که کارخانه‌ها ساخته است . آیا این عاقلانه است یا این که بگذاریم گاز همین طوری تا قیامت بسوزد . آنها تیکه می گویند نه این را می گویند . چونکه ما نمیتوانیم به این زودیها سرمایه گذاری بکنیم .

مثلاً در مورد همین سدها همین حالا از روی این رودکارون می شود حدود ۹ هزار مگاوات برق گرفت . یعنی به این اندازه همین برقی که الان مصرف می کنیم .

۲- برای اساس مجلس تصویب کرده است که دولت اجازه داشته باشد این سدها را بسازد و بعد از درآمدی که از این مورد با صرفه جویی‌هایی که در کار و بنزین و گاز و فیل که برای تولید برق مصرف می شود و یا از درآمد کشت و رزی زیر سدها بتواند در ظرف چند سال قدهی خودش را بپردازد . این دربرنامه منجساله و حدود ۲۰ میلیارد دلار اجازه داده اند که از اینگونه کارها انجام شود . صنعت در پتروشیمی ، در سدها و غیره

هنوز هم آدم‌هایی هستند در کشور که این را می گویند و ام گرفتن این را می گویند و ابستگی و خوشبختانه مجلس شورای اسلامی با آنها که نمایندگان دارند و بحث‌هایی

که کردند به این نتیجه رسیدند که این به صلاح مملکت است و باید اجازه داد این اجازه داده شده که الان در شورای نگهبان است که انشاء الله اگر با این زمینه‌ای که در کشور هست و با این روحیه‌ای که مردم دارند با شرایط سیاسی نسبتاً قابل قبولی که در منطق هست ما بتوانیم این روند را ادامه دهیم ۴۵ سال دیگر میتوانیم کامهای بلندی را در زمینه‌های زیربنائی اقتصادی‌مان بینیم

● به این نمی گویند استقراض

رسالت ۶۸/۹/۱۹

در مورد طرحها بعضی از طرحها را ما به درآمدهای خارجی بند کردیم این از آن کارهایی است که از نظر ما بسیار کار لازمی بوده است که حتی ما اگر ذخیره ارزی فراوانی هم داشتیم باید میکردیم یعنی مصرف صحیح این بود اگر ما ارز زیادی داشتیم آنرا در بانک خارجی می‌گذاشتیم و از آن بهره می گرفتیم و این کار را اینجوری میکردیم که حاضر عرض میکنم و آقایان این را یک حرکتی اینجوری جلو ندهند که مردم الوده شوند و بچه‌های جوان ما به دانشگاه بروند و بگویند که استقراض شده است . بنظر من این خدمت نیست این یک نوع انحراف است که در آن بدبین کردن مردم به نظام است .

الان شما از وزیر نفت بپرسید با لایحه قبلی که طرحها را میدادند قبول نقد را جلوتر میدادیم و آنها می آمدند . می ساختند و هر وقت آنها میخواستند می آمدند و هر وقت نمیخواستند نمی آمدند ، طرح پنج ساله را ده ساله میکردند . اگر ما طرحها را اینجوری عمل میکردیم که طرف بیاورد و اینجا بسازد بعد هم بگوئیم که از درآمد این طرحها طلبت را بایده‌بری ، از روزیکه این راه افتاد و محصولش آمد ما میفروشیم و شما طلبت را بردار و بروا گرما چنین قراردادی را ببندیم این قرارداد ، قرارداد استقراضی است ؟

● بهره برداری از منابع گاز

با سرمایه خارجی

الان ما در دریا هر مقدار که نفت استخراج میکنیم گازهای آنرا داریم میسوزانیم و مخازن مشترکی که با آن طرفی‌ها داریم آنها دارند میبرند و از ما هرز میرود .

این ثمره این فکر انقلابی است که بعضی از آقایان دارند خیال میکنند که انقلابی است . واقعاً این انقلابی است که ما اموال کشور را اینجوری به تاراج بدهیم ؟ با ز شعار بدهیم که پای خارجی را در آبهای فلان باز کردند . بله و خوب آن دانشجو

دیدگاه‌های مختلف درباره ...

و دانش آموز بیچاره هم اشکش خواهد ریخت اما بگوئیم که خارجی آمد ، قرارداد بست ۳ میلیارد سرمایه گذاری کرد ، گازی که داشت میسخت و با عربستان میبرد تبدیل کرد به گازهای و فروخت و ۸۰٪ آنرا ما بردیم ۲۰٪ آنرا ۱۰ سال گرفت و سرمایه‌اش را خورد و بعد هم این سرمایه را اختیار زماند اگر یک چنین فرمولی را شما به مردم بگوئید بجای آنطور حرف زدن آنوقت می بینید که مردم چه قضاوت خواهند کرد .

حوزه گاز سلمان یک حوزه نسبتاً خوبی است و با امکانات ما هم به این زودی و در ده سال آینده هم نمیتوانیم از آن استفاده کنیم و در حال حاضر نیز در حال سوختن است . طرح پیشنهاد داده اند که ما آنجا را استخراج می کنیم و به جبل علی دویی لوله کشی میکنیم و ۲۰٪ درآمد فروش شما را میگیریم با بخت سرمایه گذاری که کردیم تا زمانیکه تمام شود خوب شما بعنوان وکیل مردم میگوئید این باید بشود یا نشود .

یا مخزن گاز قطر که الان کارشناسان خارجی آمدند و برای او استخراج میکنند یا حفاری می کنند و دوسه سال آینده این گاز بالوله‌هایی که انسان از درون آن میتواند عبور کند به این طرف و آن طرف منتقل میشود و ما هم آنجا شریک هستیم و نمی توانیم آنجا سرمایه گذاری کنیم اگر ما برویم و کسی را بیاوریم و بگوئیم برای ما هم حفاری کنید و این گاز را استخراج کنید و بعد هم بفروشیم و بخشی را هم به آنها بدهیم خوب این طرف تن آدم می لرزد که این آقا تنش لرزیده ...

۱۸ چاه مخزن گاز پارس را در زمان رژیم قبل زده اند آنجا سرمایه گذاری میخواهد ما نمیتوانیم بهره برداری کنیم ، لوله آنرا نمیتوانیم بکشیم خوب اگر ما آمدیم بهره برداری کردیم و استفاده کردیم شما که چیزی ندارید . شما دارید می بینید روستاها . یثان راه ندارند و کشاورزان هم ندارند و خیلی چیزهای دیگر . یکی از تبصره‌ها میگوید که به وزارت نفت اجازه میدهم این مقدار طرحها را در دریا بروم و انجام دهد .

● ساختن سدها

با سرمایه گذاری خارجی

ما به استقراض مستقیم اجازه نداده ایم اگر استقراضی باشد یا در آن ۷/۵ میلیارد است

دیدگاه‌های مختلف درباره...

که اجاره داده ایم یا در این طرح است که گفتم یک سوم آن اینست که ما گفتیم که سد کارون و سد کرخه را بیا بیا بزنند و بانک مرکزی تعهد بکند بعد پرداخت شود شما را بخدا اگر ما بتوانیم سه هزار مگاوات، چهار هزار مگاوات برق از سد کارون بگیریم با این وضع انرژی که شما دارید همین صرفه جویی سوختمان فقط دیگر هیچ چیز دیگر نباشد که این برق را ما از جاهای دیگر بخواهیم تا مین کنیم چه رقمی برای ما میشود؟ آب کرخه اگر مهار شود و ۲۵۰ هزار هکتار، ۳۰۰ هزار هکتار، اراضی غرب جا داده هوا زتا اراک را ما آب دکنیم و آن منطقه زیر کشت برود چقدر محصول دارد و چقدر صرفه جویی است؟

آن کشوری که حاضر باشد بیا بیا اینجای سرمایه گذاری کند و آب ما را مهار کند... ما ۲۰ هزار مگاوات ساده میتوانیم انرژی آبی داشته باشیم. ۲۰ هزار مگاوات برای ما همه چیز است. دیگر نه خرجی دارد، سالم است محیط زیست را آلوده نمیکند و اگر بتوانید با این شیوه این ۲۰ هزار مگاوات را بدست آورید و کشورتان را از لحاظ انرژی قوی کنید و آنهم با آن طرح آنطوری...

اگر واقعاً شما این را استعماری میدانید یا این را ضد انقلابی میدانید، ضد آرمان می دانید حذف کنید و بگوئید این سدهای که ما درست ساخته میشود ساخته نشود خوب جای آن چه باید بسازیم؟ جای آن باید نیروگاه های گرانتر از این بسازیم، چون شما که بدون برق زندگی نخواهید کرد، گرانتر بسازیم. بهر حال نگرانی استقرار نداشته باشید، اسم استقرار را هم خواهش می کنم از پشت تریبون عمومی نبرید، این به آن معنا استقرار نیست. بعضی از آقایان مثلاً می گویند که ما ده سال جنگیدیم بدون استقرار، ولی ما الان ۱۲ میلیارد مقرر وضع... همین هایی که شما می گوئید استقرار نبوده آن استقرار بوده، ما الان ۱۲ میلیارد تعهد داریم.

نظر آقای زنجانی وزیر برنامه و بودجه درباره استقرار خارجی

آدینه ۶۸/۹/۳۰

بطور کلی از نظر من استقرار نه بد است

و نه خوب، مفید یا مضر بودن استقرار بستگی به این دارد که چه کسی به چه منظوری از چه کسی و با چه شرایطی قرض می گیرد.

اصولاً ساختار اقتصادی ما با کشورهای یکه قرض گرفته اند و با افزایش میزان استقرار با اصطلاح در دام وابستگی افتاده اند و در نتیجه استقلال سیاسی، اقتصادی خود را از دست داده اند، فرق دارد. تفاوت عمده در عدم تطابق شرایط اقتصادی ما با چنان کشورهای است. وجود منابع طبیعی مثل و عمدتاً "نفت"، این عدم تطابق را بوجود آورده، ما کشوری چیزی نیستیم. دولت ما دولت فقیری نیست. ما پشتوانه نفت را داریم و در نتیجه این دولت و این کشور را وام دهندگان احتمالی نمی توانند بچنان فشارهایی در خطر اندازند. ممکن است عده ای بگویند که اگر نفت را از ما نخرند چه خواهد شد؟ خوب همین الان هم می توانند این کار را بکنند. همین حالا هم این ابزار را دارند. قبلاً هم تجربه کرده اند.

استفاده از منابع خارجی بدلیل احتیاج نیست

ما که این برنامه را طراحی کردیم در همان طرح اولیه - که اوایل نیمه دوم سال ۱۳۶۷ به شورای اقتصاد ارائه شد - به هیچ وجه در آمدی غیر از درآمد های خودمان را در نظر نگرفته بودیم. ولی با آنچه در روند برنامه ریزی اتفاق افتاد و با هدف گذاری هایی که بعمل آمده فکر استفاده از منابع خارجی مطرح شد آنهم نه به این دلیل که احتیاج به منابع خارجی پیدا کرده باشیم - چون بنظر ما درآمد های ما پاسخگوی نیازهای اساسی ما هست - بلکه این فکرتنها به دلیل استفاده از همه پتانسیل ها پیدا شد.

از نظر اصولی و از نظر اقتصادی شرایط ایجاب می کند که ما فعالیتها و سرمایه گذاری های جدیدی انجام دهیم، حتی با استفاده از منابع خارجی، با اینهمه برنامه به شکلی طراحی شده است که اگر قرار شود از منابع خارجی استفاده نکنیم، لطمه ای به بخش اساسی برنامه وارد نخواهد شد.

... من فراتر از نظر منتقدین استقرار میروم و می گویم انتقاد کنند که ما پول نفت را به کجا می دهیم. چطور است که اگر ما ۲ میلیارد دلار تسهیلات خارجی از درآمد ارزی بگیریم بد است، ولی اگر ۱۰ میلیارد دلار پول نفت را بدهیم به این مجموعه که غلط کار می کند اشکالی ندارد؟ به هر حال این هم ارزشش را دارد. بالاخره ما نفت

داریم، هر قدر تسهیلات بگیریم با نفت می پردازیم.

مقادیر سرمایه گذاری خارجی

س - بهر حال درآمد ارزی ما در طول برنامه پنج ساله چقدر است؟ چه مقدار ش قرار است از منابع خارجی تامین شود؟ آقای زنجانی: براساس آخرین جداول مصوبه مجلس شورای اسلامی کل درآمدهای ارزی کشور در طول پنج سال ۱۲۰ میلیارد دلار خواهد بود که ۸۳ میلیارد آن مربوط به درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت است و ۱۷/۸ میلیارد دلار آن از صادرات کالاهای غیر نفتی است.

نظام اداری ما بصورتی شکل گرفته است که همیشه مانعی بر سر راه اجرای برنامه ها بوده است

همچنین به دولت اجاره داده شده که برای اجرای طرح های تولیدی ۷/۵ میلیارد دلار سرمایه گذاری کند. با استفاده از منابع خارجی ۳ میلیارد دلار برای سدهای کارون ۳ و کارون ۴ و کرخه صرف خواهد شد. سد کرخه بزرگترین سد ما خواهد بود با ۷/۵ میلیارد متر مکعب ظرفیت. به شرکت نفت نیز برای طرح های مربوط به میدان گاز ۳/۲ میلیارد دلار اختصاص یافته است. برای طرح های پتروشیمی نیز ۲/۲ میلیارد دلار در نظر گرفته شده است. اینها در مجموع می شود ۱۲/۹ میلیارد دلار. مجلس همچنین اجاره داده است که با استفاده از منابع خارجی به میزان ۱۰ میلیارد دلار، طی برنامه پنج ساله، مواد اولیه وارد کنیم، مشروط به این که کالای ساخته شده از این مواد در شود و از ارزش حاصل از صادرات سرمایه گذاری طرف خارجی مستهلک شود.

مشکل نظام اداری

... در آغاز انقلاب اسلامی نظام اداری کشور از خدمات حدود یک میلیون نفر کارمند برخوردار بود. در حال حاضر این عوامل اجرایی به حدود ۲ میلیون نفر افزایش یافته است. ضمناً "طی مدت مذکور ساختار نیروهای این نظام نیز بهبود نیافته و در بعضی از موارد از کیفیت آن نیز کاسته شده است... سازماندهی و تشکیلات اداری ما در اکثر موارد خود بصورت مشکلی در راه

اجرای برنامه‌ها جلوه کرده است. نظام اداری ما بصورتی شکل گرفته است که همیشه مانعی بر سر راه اجرای برنامه‌ها بوده است ... اگر بخواهیم آنچه در برنامه پنج ساله مطرح شده اجرا شود که بنظر من یک تغییر جهت گیری در نحوه اداره اقتصادی کشور را نسبت به گذشته استحتما "باید از ۳ عامل برخوردار شویم: اختیارات و بیسازه سازماندهی ویژه، و از یک هدایت فکری مستمر قوی.

نظر آقای حائری زاده نماینده بیرجند

● تنها راه استقلال و توسعه بسیج امکانات ملی است

رسالت ۶۸/۹/۳۰

... آنچه اینجا در مورد مسائل برنامه بحث می شود، مقداری مسائل بالادستی را از آن ظرفیتهایی است که عملاً می شود به آن رسید. چون در مورد صادرات وقتی که ارقام میلیاردي بحث می شود در بعضی از موارد شما ارقام را مقایسه کنید ... بطور ممکن است که امکانات صادراتی ما در طول ۵ سال مثلاً ۱۰۰ برابر شود ... استاد احمد عکاش، محقق اقتصاددان الجزایری در کتاب سرمایه‌های خارجی، آزادی اقتصادی - تجربه الجزایر" مطرح می کند که تجربه سرمایه گذاری خارجی در همه کشورهای در حال توسعه حاکی از آن است که با افزایش میزان سرمایه گذاری خارجی و توسل بیشتر به این منبع ارز، لطمه پذیری استقلال سیاسی و اقتصادی کشورها و ام گیرنده افزایش یافته و تاراج منابع طبیعی ثروتهای موجود و نیروی انسانی آنها تسهیل شده است. بنا بر این جای تردید باقی نمی ماند که سرمایه خارجی هدیه مسمومی است که کشور و ام گیرنده را بتدریج زهستی ساقط و از درون تهی می سازد به همین لحاظ قانون اساسی با مسئله سرمایه گذاری خارجی بسیار قاطعانه برخورد کرده است. چون سرمایه گذاری خارجی جریان یک جانبه است که منافع آن صرفاً "به جیب سرمایه گذار خارجی می ریزد و تنها راه گریز از دور باطل وابستگی به بسیج امکانات ملی است.

راه مجاهد: شناختی که ام ام از ماهیت غرب ارائه دادند اینست که غربیها برآنند تا هویت اسلامی - ایرانی ما را بگیرند و شاید یکی از راههای از بین بردن این هویت، این سرمایه گذار ریها باشد. لذا بر اساس شناخت ام ام باید واقع بین بود نه خوشبین.

● استراتژی توسعه اقتصادی ما نباید تابع قدرتهای اقتصادی جهان باشد

آقای اصغر زاده نماینده تهران

رسالت ۶۸/۹/۲۳

در زمان حاضر تلقی جدیدی از روابط شرق و غرب دنیا بوجود آمده که مبتنی بر تشنج زدا یی است و در حقیقت برداشت جدیدی است از قدرتهای اقتصادی درآینده جهان که بنای آن بر قدرت گرفتن اروپای متحد، آلمان واحد، ژاپن قدرتمند، آمریکا و شوروی است. اما این تلقی هر چه باشد، نظرم ما بعنوان یک کشور جهان سوم نسبت به دنیا و به کشورهای صنعتی و توسعه یافته یک عقیده ثابت خواهد بود. نظرم ما نسبت به جهان خارجی همان تلقی است که حضرت امام در پیا میثان به گوربا چف فرمودند و به هشدار دادند که به سمت سرمایه داری غرب نروود. ... بحث توسعه اقتصادی در یک کشوری مثل کشور ما، یا کشوری که هم انقلابی است و هم عضو جهان سوم، باید یک بحثی باشد در زمینه توسعه عادلانه و انقلابی. ما نمیتوانیم تزهایی را برای توسعه اقتصادی خودمان انتخاب بکنیم که این تزها ما را دچار شکست و دچار خسارت و زحمت کند ... اجازه ندهیم که دنیای غرب و دنیای صنعتی که ما را طرف معامله خودش می بیند با ما مثل یک گاو شیر ده برخورد کند و فکر بکنند که هر جا به لحاظ آن تعادل جهانی جنس را زانتر به ما بدهد ما هم ارزمان را آنجا خرج می کنیم. ما باید تصمیم بگیریم که هزینه ارزی خودمان

سرمایه گذاری خارجی جریان یک جانبه

است که منافع آن

صرفاً "به جیب سرمایه گذار خارجی

می ریزد و تنها راه گریز از دور باطل وابستگی

به بسیج امکانات ملی است.

را در کدام نقطه جغرافیائی و در کدام فرهنگ سیاسی می خواهم هزینه بکنم ...

راه مجاهد: در تجربه بزرگ حماسه مقاومت ۸ ساله ای که داشتیم به این جمع بندی رسیدیم که علت سقوط نظامی ما و نا موفق بودن عملیات بزرگ ما نظیر: بدر خیبر و رمضان و ... این بود که عمدتاً "به شیوه جنگ کلاسیک با اتکاء به ثروت نفت می خواستیم به پیروزی نظامی ادامه دهیم که غرب در این روشهای کلاسیک متکی به سلاح مدرن جلوتر از ما است. حال مبادا تجربه به

دیدگاههای مختلف درباره ...

این بزرگی را کنار گذاشته و تزهایی کلاسیک توسعه را ادامه دهیم و در نهایت به بن بست اقتصادی برسیم.

نظر آقای قاضی زاده هاشمی نماینده سرخس

● "توسعه صادرات" و "جایگزینی واردات" نمی توانند الگوهای مناسبی جهت توسعه اقتصادی باشند

رسالت ۶۸/۹/۲۳

... ادعا می کنیم که نه شرقی نه غربی می باشیم، ادعا می کنیم که در جهتی می خواهیم حرکت کنیم که در آن انسانها مطرح باشند نه فقط سود سرمایه و منافع یک گروه خاص. ولی امروز که اولین برنامه ۵ ساله کشورمان پس از انقلاب در دستور کار مجلس است، در استراتژی آن دو استراتژی قابل تعمق است:

۱- استراتژی توسعه صادرات که در دهه هشتاد سازمانهای بین المللی طراحی کردند و نه یک کشور بلکه بیش از ۳۰ کشور جهان سومی آن را دنبال کردند و از کشورها فقط کره جنوبی، هنگ کنگ و سنگاپور به عنوان نمونه های فوق این استراتژی داریم. بقیه گرفتار شدند و هنوز هم گرفتار ریهایشان ادامه دارد.

۲- استراتژی جایگزینی واردات که در

برنامه چهارم و پنجم قبل از انقلاب عمل کردند و با شکست مواجه شدند.

نظر آیت الله خلخالی نماینده قم

● دو خطر احتمالی بر برنامه پنج ساله

آقای خلخالی نماینده قم رسالت ۶۸/۹/۲۰
برنامه پنج ساله که بوسیله ریاست جمهوری در مجلس عنوان شده، خیلی خوب است، ولی دو خطر احتمالی در این برنامه وجود دارد: ۱- استقرار خارجی است که ممکن است کار به جایی برسد که گرده این ملت

دیدگاه‌های مختلف درباره...

مانندگروه ملت مصر زیور بار قرض ۵۰ الی ۷۰ میلیارد دلاری خم شود. ۲۰ - بالاتر از آن، برگشت فرهنگ منحن غربی و ارتجاعی به کشور ما، باید نسبت به این دوا مسئله مواظب بود.

دیدگاه آیت الله العظمی منتظری

● ممنوعیت دادن امتیاز شرکت به خارجیها

... (در برنامه ۵ ساله) درآمد فرضی برای کشور تنظیم شده حدود ۱۲ میلیارد دلار از، یعنی خارجی. یعنی در ۵ سال، هر سال ۲۴ میلیارد دلار درآمد است. در صورتیکه همین الان همه درآمد ارزی ما از نفت و گاز و صادرات و همه را که رویهم بریزیم به ۱۲ میلیارد دلار معلوم نیست برسد. ۲۰۰۰ نوت آن در ادییزهای که: استقرار خارجی قرضه خارجی، تعهد. تعبیر به تعهد کرده آنجا، تعبیر به استقرار نکرده، تعبیر به تعهد خارجی. یعنی صحبت کنند با خارجیها پول از آنها قرض کنند، بیا ایند سرمایه گذاری کنند. خوب چه کسی بدهد؟ پنج سال، ۱۲ تا می شود ۶۰ میلیارد، ۶۰ میلیارد دلار داریم. ۱۲۰ میلیارد دلار برنامه ریزی کنیم. باقی زمین خالی، قرض می کنیم. کدام کشور را ما سراغ داریم که زیر بار قرض خارجی رفته باشد و توانسته باشد بعداً این قرض را بدهد؟

● مخالفت امام با استقرار خارجی

در آخرین ملاقاتی که با حضرت امام طاب ثراه داشتم، فرزندان ایشان هم شاهد است. آنجا بودند. خدمت ایشان عرض کردم آقا این استقرار خارجی که الان در مجلس صحبت و زمزمه اش هست، این به ضرر کشور است. این زیر پا گذاشتن همه شعارهای ده ساله است. این همه ما گفته ایم استقلال، اگر ما از نظر اقتصاد وابسته به خارج شدیم استقلال فرهنگیمان هم از دست میرود، استقلال سیاسی هم از دست میرود، فقر می شویم وابسته می شویم. ایشان آنوقت تقریباً تصدیق کرد. بعد از دو روز پیغام دادند تلفن کرده بودند اینجا به منزل ما که حضرت امام فرمودند، حق با فلانی است

بگوئید نکنند. این چیزی است که اتفاق افتاد در آخرین ملاقات با ایشان.

● استقرار موجب ذلت می شود

.. در وسائل الشیعه از پیغمبر اکرم (ص)

وسائل ج ۱۳ کتاب دین ص ۷۷ :

قال رسول الله (ص) إِيَّاكُمْ وَالَّذِينَ فَإِنَّهُ شَيْنُ الدِّينِ - مبادا زیر بار قرض بروید، دینتان را باخته اید، دینتان را عیب دار کرده اید. برای اینکه قرض یعنی ذلت. وسائل : قال علی (ع) إِيَّاكُمْ وَالَّذِينَ فَإِنَّهُ هُمْ بِاللَّيْلِ وَذُلٌّ بِالنَّهَارِ - زیر بار قرض نروید، بهره یزید از قرض، شب غصه داری برای قرض، روز هم موجب ذلت است.

این در صورتی است که از یک خودی قرض کنیم، حالا اگر از خارج قرض کنیم، خارجیها که فکر من و شما نیستند. مسلمان از کافر قرض کند، نزولش را بدهد. نزول بدهیم به کفار. لابد کفار رقبه الی الله در کشور ما سرمایه گذاری می کنند، ۲۰۰ یا این گونه است؟ یا نه کشور را وابسته می کنند.

استراتژی توسعه ما در آن که بیش از ۳ کشور جهان سومی آنرا دنبال کردند و فقط کره جنوبی، هنگ کنگ و سنگاپور را بعنوان نمونه های موفق این استراتژی داریم.

● هدف استکبار جهانی تیر خلاص به انقلاب و ارزشهای آن است

موضوع استقرار خارجی از طرفی با حیثیت جهانی و ارزشهای اصولی انقلاب که تاکنون در راه آنها صدها هزار شهید و معلول و اسیر داده ایم، و از طرف دیگر، از جمله مسائل مهمی بود که در آخرین زیارت با حضرت امام طاب ثراه مطرح نمودم، شما می دانید که دولت های استعمارگر غرب و شرق که معمولاً کلید قرض دادن و سرمایه گذاریهای خارجی به دست آنهاست، هیچگاه خیر و صلاح ملت ما و رشد و شکوفائی اقتصاد ما و جهان سوم را نمی خواهند. آنچه برای آنها مهم است وابستگی اقتصادی ما و به دنبال آن، وابستگی سیاسی و بی آبرو کردن انقلاب و نظام اسلامی در جهان سوم و نزد ملت های محروم و مستضعفی است که چشم امید به انقلاب اسلامی ما دوخته اند. آنها هر چند در مسئله استقرار و یا سرمایه گذاری خارجی ظاهران " قیافه دوستی و خیرخواهی به خود می گیرند، ولی ما

نباید با ساده لوحی و خوش باوری، برخورد نمایشیم. اگر جا ذبه معنوی و حیثیت جهانی انقلاب ما را گرفتند در حقیقت تیر خلاصی را به انقلاب و ارزشهای آن زده اند.

● در صورت اضطرار خرید مغزهای متخصص

و تکنولوژی بهتر از سرمایه گذاری

خارجی است

برای بازسازی کشور، حالیکه وقت ناچاریم تکنولوژی را به انداز ضرورت بخریم، متخص از آنها بیاوریم و استخدام کنیم که نوکر و حقوق برمان باشد. نه اینکه سرمایه گذاری کنند یا قرض کنیم که آقا با لاسرمان باشند برای بازسازی کشور خرید تکنولوژی و مغزهای متخصص با لا احتیاج، به مراتب مفیدتر از استقرار و سرمایه گذاری های خارجی است شما در جهان سوم کدام کشور را سراغ دارید که گرفتار استقرار شده اند و روز به روز کم تر می شود. چرا که نزولش را هم نمیتوانند بدهند. شما در جهان سوم کدام کشور را سراغ دارید که گرفتار استقرار شده باشند و توانسته باشد استقلال سیاسی و فرهنگی خود را حفظ کند و یا از زیر قرض نجات پیدا کند؟

دیدگاه روزنامه رسالت

● گسترش فعالیت بخش خصوصی و جذب سرمایه های خارجی

رسالت ۶۸/۱۱/۵

مقاله (برنامه ۵ ساله و استفاده از تسهیلات خارجی)

... در این برنامه به اتمام سرمایه گذاریهای نیمه تمامی که پس از رسیدن به بهره برداری صرفه جوئی ارزی قابل توجهی در قالب اولویتهای برنامه به همراه داشته باشد ارجحیت داده شده است و نقدینگی بخش خصوصی به فعالیتهای تولیدی و سرمایه گذاری هدایت خواهد شد. به علاوه فعالیت بخش خصوصی نیز گسترش یافته است. ... بر اساس تبصره ۲۹ به دولت اجازه داده می شود تا با مکاتبات و پیش بینی شده نسبت به جذب سرمایه های خارجی برای اجرا یا تکمیل طرحهای عمرانی اقدام نماید.

● استفاده از منابع خارجی

بدون کوچکترین وابستگی سیاسی بعمل می آید

بدیهی است استفاده از منابع خارجی با

حفظ کامل منافع و حاکمیت جمهوری اسلامی و در چارچوب سیاست خارجی کشور و بدون ایجاد کوچکترین وابستگی سیاسی به عمل می‌آید و تضمین کافی برای انتقال تکنولوژی و تربیت نیروی کارشناسی و اولویت استفاده از مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای داخلی و بهره‌گیری از کلیه ظرفیت‌های موجود کشور در قرارداد با پیمانکاران خارجی مدنظر خواهد بود...

● دوشکل استفاده از تسهیلات خارجی

استفاده از تسهیلات خارجی در تبصره ۲۹ عمدتاً "به دوشکل" تأمین مالی پروژه و "بای بک" می‌باشد:

۱- تأمین مالی پروژه

طریقه اجرای قرارداد فوق بدین ترتیب است که کشور سرمایه‌گذار با هزینه خود پروژه را تا مرحله بهره‌برداری تأمین مالی می‌کند. پس از آنکه پروژه به بهره‌برداری رسید ارز آن به تدریج توسط کشور میزبان پرداخت می‌شود. در حقیقت با اتخاذ این روش علاوه بر اینکه از تولید پروژه بهره‌مند می‌شویم، ارزی که می‌بایست برای واردات کالای مربوط (در سالهای پس از بهره‌برداری) اختصاص می‌دادیم به سرمایه‌گذاری می‌دهیم و پس از پایان مدت بازپرداخت، دارای پروژه تولیدی مورد نظر خواهیم بود و همچنین از واردات آن کالای مستغنی خواهیم بود. (روش مذکور نوعی صرفه جویی ارزی به دنبال خواهد داشت) نکته حائز اهمیت این است که تنها تأمین مالی پروژه به عهده کشور خارجی بوده و مدیریت، چگونگی استفاده از امکانات، انتخاب نیروی انسانی و... به عهده طرف ایرانی می‌باشد.

۲- روش بای بک

در این روش قرارداد همکاریهای بلند مدت صنعتی بمنظور کسب تجهیزات، ماشین آلات و مواد اولیه با سرمایه‌طرف خارجی تحقق می‌پذیرد و معمولاً با انتقال تکنولوژی بمنظور تولید کالای خاص همراه است. پس از آنکه پروژه تولیدی مورد نظر به بهره‌برداری رسید طبق قرارداد سرمایه‌گذار از محصولات کارخانه تا زمان مستهلک شدن سرمایه (تجهیزات و ماشین آلات) برداشت می‌نماید. این روش جهت جایگزینی واردات و توسعه صادرات صورت می‌گیرد. (در اینجا نیز مدیریت پروژه به عهده طرف ایرانی می‌باشد)

تشابه روش تأمین مالی پروژه و بای بک در این است که با زپرداخت سرمایه، پس از مرحله بهره‌برداری پروژه خواهد بود و تفاوت این دو تنها در نحوه بازپرداخت سرمایه خواهد بود که در روش اول، بازپرداخت ارزی است ولی در روش دوم، بازپرداخت به صورت برداشت از کالای تولید شده توسط همان پروژه می‌باشد.

● روشهای دیگر استفاده از منابع خارجی

لازم به ذکر است که در تبصره مذکور علاوه بر دو روش عمده یاد شده از روش‌های دیگر (با توجه به موجودی جمهوری اسلامی ایران در حساب خود) و روش حساب مخصوص و روش پیش فروش محصولات ما زاد بر نیاز داخلی (در پتروشیمی و فراورده‌های نفت) استفاده می‌شود.

● علل مقروض شدن کشورهای که از همین روشها استفاده کرده‌اند

از انواع وام و سرمایه‌گذاری خارجی که در قسمتهای قبل آمده کشورهای اروپای شرقی آمریکا لاتین و دریک کلام کشورهای مقروض دنیا از آن استفاده کرده‌اند و به دلایل متعددی دچار قروض مزمن شده‌اند. بطوریکه بدهی کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۸۷ نسبت به سال قبل با ۹۵ میلیارد دلار افزایش به حدود ۱۰۱۹ میلیارد دلار و در سال ۱۹۸۸ به بیش از ۱۰۲۲ میلیارد دلار و در سال ۱۹۸۹ به حدود ۱۰۲۶ میلیارد دلار رسید. با بررسی که در این باره صورت گرفته علل ذیل توسط اقتصاد دانان عنوان شده است:

۱- پذیرفتن شرطهای سرمایه‌گذاران خارجی در حقیقت چون وام دهنده شرط اعطای وام را وارد کردن کالا از کشور خود و با انتخاب خود می‌دانند لذا کمکها و وامها بدون اینکه تناسبی با احتیاجات کشور دریافت‌کننده داشته باشند، صرفاً در جهت رشد اقتصاد کشور پرداخت‌کننده وام و یا کمک، عملی کردند.

هنگامی که شرکت‌های چند ملیتی اقدام به سرمایه‌گذاری مستقیم یا غیرمستقیم و یا مشارکتی می‌نمایند. در واقع دولتی در داخل کشور میزبان بوجود می‌آید و با امتیازاتی که می‌گیرند و قدرتی که پیدا می‌کنند نه تنها اثرات مثبت سرمایه‌گذاری و وام خارجی را ندارند بلکه عامل مخرب می‌باشند به

دیدگاه‌های مختلف درباره...

عبارت دیگر جهت جلب سرمایه‌گذارانی که خارج از کشور می‌تواند شرایط مخصوصی را هم چون توسعه خدمات عمومی، گسترش همکاریهای مالی یا دادن سوبسید به برخی از داده‌ها و عوامل بوجود می‌آورد.

بعلاوه گهگاه دولتها مجبور می‌شوند یک سری حمایت‌های تعرفه‌ای و مالیاتی برای سرمایه‌های خارجی اختصاص دهند. بنا بر این تحت این شرایط وام یا سرمایه‌داریافت شده اثر خود را پیدا می‌کند و کشور مزبور نمی‌تواند در موعد مقرر بازپرداخت نماید.

۲- تأمین مالی یا استقراض بیش از توان: اگر همین کشورها به اندازه توان ارزی‌شان وام می‌گرفتند، می‌توانستند از این حیث جزء کشورهای مدیون نباشند.

۳- شرکت‌های چند ملیتی معمولاً به تولید کالاهای لوکس و با قیمت بالا می‌پردازند تا بتوانند با فروش آنها به مرفهین جامعه سود سرشاری کسب کنند زیرا احداث سود، هدف شرکت‌های چند ملیتی است. در این صورت نیازهای اصلی اقتصاد برآورده نشده و اثرات تخریبی زیادی بر کالبد اقتصاد به جای می‌گذارد.

۴- با الرفت سریع قیمت‌های نفت در ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ و ۸-۱۹۷۹ که بیشترین اثر را روی کشورهای واردکننده نفت باقی گذاشت.

۵- با الرفت ناگهانی نرخ بهره در موسسات پولی بین‌المللی و کشورهای پیشرفته

۶- رکود در کشورهای پیشرفته (بخصوص در اوایل دهه ۱۹۸۰) و بدنبال آن افت تقاضای این کشورها برای کالاهای صادراتی کشورهای در حال توسعه

۷- استفاده از وام برای مصرف بجای سرمایه‌گذاری

۸- با ال بودن نرخ تورم

۹- عدم اجرای سیاست‌های صحیح اقتصادی برای مقابله با مشکلات فوق الذکر که در نهایت به حجم پول در گردش و تورم بسیار بالا اضافه می‌نماید.

۱۰- از همه مهمتر، عدم وجود مدیریت صحیح و کارآمد برای بکار انداختن این سرمایه‌ها و عدم برنامه ریزی صحیح جهت پرداخت دیون خارجی است.

دیدگاه‌های مختلف درباره ...

● سرمایه‌گذاری برای رهایی از وابستگی

رسالت ۶۸/۱۱/۵

مقاله "برنامه‌های استفاده از تسهیلات خارجی"

"... با توجه به اینکه طبق آمار موجود بطور متوسط ۵۷٪ از مواد اولیه مورد نیاز کارخانجات کشور از خارج تامین می‌شود و این رقم در بعضی از صنایع حتی به مرز ۹۰٪ نیز می‌رسد و با ملاحظه این واقعیت که بعضی صنایع ایران از لحاظ قطعات یدکی ماشین‌آلات تولیدی حتی به میزان صد درصد وابسته به خارج می‌باشد. می‌توان با سرمایه‌گذاری در تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام و امور ضروری کشور را طی یک یا دو برنامه ۵ ساله از وابستگی رهایی داد"

راه مجاهد: چه تضمینی است که وقتی پروژه‌های نیمه‌تمام به اتمام رسید و مثل صنایع فعلی به بهره‌برداری رسید، که آنهم از جهت مواد اولیه یا قطعات یدکی به خارج وابسته نباشد؟

بخصوص که می‌خواهیم از سرمایه‌گذاری خارجی و تکنولوژی خارجی استفاده کنیم و آنها هم منافع در از دست خود را از یاد نمی‌برند و به استقلال و خودکفایی وبی‌نیازی ما چندان عشق و علاقه‌ای ندارند.

ثانیا - یکی از همین پروژه‌های نیمه‌تمام، پتروشیمی است که سپردیم دست آقایان ژاپنی و ۱۱ سال که از انقلاب می‌گذرد به بهانه‌های مختلف طولانی دادند و حالا نیمه‌کاره رهاش کردند. در صورتیکه بعد از ما با عربستان قرارداد بستند و پتروشیمی آنها را ساختند و محصولش به ما باز آمد. راستی چه تحولی شنیده است که دوباره قضیه را از سر بگیریم؟

ثالثا "حال که هدف قطع وابستگی است مردمی که برای استقلال خون داده‌اند بیشتر انگیزه دارند تا سرمایه‌داری که جلوی این حرکت سنگ می‌انداخته است."

آیا با اعتماد به مردم و جلب اعتماد آنها از طریق اصلاح شیوه‌ها و بسیج عمومی آنها در جهت احیاء کشاورزی و دامداری و ...

کمبود تکنولوژی را نمیتوانیم جبران کرده و زودتر به خودکفایی برسیم؟

کما اینکه در جنگ تا موقعیکه مردم بسیج

بودند کمبود تکنولوژی هم داشتیم ولی موفق بودیم اما از وقتی بطرف جنگ کلاسیک رفتیم و مردم منفعل شدند موفقیت‌هایمان هم محدود شد.

دیدگاه مجله پاسدار اسلام

● کشور مقروض مانند انسان معتاد است

مجله پاسدار اسلام شماره ۹۶ - ۶۸ ذر " ... رابطه بین کشور و وام گیرنده و استقرار از منابع خارجی، به رابطه بین انسان معتاد و اعتیاد می‌ماند. زیرا همان‌طور که یک فرد سالم با توجیهات فریبنده به کشیدن مواد مخدر رغبت پیدا می‌نماید یک کشور جهان سومی هم با توجیه فریبنده اقتصادی به سمت استقرار از منابع خارجی کشیده می‌شود همان‌طور که یک انسان معتاد از خود اراده‌ای ندارد و افسارش در اختیار خودش نیست و برای کسب درآمدها چیز خود را در اختیار قرار می‌دهد. یک کشور معتاد به استقرار نیز از خود اراده‌ای ندارد و سیاست‌های داخلی‌اش عرصه تصمیم‌گیری موسسات مالی بین‌المللی و خصوصی و شرکت‌های چند ملیتی و از همه مهم‌تر سران استکبار غرب می‌گردد و بالاخره همان‌طور که آزادی و استقلال یک انسان معتاد از او سلب می‌شود، آزادی و استقلال یک کشور جهان سومی نیز از او سلب می‌شود.

● استقرار ظاهری فریبنده دارد

دام استقرار خارجی، دام خطرناکی است که نظریه پردازان اقتصاد غرب در لای یک نظریه علمی برای فقرای جهان و جهان زیر سلطه عرضه کرده اند و سیاست‌گذاران و سران کشورهای جهان سوم نیز فریب ظاهر آراسته نظریه مزبور را خورده‌اند و مردم این کشورها نیز از کم و کیف مسئله بی‌خبرند. استقرار از خارج تاکنون برای هیچیک از کشورهای جهان سوم منافع واقعی به همراه نداشته است ... اگر کشوری توانائی آن را نداشته باشد که اقتصاد خود را دگرگون سازد، بدون دریافت وام هم می‌تواند به راه توسعه اقتصادی قدم نهد. گویا اینکه سرعت رشد آن به لحاظ فقر منابع، چندان زیاد نخواهد بود ولی اگر کشوری توانائی آن را نداشته باشد که اقتصاد خود را دگرگون سازد، حتی با دریافت وام نامحدود هم به توسعه اقتصادی نائل نخواهد شد. وام خارجی ممکن است در افزودن بر میزان مصرف بکار برده شود و یا

اگر این کشورها برای بازپرداخت بدهی‌هایشان مجبور به صدور نفت بیشتری شوند، آیا می‌توانند مقدار بیشتری از زبدست آورند؟

متاسفانه جواب این سؤال منفی است.

ممکن است در افزایش قدرت تولید واحدهای تولیدی کشور به کار برده شود. ولی هیچ کدام از اینها موجب جریان توسعه اقتصادی نخواهد بود.

● نفوذ آمریکا

در صندوق بین‌المللی پول

مجله پاسدار اسلام - شماره ۹۷ - دی ۶۸ " سرمایه صندوق بین‌المللی پول بین کشورهای مختلف سهم بندی شد و آمریکا حدود ۳۶٪ سهام آن را به خود اختصاص داد ... رای اعضای صندوق نیز به میزان سهام آنها بستگی دارد. مثلاً آمریکا با یک نماینده، به لحاظ سهام زیادتر رای بیشتری دارد. رای نماینده آمریکا از کل آرای ۵۰ کشور توسعه نیافته بیشتر است. چون سرمایه صندوق عمدتاً مربوط به کشورهای توسعه یافته صنعتی می‌باشد. لذا آنها با آراء خود سیاست‌های صندوق را به نفع خود تنظیم می‌کنند. کشورهای سرمایه‌داری ۳/۴ سهمیه صندوق که وام بر اساس آن پرداخت می‌شود و نیز ۳/۴ حق رای را دارند.

● کشورهای غربی برای حل مشکل

خود حاضر به سرمایه‌گذاری یا

وام دادن می‌شوند

نظریات آقای علی شمس اردگانی در سمینار ششم دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی در ۶۴/۷/۲۹ در دانشگاه تهران مطرح شده است. "قرض دهندگان عمدتاً کشورهای عضو گروه OECD می‌باشند. و در میان آنها آمریکا بیش از ۶۰٪ از این نسبت را به خود اختصاص می‌دهد.

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که چرا این کشورها به‌هنگام رشد اند؟ آیا مطلب به این سادگی است که بعضی از کشورها حاضر بودند قرض بدهند و گروه دیگری احتیاج داشتند قرض بگیرند؟ اینجا باید نگرانی عمیق‌تری به خصوصیات کشورهای وام‌دهنده

● کشورهای بدهکار رقرض میگیرند تا بهره وامها را بدهند

اما در نهایت این دور باطل به کجا خواهد
انجام مید؟ عملاً" در این دور شاهد به بن بست
رسیدن عملکرد سیستم خواهیم بود. یعنی
با رشد سریع قرضهای کوتاه مدت، در حقیقت
این پرداختها حتی توان جذب دربار مصرفی
را نیز از دست می دهد و سیرا مور به نحوی تحول
می یابد که فقط " قرض گرفته میشود، برای
اینکه بدهی پرداخت شود" و در این مرحله
منطبق با تعریف کلاسیک صدور سرمایه، شاهد
تضاد بحرانی خواهیم بود....

● مکزیکی روزی یک میلیون بشکه نفت مجانی میدهد

کشور مکزیکی برای پرداخت بهره دیون

و ساختمان اقتصادی آنها بیندازیم و به
عبارت دیگر مشکلاتی را که سیستم سرمایهداری
در دهه اخیر با رشدی سریع در تکانها سرمایه
با ابعاد جهانی آن روبرو است بنظر آوریم.
در عین حال این کشورها در داخل با عدم کشش
مصرف نسبت به کالاهای مصرفی و کالاهای
سرمایه ای (در مقابل توان تولیدی سرمایه
انباشت شده) روبرو هستند. به بیان دیگر
نرخ رشد انباشت سرمایه یا نرخ رشد توان
تولید در کل سیستم (که بخش خدمات جز
عمده ای از آن است) همیشه بالاتر از نرخ
رشد در بخش مصرفی بوده است. بنابراین
این افزایش چگونه باید جذب شود؟ آیا
نباید برای جلوگیری از بحران زودرس و ور
شکستگی عظیم صاحبان سرمایه وامکان
ادامه حیات آنها، رژیمهای سیاسی منبعث
از این سیستم به نوعی به "صادرات سرمایه"

نظر ما نسبت به جهان خارجی

همان تلقی است که

حضرت امام در پهاشان به گور با جف فرمودند

و به او هشدار دادند که

به سمت سرمایه داری غرب نرود.

یا دادن وام به دیگران اقدام نمایند؟
زیرا صادرات سرمایه ای از سویی مصرف
کالاهای سرمایه ای را امکان پذیر نمی نماید
و از سوی دیگر صادرات کوتاه مدت امکان
جذب قروضی را که برای کالاهای مصرفی صرفه
می شود فراهم می آورد....

● کشورهای بدهکار رقرض میگیرند

تا بهره وامها را بدهند

سوالی که در مورد کشور قرض دهنده مطرح
می شود این است که چرا تصمیم به پرداخت
اینگونه وامها گرفته شده؟ دلیل این است،
که امکانات مصرف را در کشورهای غیر صنعتی
جهان سوم افزایش داده، بتواند از اشتقاق
بین مصرف و رشد سرمایه در کشورهای صنعتی
جلوگیری کند.

اگر به آثارهای مربوط به صدور سرمایه
از منابع مالی آمریکا نظری بیندازیم متوجه
این حقیقت میشویم که رقمی بیش از ثلث
این انتقالات مربوط به قروض کمتر از یک
سال و بیش از ۵۰٪ قروض مربوط به رده ایست
که تا دو سال سررسید دارند. ارقام مذکور
روشنگر جنبه مصرفی قروض برای کشورهای
دریافت کننده آنهاست.

دیدگاههای مختلف درباره...

نیا زکند، گرفتند و به این ترتیب کارخانه های
مونتاژ از گوشه و کنار این کشورها، یکی
پس از دیگری سبزشد. اما جالب اینجاست
که هنگامی که کارخانه های مذکور به
تولید رسید، مراجعه به تراپرداختها
نشان داد که در رشد بدهیها بجای کاهش در
افزایش تسریع شده است. یعنی مکزیکی
آرژانتین و شیلی با ایجاد کارخانه های
عظیم با وجود اینکه تا حدی به اهداف سیاست
خودکفایی نزدیک شده اند، مقروضترین
گشته اند....

● کشورهای مقروض دیگر توان

جذب سرمایه را ندارند

دربین کشورهای وام گیرنده و جذب کننده
سرمایه، یک گروه به طور کلی توانایی
جذب سرمایه را از دست داده اند و تنها
اقدام به گرفتن قروض کوتاه مدت برای
بازپرداخت بدهیها می نمایند. و واضح
است که این امر در خروج از بحران (که یکی
از هدفهای قرض دادن است) نمی تواند
موثر باشد....

● کشورهای صادرکننده نفت نیز توان

پرداخت بدهیها را ندارند

نیجریه، اندونزی، ونزوئلا، مصر، مالزی
و عراق واکوادر کشورهای عمده صادرکننده
نفت هستند که قروض کلانی نیز دارند.

میزان بدهی این کشورها از ۱۰ میلیارد
برای مالزی گرفته تا حدود ۷۰ میلیارد
برای نیجریه ذکر می شود. حال اگر این
کشورها برای بازپرداخت بدهیها یشان مجبور
به صدور نفت بیشتری شوند، آیا می توانند
مقدار بیشتری ارز بدست آورند؟ متأسفانه
جواب این سوال نیز منفی است....

کشورهای صادرکننده عملاً" امکان افزایش
صادرات ندارند، مگر اینکه بتوانند از سهم
تعیین شده برای دیگران بهره گیرند....
اگر کشوری بخاطر کسب درآمد بیشتر به عرضه
بیشتر نفت با قیمت کمتر مبادرت ورزد
کشورهای دیگر نیز احتمالاً" مقابله به مثل
کرده پس از مدت زمانی مشاهده خواهد شد
که در نهایت امر بدون اینکه مجموع صادرات
افزایش یافته باشد، تنها بهای واحد نفت
کاهش یافته و این سیاست مواجه با شکست

روزانه یک میلیون بشکه نفت را با بدهی مجانی
و با بابت اصل و فرع قروض تقدیم همسایه
شمالی نماید. روشنتر اینکه مکزیکی پس از
تحویل روزانه ۲۵ میلیون دلار (بهای یک
میلیون بشکه نفت سنگین) تنها با بابت
صادراتی که از یک میلیون بشکه تاجا و زکند
ارزی به خزانه داریش واریز می گردد.

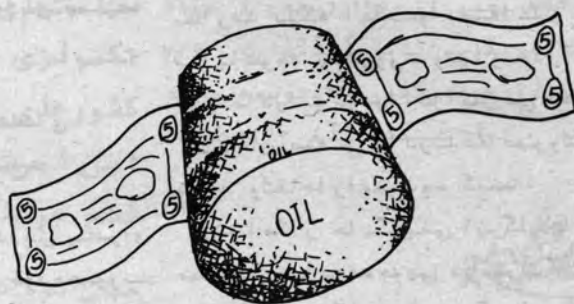
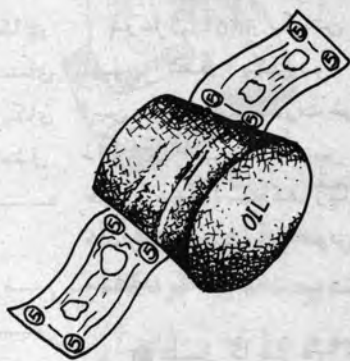
● کشورهای مقروض برای جهش

اقتصادی وام گرفتند

کشورهای بدهکار رعمده گه بیشتر در آمریکای
لاتین هستند (البته نه منحصر) "در این
قسمت از جهان) کشورهای هستند که به زعم
خودشان و به عقیده کارشناسان صندوق
بین المللی پول (IMF) در یک مرحله از جهش
اقتصادی، احتیاج به دریافت قروض
داشته اند. گروهی که هم اکنون با شرایط
مشکلتری روبرو هستند، آن دسته اند که
برای صنعتی شدن، سیاست جان نشین کردن
واردات را در پیش گرفتند. بعبارت دیگر
با این فرض که مشکل ارزی خود را ناشی
از واردات ماشین آلات صنعتی و کالاهای
مصرفی دانستند، لذا تصمیم به ایجاد
صنایعی که آنها را از این نوع واردات بی

تجربه سرمایه گذاری خارجی

در جهان سوم



مجموعه اطلاعات و اخباری از
روزنامه های یومیه

شده است ...

● می خواهند جمهوری اسلامی ایران
را هم گرفتار این دورفاسد نمایند

جمهوری اسلامی ایران با وجود اینکه در عداد کشورهای مقروض نیست، اما واضح است که سیاست جهانی به تحمیل همان دورفاسد به کشور ما هم تمایل دارد و به این جهت است که ما نیز می توانیم در کنار سایر کشورهای جهان سوم قرار گرفته، با ایجاد یک هماهنگی منظم به مقابله با آنچه استکبار برای غیرتولیدی کردن جامعه ما می خواهد به ما تحمیل کند، مقابله نماییم.

● سؤال و جواب از آقای شمس اردکانی
اردکانی

سؤال : اگر در یکی از کشورهای مقروض انقلاب شود، آیا دولت انقلابی می تواند به بهانه اینکه این قرضها را دولت های گذشته گرفته اند، زبانه زدن خودداری نماید؟

جواب : معمولاً "خیر ..."

البته مقررات بین المللی و قوانین حاکم بر روابط کشورهای نیز متأثر از تغییرات دولتها و هیئتهای حاکمه و رژیمهای حکومتی نیست. بدهیها و قراردادهای برعهده کشورها است، صرف نظر از اینکه چه حکومتی در آنها مستقر شود و چه تغییراتی در کشورها بوجود آید. تغییر حکومت یک امر داخلی تلقی میشود. لذا تأثیری در تعهدات و از جمله قروضه ارد

سرنوشت غم انگیز و عبرت آور کشورهای
آمریکای لاتین و آفریقا

● توسعه اقتصادی با استفاده از
سرمایه خارجی

کشورهای آمریکای لاتین ضمن کوششی که در سالهای پس از جنگ جهانی دوم و دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ برای اجرای برنامه های توسعه اقتصادی خودشان، بر اساس سرمایه و کمک خارجی انجام دادند سرتاپا غرق در بدهیهای خارجی شدند.

این مسئله همزمان بود با جنجال تبلیغاتی که سرمایه خارجی به طریقی معجزه آسا گره از کار فرو بسته کشورهای جهان سوم بازمی کند و دردهای مزمن و مهلک کشورهای عقب مانده را درمان نموده و آنها را در شاهراه پیشرفت هدایت می کند.

● کشورهای صنعتی خود دنیا زمزمند
سرمایه و تکنولوژی خود را به کشورهای
جهان سوم درکنند

انتقال کارخانه ها از مرکز به سوی پیرامین که از اواسط دهه ۱۹۶۰ تسریع شده نتیجه عامل های متعدد زیر بوده است:

- ۱- کاهش سودآوری در کشورهای پیشرفته صنعتی
- ۲- افزایش رقابت میان این کشورها (بویژه پس از حضور ژاپن در بازارهای جهانی)
- ۳- افزایش دستمزد کارگران در آمریکای شمالی و اروپای غربی

۴- افزایش مشکلات اعمال کنترل بر نیروی کار در محل تولید

● عمده سرمایه گذاری خارجی روی
استخراج منابع انرژی و معدن
بوده است

نحوه مصرف این وامها در بخش های مختلف اقتصادی نیز بسیار قابل تعمق است. وامهای اعطاء شده در زمینه انرژی بیشترین سهم را در کل وامها بخود اختصاص داده است. یعنی بخش بزرگی از این وامها در صنایع استخراج مواد اولیه انرژی (نفت و گاز و...) صرف شده است که منابع آن تجدید نشدنی است. و عمدتاً "نیاز خود کشورهای صنعتی می باشد."

مثلاً از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۸۳ بطور متوسط ۲۶/۷٪ سرمایه گذاریهای خارجی روی انرژی بوده است و در سال ۱۹۸۳ حدود ۳۱/۸٪ و رقم بعدی مربوط به صنعت و معدن است که ۲۴٪ می باشد. در حالیکه سهم توسعه آموزش علم و تکنولوژی حدود ۶٪ می باشد.

● دهه کاری روزافزون با امید
توسعه اقتصادی

بدنبال این امروز بروز حجم بدهیهای آمریکای لاتین افزوده شد و این کشورها روز بروز وابسته تر شدند. در آن سالها دیدگاه نظریه پردازان مکتب اکلا (کمسیون اقتصادی آمریکای لاتین) بر استراتژی "صنعتی شدن مبتنی بر جایگزینی واردات" بود. برای مدل توسعه



عرضه می کنند و با یکدیگر نیز اتحاد و توافق ندارند بلکه اغلب وابسته اند (مثالاً وپک) لذا با توجه به ضرورت و نیاز به درآمد ارزی حجم صادرات خود را افزایش می دهند. ولی کشورهای صنعتی قادرند که صبر و تحمل بخرج داده و تقاضا را محدود کنند.

۲- امکان جایگزینی این کالاها با مواد مصنوعی و یا صرفه جویی در مصرف آنها (مثل نفت) باعث کاهش قیمت آنها می شود. علیرغم اینکه کشورهای صنعتی روز بروز وابستگی خود را به محصولات و مواد اولیه جهان سوم کاهش می دهند و بدنبال منابع متعدد هستند، جهان سوم وابستگی خود را به کالاهای صنعتی کشورهای سرمایه داری کمتر نمی کنند.

● سودهای سرسام آور سرمایه داران خارجی

شرکت های سهامی (با مالکیت مشترک داخلی و خارجی) از جمله اشکال مهم صدور سرمایه به کشورهای جهان سوم توسط شرکت های فراملیتی است.

در اغلب کشورهای صاحبان اصلی اینگونه مشارکتها همان شرکت های فراملیتی هستند که با انواع حیل های قانونی و مالیاتی با استفاده از روش های دقت داری، قیمت گذاری و حسابداری صنعتی و غیره سهم اصلی سود درآمد را بخود اختصاص می دهند. در حالیکه کشور میزبان چه بخش دولتی و چه بخش خصوصی تنها صاحب اسمی هستند.

برای نمونه بین سال های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۱ ورود سرمایه های مستقیم به کشورهای افریقائی بالغ بر ۱۵/۳۴ میلیارد دلار بود در حالیکه در همین مدت سود صادر شده از افریقا بالغ بر ۲۳/۹۲ میلیارد دلار بود.

طی همین دوره برای خاورمیانه و رود سرمایه خارجی تنها ۵/۵ میلیارد دلار بود در حالیکه سود صادر شده بالغ بر ۴۸/۶۲ میلیارد دلار بود.

نمونه های دیگر:

هریک دلار سرمایه گذاری در افریقا ۳/۵ دلار سود سالانه می دهد. براساس آمار

در ۱۹۵۹ یک تراکتور ۱۶۰۰۰ دلار مقابل ۲۴ تن شکر مبادله می شد. حال آنکه در سال ۱۹۸۲ تراکتور مذکور در مقابل ۱۱۵ تن شکر معاوضه می شد.

در سال ۱۹۵۹ یک تن سیم مسی معادل ۳۹ تیوپ اشعه ایکس بود، ولی در سال ۱۹۸۲ این مقدار مس قدرت خرید فقط ۳ تیوپ را دارد. این مهمترین ویژگی تجارت خارجی جهان سوم است که زیانهای عظیمی به این کشورها تحمیل می شود. نتیجه این چسه میشود؟

● علل کاهش درآمد کشورهای توسعه نیافته

این کشورها برای افزایش یا حداقل برای ثابت نگه داشتن درآمد ارزی خود مجبورند در برابر کاهش قیمت حجم صادرات خود را افزایش دهند که موجب از بین رفتن منابع و ذخایر این کشورهاست

۲- نوسانات بازار: ثابت نبودن درآمد حتی کاهش آن در این کشورها برنامه های توسعه را دچار خسارت های جبران ناپذیر می کند.

کاهش قیمت کالاهای صادراتی جهان سوم بدو دلیل است:

۱- افزایش عرضه از طرف کشورهای صادر کننده جهان سوم و محدود کردن تقاضا از طرف کشورهای صنعتی واردکننده.

چون اغلب کشورهای جهان سوم کالای مشابه



از این تزحمایت می کردند که با یستی از طریق انتقال سرمایه نهادهای لازم از کشورهای پیشرفته به کشورهای عقب مانده این توسعه عملی گردد.

بدین ترتیب بر سرعت وام گیری امریکای لاتین افزوده شد. در حالیکه در سالهای ۱۹۵۱ تا ۵۵ حدود ۲۸۱ میلیون دلار در امریکای لاتین وام گرفته شده بود. در عرض ۵ سال بعدی تا ۱۰۵۲ میلیون دلار و در ۱۹۶۴ به ۱۸۴۱ میلیون دلار رسید.

بحران جهان سرمایه داری در دهه ۷۰ وضع را بدتر از قبل کرد. در سال ۱۹۸۰ دیون خارجی این کشورها به ۲۰۸ میلیارد دلار و در ۱۹۸۱ به ۲۴۰ میلیارد دلار افزایش یافت. در حالیکه پیش بینی می شد که بسیاری از این کشورها در آینده از حیث اقتصادی وضعی رضایت بخش خواهند داشت. اما وقتی در دسامبر ۱۹۸۲ اعلام شد که تنها بدهیهای مکزیک به ۸۰ میلیارد دلار رسیده است.

این رؤیای شیرین به کابوسی وحشت آور مبدل شد. در سال ۸۲-۱۹۸۱ بر اثر افزایش نرخ بهره ارزش دلار بالا رفت. این اقدام باعث شد بدهی امریکای لاتین از ۳۰۰ میلیارد دلار تجاوز کند. و سهم سرانه بدهی هر فرد به حد ۱۰۰۰ دلار رسید.

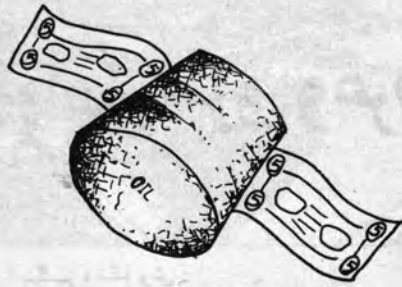
● کاهش درآمد ها، افزایش بدهیها

در سالهای دهه ۱۹۶۰ قیمت مواد خام در بازار جهانی پائین آمد و در نتیجه درآمد ملی ارزی این کشورها به شدت کاهش یافت و در نتیجه بدهکاریشان بیشتر شد.

میزان ارزش کالاهای مورد مبادله میان جهان سوم و جهان غرب، دائماً به زیان جهان سوم در حال تغییر است. بدیگر سخن کشورهای صنعتی غرب، قیمت کالاهای صنعتی خود را افزوده و در مقابل این افزایش قیمت کالاهای جهان سوم یا در حال کاهش است یا حداقل ثابت.

مثلاً "کشور اکوادور در سال ۱۹۸۴ نسبت به ۳ سال قبل حدود ۶۱٪ بر حجم کالاهای صادراتی خود افزوده است، اما درآمدش از این افزایش صادرات تنها ۸/۸٪ افزوده شده است. او رو گوشت ۱۱٪ بر حجم صادرات خود افزوده است در مقابل ۲۴٪ ز در درآمد صادراتی آن کم شده است (نسبت به سال ۸۲-۸۱)

شیل که تولید کننده عمده مس جهان است ۲۳/۱٪ بر حجم صادرات خود افزوده است اما ۳/۵٪ از درآمدش کم شده است (نسبت به سال ۸۲-۸۱)



غرب نمی تواند مبلغ وبانی سیاستهای صنعتی مستقل و انتقال تکنولوژی پیشرفته بمنظور خودکفایی کشورهای جهان سوم باشد. زیرا این امر مستلزم

قطع جریان غارتگرانها بازرگانی آنهاست

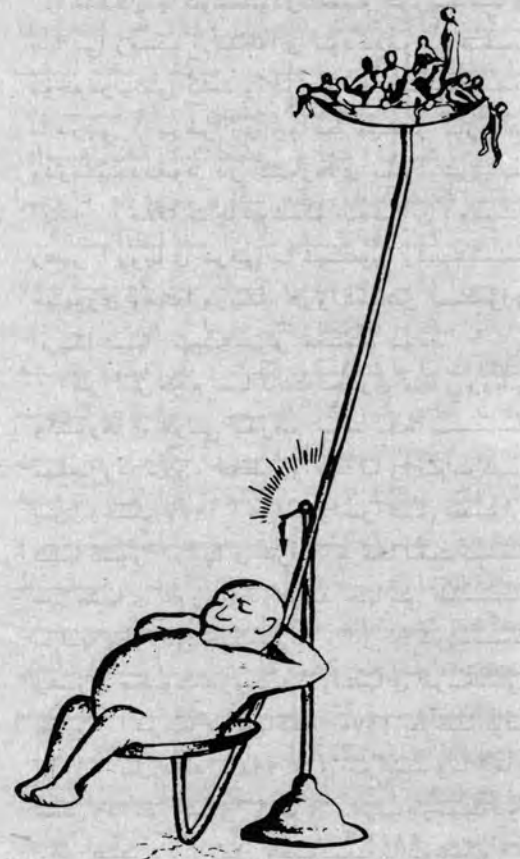
جهان سوم کشورهای غربی اند. بطور کلی واردات اهرمی در جهت وابسته ساختن است. الگوهای توسعه ای که غرب بر جهان سوم تحمیل می کند، تماما " بمنظور حفظ این روند واردات و صادرات است. غرب نمی تواند مبلغ وبانی سیاستهای صنعتی مستقل و انتقال تکنولوژی پیشرفته (بمنظور خودکفایی آنها) باشد. زیرا این امر مستلزم قطع جریان غارتگرانها بازرگانی آنهاست.

● شرایط صندوق بین المللی پول برای دادن وام

صندوق بین المللی پول برای پرداخت وام شرایط زیر را قائل است:

- ۱- حق اختیار تصویب و یارد درخواست وام
- ۲- پرداخت وام متناسب با سهمیه
- ۳- وادار کردن کشور متقاضی به تقلیل ارزش پول خود (توضیح) از نظر صندوق، کشوری که وام دریافت می کند در واقع کسری موازنه پرداخت دارد و باید صادرات خود را افزایش دهد و برای اینکه صادرات خود را افزایش دهد باید قیمت کالای صادراتی خود را پائین بیاورد تا بتواند کالای بیشتری برای متقاضیان از زمین المللی ایجاد کند و برای کاهش قیمت صادرات باید ارزش پول خود را کاهش دهد. در صورتی که کاهش قیمت کالای صادراتی افزایش کشت تقاضا نمی شود (در واقع کشور بدبخت جهان سومی باید هم کالاهای مواد اولیه خام خود را حراج کند و هم برای واردات کالاهای پول بیشتری پرداخت نماید. چون ارزش پولش پائین آمده است)
- ۴- صندوق از کشورهای وام گیرنده خواست تغییراتی در سیاستهای اقتصادی داخلی خود می شود. مثلاً " صندوق از برزیل خواست

کمسیون اقتصادی سازمان ملل برای آفریقا (تا سال ۱۹۸۵) شرکت های چند ملیتی سالانه ۷۵ میلیارد دلار از آفریقا خارج می کردند. در آغاز سال ۱۹۸۵ "جولیوس نایپیرره" رئیس جمهور تانزانیا در یک سخنرانی گفت بدهیهای کشورهای آفریقایی (تا سال ۱۹۸۵) به ۱۵۰ میلیارد دلار افزایش خواهد یافت که بهره متوسط سالانه آن ۱۰/۱٪ خواهد بود. طی یک دهه یعنی از ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ انحصارات آمریکایی با سرمایه گذاری ۷/۹ میلیارد دلاری خود در کشورهای توسعه نیافته در حال رشد، توانستند مبلغ ۲۹/۳ میلیارد



دلار سودا ز راه استثمار و غارت این ملل بدست آورند طبق روال جاری تهیه پول از صندوق بین المللی یا بانک جهانی خیلی گران تمام می شود. هر یک دلار کمک بانک جهانی به کشورهای در حال توسعه، ۲ دلار نصیب بانک می نماید.

● آیا غرب اقتصاد وابسته جهان سوم را مستقل خواهد کرد

واردات کشورهای جهان سوم غالباً شامل کالاهای مصرفی مورد نیاز برای صنایع میباشد که این نوع واردات ادامه تولید صنایع داخلی را ممکن می سازد. بخش دیگر واردات به مواد غذایی اختصاص دارد. که سهم مهمی از درآمدهای صادراتی جهان سوم را می بلعد. طرفهای عمده تجاری

تا سیستم ارزش چند نرخی خود را حذف و ارزش پول را کاهش دهد یا از ابر و گوشت خواست تا کنترل دولت بر صادرات و واردات و نرخ ارزش را حذف کند و چند بار ارزش پول آن کشور را کاهش داد.

۵- تضمین برای توسعه بخش خصوصی و رواج سرمایه داری در کشور و طبعاً " بازگشت ———— تدریجی جای پای شرکت های چند ملیتی.

● شرایط بانک جهانی برای دادن وام

بانک جهانی و موسسات وابسته به آن نیز علیرغم اساسنامه اش شرایط خاصی در نظر می گیرند که عبارتند از:

- ۱- درخواست تضمین بازپرداخت از کشور وام گیرنده
- ۲- ملی نکردن داراییهای خارجی (بانک به کشورهای که منافع انحصارگرانها را رنج می بخشد بویژه آمریکا ثبات را محترم شمرده اند به سادگی وام نمی دهد)
- ۳- ارائه طرح کامل و جامع عمرانی و سرمایه گذاری همراه با توجیهات اقتصادی قابل پذیرش بانک
- ۴- تعهد بازپرداخت وام در موقع سر رسید (بانک به کشورهاییکه وام خود را در موقع سر رسید نپرداخته اند وام نمی دهد.)
- ۵- یکی از موسسات تابعه آن بنام سازمان توسعه بین المللی به شرطی وام پرداخت می نماید که وام گیرنده از آمریکا کالای غربی نماند و تجارت با کوبا و ویتنام را تحریم کند
- ۶- حذف محدودیتهای صادراتی و وارداتی
- ۷- حذف مالیات و حقوق گمرکی در بعضی موارد خاص
- ۸- طولانی بودن مدت تحویل وام ———— کشورهای متقاضی

انقلاب خودجوش مردمی یا

توافق شرق و غرب با تکیه بر نارضایتی عمومی

مجموعه اخبار از روزنامه های یومیه

چاوشسکو در سال ۱۹۷۹ دخالت
شوروی در
افغانستان را
بعنوان تها و زبه یک کشور مستقل
رد نموده و آنرا محکوم کرد.

انگیزه نگارش:

تغییرات ایدئولوژیک - استراتژیک اخیر در حزب کمونیست شوروی، موجبات بروز تحولاتی در عرصه جهانی را فراهم آورد. با توجه به پیچیدگی شرایط، شناخت ابعاد این تغییرات و ماهیت تحولات اخیر برای نیروهای حق طلب امری ضروری بنظر میرسد. در این رابطه مروری بر آنچه که در رومانی گذشت بعنوان مرحله ای از روند تحولات اخیر ما را در تبیین مسائل فعلی یاری خواهد داد.

● چاوشسکو که بود؟

نیکلای چاوشسکو در سن ۱۵ سالگی که معادف با سال ۱۹۳۳ بود با عضویت در اتحاد جوانان کمونیست فعالیت سیاسی خویش را آغاز کرد. مقام دبیری سازمان جوانان کمونیست را در ۱۷ سالگی کسب نمود. در دوران حکومت فاشیستی هیتلر و جنگ اندازی او بر جهان بدلیل مبارزات ضد فاشیستی سنین ۱۸ تا ۲۰ سالگی را در زندان گذراند. ژنرال آنتونسکو که متحد هیتلر بود با برکناری شاه کارول در سال ۱۹۴۰ در رومانی به حکومت رسید و همزمان با روی کار آمدن او، چاوشسکو با ردیگر به زندان افتاد. و تمام حکومت ۴ ساله آنتونسکو را در زندان بسربرد و این در حالی بود که جنگ سراسر اروپا را فرا گرفته و ژنرال آنتونسکو نیز پس از روی کار آمدن به نفع هیتلر وارد جنگ شده بود. اما با شکست آلمانها توسط شوروی در جبهه های شرقی و سرنگونی حکومت آنتونسکو بدست شاه میخائیل پسر شاه کارول در سال ۱۹۴۴، چاوشسکو نیز از زندان آزاد گشت. پس از این تغییرات، رومانی نیز علیه آلمان اعلان جنگ نمود.

از سال ۱۹۴۵ برای چاوشسکو دور جدیدی آغاز گشت. چاوشسکو پس از نزدیکی ارتش سرخ به دروازه های برلین و همزمان با تحت فشار نظامی قرار دادن حکومت رومانی و روی کار آوردن یک

حکومت چپگرا، به عضویت کمیته مرکزی حزب کمونیست رومانی پذیرفته شد. به این ترتیب حکومت رومانی پس از ۲۳ سال به جمهوری سوسیالیستی تبدیل شد.

سالهای بعد از جنگ جهانی دوم، سالهای رشد چاوشسکو در سلسله مراتب تشکیلات حزبی بود. چاوشسکو در سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۰ - همزمان با تصدی مقامهای حزبی، معاونت وزارت کشاورزی را نیز به عهده گرفت.

در سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۴ معاون فرماندهی نیروهای مسلح بود و در سال ۱۹۵۴ عضو علی البدل دفتر سیاسی حزب کمونیست و در سالهای ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۵ دبیر کمیته مرکزی حزب و از سال ۱۹۶۵ دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست شد و از اینجا است که سالهای قدرت بی رقیب چاوشسکو در رومانی آغاز میگردد و سرانجام از سال ۱۹۷۴ با حفظ عالی ترین مقام حزبی، مقام ریاست جمهوری و رهبری رومانی نیز در اختیار وی قرار می گیرد.

● استقلال چاوشسکو در قبال شوروی

در دهه شصت میلادی رومانی تحت رهبری چاوشسکو مسیر استقلال از حزب کمونیست شوروی را طی نمود. از این زمان است که توجه رهبران غرب به سوی رومانی جلب شد تا حائیکه و به محبوبترین رهبر بلوک شرق در میان دول غربی در طی ۲۰ سال اخیر بدل گشت.

چاوشسکو در سال ۱۹۶۶ پیشنهاد انحلال دو پیمان نظامی ورشو و ناتو را مطرح نمود و در سال ۱۹۶۷ با آلمان غربی بعنوان اولین کشور بلوک شرق رابطه سیاسی برقرار کرد. سال ۱۹۶۸ رومانی تنها عضو پیمان ورشو بود که ورود نیروهای این پیمان را به چکسلواکی محکوم نمود. چاوشسکو همچنین در سال ۱۹۷۹ دخالت شوروی در افغانستان را بعنوان تها و زبه یک کشور مستقل رد نموده و آنرا محکوم کرد.

● چگونگی روابط رومانی با غرب

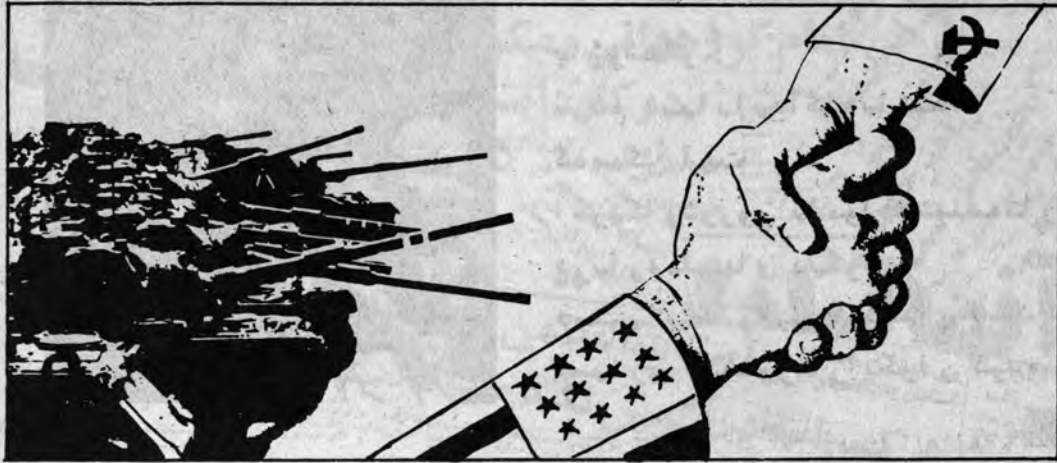
استقلال چاوشسکو در تصمیم گیریهای جهانی از مسکو، نقطه ای بود که موجب جلب توجه غرب می گشت و آنان را وامیداشت تا در پی برقراری روابط بیشتر با رومانی و در نتیجه نفوذ در کشورهای بلوک شرق بر آیند. ملاقات چاوشسکو بعنوان اولین رهبر اروپای شرقی با نیکسون رئیس جمهور وقت آمریکا در واشنگتن برای آمریکائیه بسیار مغتنم بود.

افزایش حجم مبادلات تجاری میان رومانی و کشورهای غربی به رقم بی سابقه یک میلیارد دلار، حفظ روابط با رژیم اسرائیل پس از جنگ ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل بعنوان تنها کشور اروپای شرقی، مخالفت با سیاستهای شوروی در عرصه جهانی طوسی سالهای طولانی جنگ سرد، از چاوشسکو رهبری محبوب در میان دولتهای غربی و بویژه آمریکا در طی دهه ۱۹۷۰ ساخت ولی از اوایل دهه ۱۹۸۰ ورق برگشت و با آغاز تنش زدایی میان شرق و غرب در نیمه دوم دهه هشتاد، دلایل محبوبیت چاوشسکو در میان غربیها به تدریج ضرورت خود را از دست داد و کار به جایی رسید که "حان وایتهد" معاون وزیر خارجه آمریکا در دوره دوم ریاست جمهوری ریگان با حمله شدید به سیاستهای دولت چاوشسکو اعلام کرد:

"رومانی امروز تنها کشور اروپای شرقی است که هیچگونه تمایلی به تغییر وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود ندارد و راه خود را از بقیه کشورهای اروپای شرقی جدا کرده است."

● چاوشسکو و روند تنش زدایی میان شرق و غرب

گفته شد که با آغاز تنش زدایی میان شرق و غرب از جایگاه رومانی در بین کشورهای غربی کاسته شد. از طرفی سیر این تنش زدایی موجبات اختلاف بخارست و مسکو



را هرچه بیشتر فراهم آورد. بطوریکه نیکلای چائوشسکو در سال ۱۹۸۷ طی دیداری با میخائیل گورباچف در مسکو، مخالفت خویش را با اصلاحات او چنین اعلام نمود: "رومانی با انجام اصلاحات در کشورهای سوسیالیست بطوریکه نظام سرمایه داری را در این کشورها مستقر سازد مخالف است".

پس از این دیدار، میخائیل گورباچف در طی سفری به بخارست در سال ۱۹۸۸ در ملاقات با چائوشسکو گفت: طرز فکر جدید باید جای طرز فکر قدیمی و روشهای کهنه شده در امور بین المللی را بگیرد و این طرز فکر جدید آن است که ما بدانیم درد دنیا منافع مشترک کشورهای سوسیالیستی و سرمایه داری... نیز وجود دارد... فقط منافع کشورهای سوسیالیستی در میان نیست، منافع کشورهای سرمایه داری نیز هست و مهم آن است که ما بتوانیم راههای هماهنگ کردن آنها را پیدا کنیم." چائوشسکو این موضع مسکو را نپذیرفته در نوامبر ۱۹۸۹ آشفته گی اروپای شرقی را معلول شکست در اجرای سوسیالیسم و وابستگی کشورهای ضعیف بلوک شرق به قدرتهای خارجی توصیف نموده و گفت: "سوسیالیسم شکست نمیخورد زیرا کنایه گذاشتن سیستم کاپیتالیستی عمده ترین نیاز برای ایجاد یک جامعه عادلانه است." و با موضعی شدیدتر از گذشته علیه شوروی، برای اولین بار خواستار لغو معاهده ۱۹۳۹ شوروی و آلمان نازی و بازپس دادن بخشی از سرزمینهای رومانی که بر اساس این معاهده به روسیه ضمیمه شده بود، گردید.

کنفرانس مالت (۱۱ و ۱۰ آذر ۶۸) نیز موجبات نگرانی چائوشسکو را بیش از پیش فراهم ساخت. وی در مورد این کنفرانس که به گفته گورباچف و بوش، دوا بر قدرت به توافقهای مهمی در مورد مسائل بین المللی دست یافته بودند، گفت: "مردم دنیا باید آگاه باشند که ممکن است آمریکا

و شوروی به موافقتنامه تازهای درباره ملت های دیگر دست یابند و این مسئله ای است که بسیاری از کشورها (از جمله رومانی) را نگران کرده است."

● چائوشسکو برای مقابله با روند تنش زدائی و توافق شرق و غرب چه کرد؟

در نیمه اول ۱۹۸۵ در حالیکه شرق و غرب در پی دستیابی به توافقیهای جدید و تفاهم بیشتر بودند، چائوشسکو که به خوبی متوجه خطرات ناشی از وضعیت جدید بین المللی شده بود، خود را برای مقابله با این توافقیها و تصمیمات برآمده از آن آماده می نمود. راههای مقابله او با این تنش زدائی به قرار زیر بود:

۱- دستیابی به استقلال اقتصادی جهت مقاومت در برابر فشارهای احتمالی

پس از جمع بندی از اوضاع جهانی، نیکلای چائوشسکو برای حفظ موضع مستقل خویش و نیز مقابله با فشارهای احتمالی اقتصادی عمده ترین هدف رومانی را بازپرداخت بدهی خارجی ۲۱ میلیارد دلاری این کشور قرار داد و در طی ۴ سال (۱۹۸۵ تا ۱۹۸۹) موفق شد با یک تلاش نابا و رانه تقریباً تمام بدهیهای خارجی رومانی را بازپرداخت نماید. ناگفته نماند که حاصل این بازپرداخت بدهی، نارضایتی عمومی بود که به علت فشارهای شدید اقتصادی وارده بر مردم بوجود آمد. چائوشسکو برای پرداخت بدهی، بخصوص در ۳ سال اخیر، عرضه کالاهای مواد غذایی و سوخت را برای استفاده های عمومی شدیداً کاهش داد. مردم رومانی ناچار بودند شبها فقط ۲ ساعت از تلویزیون و تنها از یک لامپ ۴۰ ولت برای روشن کردن خانه هایشان، آن هم در بخشی از ساعات شب استفاده کنند. اوقصد داشت که با خلاص شدن از بدهیهای خارجی، حرکت گسترده ای را برای تأمین رفاه عمومی در رومانی آغاز

کند ولی حوادث بگونه ای پیش رفت که نه تنها این فرصت را نیافت بلکه از طرف قاضی دادگاه نظامی ای که او را به اعدام محکوم نمود، متهم شد که ملت را به مرحله ای رسانده است که گرسنه اند و حتی دهقانان به اندازه کافی گندم ندارند.

محصول تلاش ۴ ساله او که منجر به نارضایتی عمومی و از دست دادن نفوذ شخصیتش در بین مردم شد، سرانجام مورد استفاده اعدام کنندگان نش قرار گرفت.

۲- اتحاد کشورهای مستقل سوسیالیستی

یکی دیگر از راههایی که چائوشسکو برای مقابله با تحولات اخیر و حفظ استقلال خود در پیش گرفت، پیشنهاد ایجاد اتحادیه جدیدی بین کشورهای کوبا، کره شمالی، چین و ویتنام برای مقابله با نتایج ناشی از تحولات اخیر اروپای شرقی بود که بی پاسخ ماند.

۳- کنترل ارتش رومانی

چائوشسکو پس از اجلاس مالت نسبت به تحولات ارتش رومانی حساس شد و حتی یکی از فرماندهان عمده آن را برکنار نمود و در حالیکه احساس میکرد اوضاع سیاسی کشور از ثبات کافی برخوردار است، برنامه سفر به تهران را تدارک دید. در حالیکه او درست از این نقطه ضربه نهایی را خورد. چائوشسکو از میزان نفوذ مخالفان در رماندهی ارتش بی اطلاع بود. نفوذ مخالفت در ارتش بطوری بود که اکثر فرماندهان عمده ارتش یا در جناح شورشیان قرار داشتند و یا از ترس به نفع آنان تغییر موضع داده بودند.

● چائوشسکو چگونه سقوط کرد؟

شورش علیه چائوشسکو از شهر تیمی شوارا واقع در نزدیکی مرز مجارستان شروع گشت. شهر تیمی شوارا که شهری مجارنشین



چاوشسکو : مردم دنیا باید آگاه باشند که ممکن است امریکا و شوروی به موافقتنامه‌های در باره ملتهای دیگر دست یابند و این مسئله‌ای است که بسیاری از کشورهای نگران کرده است .

● اعدام نیکلای چاوشسکو

به هر حال پس از یک هفته درگیری در رومانی تلویزیون کشور اعلام کرد چاوشسکو به همراه همسرش اعدام شده است . حکم اعدام آن دو توسط یک دادگاه سری نظامی صادر شد . این دادگاه چاوشسکو را به جنایات عظیم علیه کشور از جمله کشتار ۶۰۰۰۰ نفر غیرنظامی سازماندهی نیروهای مسلح برای مقابله با مردم رومانی ، خرابکاری در اقتصاد و تصمیم به فرار از کشور محکوم کرد . یکی از مقامات رسمی رومانی که در اعدام چاوشسکو شرکت داشت ، میگوید : که هیچیک از آن دو در صدد یوزش خواهی و درخواست بخشش برنیا میند . همچنین چاوشسکو در طول دادگاه رهبری جدید کشور را متهم کرد که با کمک خارجیه‌ها دست به یک کودتا زده است و با تندی خطاب به قاضی گفت : " ملت باید با این گروه خائن به میهن که با کمک نیروهای خارجی یک کودتا را ترتیب داده است مبارزه کند . " در این میان اعدام شتاب زده چاوشسکو برای بسیاری سؤال انگیز شد . رهبران موقت رومانی در گفتگو با تلویزیون فرانسه اظهار داشتند که محاکمه و اعدام شتاب زده چاوشسکو و همسرش بخاطر هراس از دسیسه‌های طرفداران چاوشسکو برای نجات آنان صورت گرفت .

با سقوط چاوشسکو و اعدامش ، رومانی نیز بعنوان آخرین کشور اروپای شرقی به روند اصلاحات آقای گورباچف پیوست و تنها استثنایی که مانع پیشبرد اصلاحات گورباچف در اروپای شرقی وجود داشت نیز از میان برداشته شد . چه مواضع رومانی برای مسکو و اصلاحات جدید قابل تحمل نبود و از طرفی بدلیل ویژگیهای شخصی چاوشسکو و ایجاد شبکه‌های نیرومند پلیسی مخفی در دوران زمانمداری خود که بی چون و چرا از دستورات وی تبعیت میکردند و تا آخرین زبانه و وفادار ماندند ، راه اصلاحات سریع گورباچف در رومانی را برای شورویها میبست و این شده که اصلاحات در رومانی به خون کشیده شد .

رسمی شوروی طی گزارشی در ۲۰/۱۰/۶۸ اعلام می نماید : " اخبار ناخوشایندی که از درگیریهای مسلحانه در پایتخت رومانی رسیده حاکیست گروههای مخالف اصلاحات (منظور وفاداران به چاوشسکوست) ایستگاه رادیو و تلویزیون را که اعضای شورای نجات ملی رومانی در آنجا هستند ، مورد حمله قرار داده اند و در نتیجه حملات آنها جان اتباع شوروی به مخاطره افتاده است . شوروی نمیتواند نسبت به سرنوشت اتباع خود بی تفاوت باشد . "

از طرفی امریکا و فرانسه حمایت خود را از دخالت نظامی شوروی در رومانی اعلام نموده و وزیر خارجه بریتانیا نیز اعلام کرد : " دست زدن به هر اقدام جمعی از سوی اعضای پیمان ورشو بسیار دشوار خواهد بود ولی در صورتی که چنین اقدامی انجام شود بریتانیا دلایل آنرا درک میکند . فرانسه نیز آمادگی خود را حتی برای انجام دخالت نظامی به سود مخالفان چاوشسکو در صورت درخواست جبهه نجات ملی رومانی اعلام مینماید .

این حمایتها و فرستادن هدایا و وسایل و تدارکات فراوان پزشکی به منظور کمک به جبهه نجات ملی نشاندهنده منافع مشترک شرق و غرب در سقوط دولت چاوشسکو بوده است . موضوع دیگری که احتمال هدايت خارجیان را در این شورش مطرح می نماید اعلام رهبری " ژنرال میلیتارو " افسرناشناس تعلیم یافته در شوروی توسط رادیو و تلویزیون رومانی است ، که پس از مدتی " گورنلیوما نسکو " وزیر خارجه سابق رومانی بعنوان رهبر قیام علیه چاوشسکو معرفی میشود ، بدون آنکه نامی از " میلیتارو " برده شود . همچنین پس از پیروزی جبهه نجات ملی " انتخاب " پتر رومان " برای پست نخست وزیری نیز حکایت از این موضوع دارد . چه پتر رومان در دهه پنجاه ضمن تحصیل پزشکی در مسکو ، همکلاسی و دوست میخائیل گورباچف رهبر شوروی بوده و یک عنصر ناشناخته در عالم سیاست می باشد .

است ، طبق اعلام خبرگزاریهای غربی در شب ۲۵ آذر ۱۳۶۷ حدود ۱۲ هزار کشته دادگشته جنازه‌ها زنده بگور شدند . البته این تنها خبر واصله از این حادثه نبود . تاکنون آثار کشته شدگان بارها تغییر پیدا نموده است و حتی بعدها این آثار مبالغه آمیز توصیف شد . ولی آنچه حائز اهمیت است ، نقش موثر تیمی شوارادر شروع آشوب رومانی می باشد .

دستور تیراندازی بطرف مردم در تیمی شوارا توسط ژنرال " واسیله میلهآ " وزیر دفاع رومانی صادر گشت . بنظر میرسد که این دستور در راستای انجام شبه کودتا صادر شده است . چاوشسکو نیز با پی بردن به این موضوع ، دستور قتل " میلهآ " را به اتهام خیانت صادر نمود . ولی رادیو بخارست اعلام کرد که او خودکشی کرده است . انتشار خبر کشتار در تیمی شوارا بدنبال خود ، خبر شورش مردمی با حمایت ارتش رومانی را نیز به همراه آورد . اولین و مهمترین قسمتی که بدست شورشیان و ارتش رومانی افتاد ، مرکز رادیو و تلویزیون بخارست بود . تسخیر این مراکز به گفته منابع موثق با برنامهای پیش تدارک دیده شده توسط عناصر نفوذی شوروی در ساختمان رادیو و تلویزیون ممکن گردید . این دومرکز سریعاً " در اختیار نیروهای جبهه نجات ملی قرار گرفت .

پس از این واقعه نیروهای وفادار به چاوشسکو در طول حدود ۳۰ ساعت نبرد خیابانی با شورشیان موفق شدند خود را به اطراف ساختمان رادیو و تلویزیون و فرودگاه برسانند . با تحت فشار قرار گرفتن این مراکز توسط نیروهای وفادار به چاوشسکو و نیز موفقیت‌های دیگر این گروه شوروی بطور علنی به موضعگیری پرداخته و احتمال ورود نیروهای پیمان ورشو به بخارست مطرح میشود و این امر هدايت شورشیان را توسط خارجیه‌ها مشخص می نماید . در این زمینه تاسخ خبرگزاری

بنیوج اصل ۳۰ قانون اساسی در صورت رعایت اساس جمهوری اسلامی

بنی صدر: اگر ما به ملز کیفیت های ایران آزادی ندهیم چطور از شوروی و چین بخواهیم که به مسلمانان آزادی

انداخت

ایران علیه آمریکا به شورای امنیت شکایت می کند
فصل دوم: نفت ایران تا هفته دیگر روی امریکایی ها تأثیر می گذارد
۴ دانشگاه آمله پذیرش دانشجویان اخراجی از امریکا شدند

امام: گروه هایی ممکن است در کار دانشگاه ها و مدارس لال کنند
استاد: این ها از خود را می بیند
اراضی پیش از خود را می بیند
استاد: این ها از خود را می بیند



تشکیل احزاب

و عصر در آنجا آید
آیت الله العظمی شریعتمداری: انتقاد را گوش نکند ضد انقلاب است
در دیدار با نمایندگان استاندان دانشگاه های ایران

مهاجمان مسلح عراقی پاسگاه "بزمیرآباد" را تصرف کردند.
از طرف مقامات عراقی، نماینده امام در غرب کشور برای مذاکره به بغداد دعوت شد.
دکتر یزدی: عراق، مصر و مراکش علیه انقلاب ایران هماهنگ شده اند.
کیهان ۵۸/۹/۱۵

وردا سبوی پیمان: در زمین مبارزه با امپریالیزم در قانون برای فلسطین کمک الهی بود.
اساسی نقصی دیده نمی شود منتی - موشه دایان: فرودگاه های بایستی شرایط آنرا هم در عمل اسرائیل علیه ایران در اختیار پیاده کنیم.
کیهان ۵۸/۹/۵
معین فر:
وزیر نفت: کشورهای دشمن تخمینی آمریکا و اسرائیل را سرکوب ایران با تحریم نفتی روبرو خواهد میکند.
ایران با تحریم نفتی روبرو خواهند گواهند شد.
بنی صدر: محاصره اقتصادی شانس برای ملت ما است.

انچه از این پس می آید گزیده های از تیتراها و عنوان های روزنامه کیهان در ده سال پیش می باشد.
تیتراها الزاما "نشان دهنده محتوای مطلب نیست و برای تحقیق بیشتر می توان به روزنامه های آن تاریخ مراجعه کرد.
سعی بر آن شده است که عنوان های برگزیده شده جنبه استراتژیک داشته باشد.
کیهان ۵۸/۹/۱

سفارت آمریکا، مرکز فرهنگی آمریکان اکسپرس، بانک آمریکا، کنسولگری و بیمه آمریکا در اسلام آباد را ولپندی، کراچی و لاهور به آتش کشیده شد.
مدیران ۶۰۰ شرکت خارجی از ایران رفتند.
در پی تظاهرات علیه حکومت بعثی صدام حسین، عراق، اخراج ایرانیان را آغاز کرد.

مهندس بازرگان طی سخنانی در یادگان لویزان: در اسلام تصمیم با اولی الامر است.
کیهان ۵۸/۹/۱۷
موشه دایان در نطقی گفت: به پرستیژ آمریکا ضربه خورده است.
دکتر بهشتی: مشکل سفارت با بدبصورت صلح میزبانان یابد ولی با احترام به حقوق مردم ایران - اولین گروه داوطلبان ایرانی امروز با فردا از جنوب لبنان میشوند.
عرفات: اجازه نمیدهیم از هیچ سرزمینی به ایران حمله شود.
کیهان ۵۸/۹/۱۹

آیت الله العظمی شریعتمداری: منتظری در نماز جمعه: ملت ایران ضامن پیاده کردن قانون اساسی هستند این قانون اساسی که تنظیم شده من نمیگویم وحی منزل شایسته تر از این هم میشد.
هر کس آمد با دمجان دورقات چین شد هم پست دارد هم پول.
دکتر میناچی: یک طلبه ای که در حوزه درس خوانده به مراتب بیشتر از ما حقوقدانها مطلع است اگر به امام معتقدیم باید به قانون اساسی رای مثبت دهیم.
دکتر باهنر: شورای نگهبان نه مجلس سنا است و نه حق و توفار د بلکه صرفا عهده داری که رتخصی می باشد.
کیهان ۵۸/۹/۱۲

اشغال مسجد الحرام بپا کشته شدن عده ای خاتمه یافت.
دکتر ممکن معاون وزارت ارشاد ملی: ۶۰۰ نشریه تقاضای امتیاز کردند.
کیهان ۵۸/۹/۶
والدهایم: بحران روابط ایران و آمریکا از نظربین المللی از زمان بحران موشکی کوبا تا به حال بی سابقه است.
آیت الله العظمی شریعتمداری: گلزاده غفوری در مصاحبه با کیهان: مردم برای قانون نیستند بلکه قانون برای مردمست - قاسم سلو: کم لطفی ما برای ما خیلی بهتر از لطف بیگانگان است.
کیهان ۵۸/۹/۷

در پی تظاهرات علیه حکومت بعثی صدام حسین، عراق، اخراج ایرانیان را آغاز کرد.
کیهان - شنبه ۵۸/۹/۳
بازرگان: به قانون اساسی رای مثبت بدهید.
مجاهدین خلق تحت فرماندهی عالی امام خمینی خواستار حفاظت از مراکز مهم شدند.
۴۰۰ آمریکا بیایا پاکستان گریختند.
حمایت ۱۶ نهضت از ادب بخش جهان از اقدامات ضد امپریالیست ایران.
دکتر میناچی وزیر ارشاد ملی اعلام کرد: اسناد مرکز ساواک و سفارت آمریکا اسرار مهمی را فاش خواهد کرد.

گفتگوی مهم و اختصاصی مردم نیرومند ویتنام، در کیهان امروز "ژنرال جیا پ" از انقلاب ایران سخن میگوید: آمریکا دشمن بزرگ همه انقلابیون جهان است ایران هنوز به اهمیت انقلاب خود خوبی پی نبرده است امام خمینی شخصیتی استثنایی است.
قرائت نامه میراشرافی به ارتش دینوری در دادگاه انقلاب اصفهان: مصدق کمیته ضد سلطنت تشکیل داده بود.
از سوی امام دکتر یزدی

روز پیش از انهدام سفارت آمریکا در پاکستان، مردم لیبی به حمایت از انقلاب ایران سفارت آمریکا را به آتش کشیدند.
کیهان ۵۸/۹/۱۳
شوقیف یک میلیاردر فرانک سرمایه ایران در فرانسه.

حجت الاسلام رفسنجانی: توافق با جناح عزالدین حسینی و دمکراتها بحران کردستان را پایان میدهد.
معین فروزیر نفت: کشورها فقیر، نفت ارزان از ایران خوا - ندر خرید.

پیام تاریخی امام به کنگره جهانی حج

امام: زیر بار ظلم

خدمت باز نشته می شوند

خبر و رویداد

علیه جهانخواران و با خیرا کشور را شور باید اداره کند

کیهان ۱۴ خرداد ۱۳۵۸ - شماره ۱۰۸۲۲

آیت الله منتظری در خطبه نماز جمعه گفت:

امام، دستور تشکیل شوراها را در پاریس داد

موان کشورهای عرب اگر راست میگویند علیه غدا سرطانی آمریکا و سپاه نمرشی اسرائیل

ما مور رسیدگی به شکایات شهرستانها شد.

کیهان ۵۸/۹/۲۲

رئیس دادگاه انقلاب اصفهان: یک مقام عالیرتبه، دادستان انقلاب اصفهان را به خاطر میرا شرافتی تهدید کرد. - ونس: امکان دخالت نظامی آمریکا در ایران منفی نیست. - پروفیسور الکاز استاد دانشگاه کالیفرنیا: شکست آمریکا در ایران بدتر از شکست در ویتنام بود. - طاهرا حمدزاده در مصاحبه با کیهان: حمله نظامی آمریکا برای ما نعمتی نخواهد بود. تصمیمهای انقلابی، یک مرکزیت منسجم و احمیخواه در حرکت دانش - حویان خط امام در جهت قطع مناسبات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است.

- حمله نیروهای عراق به مرزهای ایران، عراق به نقل و انتقالات نظامی در مرز ایران دست زده است.

کیهان ۵۸/۹/۲۷

- دکتر مفتی ترور شد.

کیهان ۵۸/۹/۲۸

- در شورای انقلاب قطع رابطه سیاسی ایران و عراق بررسی شد قطب زاده: مدارک مربوط به دخالتهای نا روای عراق در امور ایران دیشب تسلیم شورای انقلاب شد.

- با تحکیم مواضع نظامی در خلیج فارس، آمریکا در مورد محاصره

کمه گروگانها به ایران هشدار داد.

- مجاهدین خلق: به خاطر داشتن چنین یاسداران رزمنده و انقلابی به اما خمینی تهنیت میگوییم.

- از امام استدعا میکنیم مسئولیت ریاست جمهوری را قبول کنند.

کیهان ۵۸/۹/۲۹

- دکتر پیمان: لیرا لیس، محورات اتحاد تمام نیروهای ضد انقلاب است.

کیهان ۵۸/۱۰/۱

- دکتر حبیبی سخنگوی شورای انقلاب: سعی میکنیم رابطه با عراق را حفظ کنیم.

کیهان ۵۸/۱۰/۵

- دکتر باهنر: کلیه مدارس خصوصی سال آینده دولتی خواهد شد.

کیهان ۵۸/۱۰/۶

- بنی صدر: وحدت ملی، بازسازی اقتصاد، امنیت و معنویت مهمترین برنامههای من خواهد بود.

کیهان ۵۸/۱۰/۹

امام: روحانیون نباید رئیس جمهور شوند. درباره رئیس

بحث سیاسی در کلاس ممنوع و در مدرسه آزاد است

جمعوریشنها دگردننده روحانی با شد من گفتم نه. روحانی باید نقش داشته باشد و خودش رئیس جمهور نشود.

کیهان ۵۸/۱۰/۱۲

- هانی الحسن: امام بیش از فلسطینیها نسبت به فلسطین احساس مسئولیت میکند.

کیهان ۵۸/۱۰/۱۷

- فرمانده ژاندارمری کرمانشاه: ۳۵ مهاجم در مرز ایران و عراق کشته شدند.

- مسئول سپاه پاسداران قصر شیرین: نیروهای عراقی مستقیما به خاک ایران حمله کردند.

کیهان ۵۸/۱۰/۲۰

- دردیدار: نمایندگان انجمنهای آزاد سخنش، امام: با یک روز استفاده از سلاحان ابر- قدرتها مطیع میشوند.

کیهان ۵۸/۱۰/۲۳

- هانی الحسن: تنها امام خمینی میتواند در امور داخلی فلسطین دخالت کند.

- سخنان امام در دیدار با دانشجویان مسلمان بیروخط امام: میخواهند در دنیا و نمود کنند که آزادی برای مردم ایران زود است.

کیهان ۵۸/۱۰/۲۶

میان

سیاست اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی برای نیل به جامعه بی طبقه و تجدیدی

کیهان ۵۸/۱۰/۲۴ - طرح دکتر سامی برای باز- گشت به دهات: کشور ما ۴۳ میلیون هکتار زمین آما ده کشت و ۳۰۰ روز آفتاب در سال دارد که عوامل استقلال کشا ورزی یک مملکتند باید از امکانات ارتش، ضمنا برای بالابردن تولید در صنایع و کشا ورزی استفاده کرد.

کیهان ۵۸/۱۰/۲۵

- مسئول سپاه پاسداران قصر شیرین: ۶ هوا رنفر در عراق برای احاد شوب در ایران تعلیم می- بینند.

- دکتر توانایان فرد در حاحبه با کیهان: تکنولوژی امروز که تبلور کار انسانهای ناشناخته و در نتیجه مجهول المالک است، باید به مالکیت الله، یعنی مالکیت فقهای بی در بیاید که این فقها دولت نباشند.

کیهان ۵۸/۱۰/۲۶

- حجت الاسلام مجد، سرپرست ستاد بسیج ملی: ۸۰ درصد کارمندان دولت باید به "جهاد سازندگی" منتقل شوند.

کیهان ۵۸/۱۰/۲۹

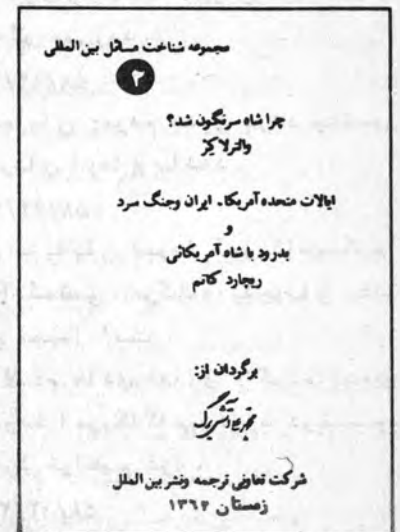
- ۴۸ ساعت درگیری مسلحانه در مرز ایران و عراق. - دکتر مکرری سفير ایران در مسکو در مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد: در صورت اشغال چاههای نفت بوسیله آمریکا، آنها را منفجر می کنیم.



ایالات متحده، ایران و جنگ سرد

نوشته: ریچارد کاتم
والتر لاکر

مترجم: محمد علی آتش بزرگ
ناشر: نشر بین الملل



از آنجا که کتاب فوق‌حالی مطالب استراتژیک مهمی در رابطه با انقلاب اسلامی است بر آن شدیم تا با ارائه جوهره و روح مطالب کتاب، گامی در جهت ارتقاء توان استراتژیک مردم مسلمان ایران برداریم. کتاب فوق شامل سه مقاله است که محور اصلی آنها ریشه یابی علل سقوط شاه می باشد.

● چرا شاه سرنگون شد

در مقاله ای تحت عنوان چرا شاه سرنگون شد، والتر لاکر، علل سقوط شاه را چنین بیان میکند:

۱- عدم توانایی شاه در جذب افکار عمومی و کسب پایگاه مردمی.

۲- عدم تناسب نظام قرون وسطایی شاهنشاهی با مقتضیات زمان.

۳- حرکت شاه بسوی ارزشهای غرب و بسیج روحانیون علیه او. بسیج بازاریان به خاطر ضربه خوردن منافع ایشان در سیر حمایت دولت از صنایع وابسته و فروشگاههای زنجیرهای گسترش رشوه خواری و فساد اداری.

لاکرهاز بین این عوامل عامل اول یعنی عدم مشروعیت ملی شاه را علت اصلی سقوط شاه و بقیه را تابعی از این علت می داند. او شاه را به "بومدین" و "گاسترو" مقایسه کرده و چنین نتیجه می گیرد که این دو رهبر با اینکه در اتخاذ شیوه های سرکوب از شاه نیز قاطعتر بوده اند اما توانسته اند با جذب افکار عمومی و کسب مشروعیت ملی عنوان "مردم‌محوب" مردم را برای خود کسب کنند.

لاکرها اشاره به درآمد سرشار نفت می افزاید: شاه که از درآمد بادآورده نفت گیج شده بود از درک مشکلات کشور، در جذب ثروت تازه عاجز ماند. از همه مهمتر هنوز شاه و اطرافیان نتوانسته بودند بفهمند که نظام کهنه و منسوخ پادشاهی، دیگر برای تأمین مشروعیت رژیم کارایی ندارد.

لاکرها اعتقاد دارد که شاه بایستی از فرصتی که درآمد نفت نصیبش کرد بجای برنامه

های جاه طلبانه توسعه و گسترش رفاه، در جهت اصلاح نظام سیاسی کشور و کسب مشروعیت برای رژیم استفاده میکرد.

● ایالات متحده، ایران و جنگ سرد

دومین مقاله به قلم ریچارد کاتم (استاد دانشگاه پیتز-بورگ آمریکا) می باشد. او ایران را یکی از کانون های اصلی جنگ سرد میان آمریکا و شوروی به حساب می آورد و بهمین جهت مداخلات آمریکا در تحولات ایران را بیش از حد معمول توصیف می کند. بنظر او علت اصلی مداخلات آمریکا، ترس از تهاجم شوروی و گسترش کمونیسم بوده است نه نفت و منابع اقتصادی ایران.

کاتم در رابطه با حفظ امنیت ایران در مقابل کمونیسم داخلی به معرفی سه عنصر که آنان را لازمه هر خط مشی کنترل بشمار می آورد می پردازد:

۱- جذب فرهنگی

۲- اصالت سود

۳- جزورمداری و سرکوب توضیحا باید گفت که از نظر کاتم آمریکایی هر مدل و خط مشی کنترل جامعه باید شامل ارزشهای فرهنگی جذاب باشد و در کنار آن برنامه هایی برای تأمین سود و رفاه افراد و طبقات اجتماعی فراهم آورد و ابزار لازم برای سرکوب مخالفان را نیز در دست داشته باشد.

در قسمت بعد سه خط مشی کنترل در مورد ایران را چنین طرح می کند:

۱- اتکاء به نخبگان مخالف

۲- اتکاء به نخبگان سنتی و پادشاهی.

۳- ترکیبی از هر دو.

۱- اتکاء به نخبگان مخالف

اتکاء اصلی این خط مشی بر

نخبگان مخالف قرار دارد. این افراد استقلال طلبند و حامی دگرگونی اجتماعی-اقتصادی ایران می باشند و با وجود اینکه حامی کمونیسم نیستند مورد بی اعتمادی عمیق غرب قرار دارند. کاتم از مصدق بعنوان سمبل این جریان نام می برد. او نقطه قوت این خط مشی را عدم رویارویی آمریکا با گرایشها و جریانهای تاریخی نیرومند و مرفعی ذکر می کند. اما از سوی دیگر این خط مشی را مدل مناسبی برای ثبات و امنیت نمی داند.

۲- اتکاء به نخبگان سنتی منظور از نخبگان سنتی افرادی هستند که قدرت مسلط بر جامعه را در دست داشته و دارند. این جریان وفاداری خود را به آمریکا و غرب ثابت کرده و ضد کمونیست نیستند. می باشد اما از آنجا که در بین مردم پایگاه ندارد ابزاری جز زور برای کنترل مردم در دست نداشته و بهمین دلیل در درازمدت فاقد ثبات می باشد.

۳- ترکیبی از هر دو این خط مشی بینابین دو خط مشی اول و دوم است. به این صورت که یک بخش از نخبگان سنتی، قدرت را حفظ می کنند اما به سرعت عناصر مهم نخبگان مخالف را جذب نموده و با خود همدم می سازند و همزمان عناصری از طبقه نخبه سنتی را کنار می گذارند. این روش کنترل در ابتدا، ضرورتاً زور مدارانه خواهد بود اما با حد اکثر سرعت ممکن به روشهای اصالت سود تبدیل خواهد شد.

کاتم اضافه می کند که با توجه به روحیه انقلابی ایرانیان، در دوران جنگ سرد، فقط عناصر پیشرو نخبگان انقلابی میتوانند بدون توسل به

راه حلهای زور مدارانه حکومت نمایند.

در این مدل بخش نخبگان سنتیای که بر اریکه قدرت با باقی می مانند، ضرورتاً و در درجه اول شامل کسانی می شود که در نیروهای امنیتی دارای مقامهای حساس هستند. از سوی دیگر بوسیله جاذبه های حقوق و مقام، افراد بسیار واجد شرایط نخبگان مخالف جذب دستگاههای اداری، عمومی و نیروهای امنیتی، خصوصاً خواهند شد. در ابتدا چون هنوز به نخبگان سنتی اتکا می شود باید ارزشها و فرهنگ این طبقه را اشاعه داد اما به تدریج که عناصر مخالف نخبگان مخالف جذب و همکار دستگاه می شوند بایستی ارزشهای سنتی بسوی ارزشهای قابل قبول برای عنصر مخالف دگرگون شوند بدین ترتیب رفته رفته نقطه اتکاء سیستم از نخبگان سنتی بسوی نخبگان انقلابی جابجا خواهد شد تا جاییکه میتوان نخبگان سنتی را حذف کرد و

برنامه های تازه تری را برای کنترل جامعه به اجرا گذاشت. بدین ترتیب سیستم کنترل از شیوه "سرکوب" به "صالت سود و جذب فرهنگی" تبدیل خواهد شد. این سیستم میتواند ثبات پایداری را در درازمدت فراهم آورد.

کاتم اعتقاد دارد که شاه در سالهای ۱۹۶۰ با اجرای انقلاب سفید قصد داشت از از الیگارشی سنتی (بانندی که ابزارهای اقتصادی جامعه را در دست دارد) فاصله گرفته و بسوی جذب طبقات پائین و متوسط جامعه حرکت کند. اما از آنجا که برنامه توسعه شاه متناسب با نیازهای جامعه ایران نبود و از سوی دیگر خلعت دیکتاتوری شاه به او اجازه سهم کردن دیگران در قدرت و انجام اصلاحات سیاسی را نمی داد، عملاً خط مشی او با شکست مواجه شد.

از طرف دیگر دخالت آمریکا در سرنگونی مصدق و روی کار آوردن رژیم شاه و پس از آن

حمایت بی چون و چرای آمریکا از این رژیم، جمع بندی وابستگی رژیم شاه به آمریکا و متعاقب آن عدم مشروعیت رژیم را در ذهن مردم ایران جا انداخت. کاتم این دو عامل یعنی شکست شاه در اصلاحات اقتصادی - سیاسی و عدم مشروعیت رژیم را علل اصلی شکست شاه بیان می کند.

● **بدرودبشاه آمریکا**

در مقاله سوم تحت عنوان بدرودبشاه آمریکا کاتم ابتدا "به این نکته اعتراف می کند که آمریکا نسبت به تاریخ ایران و پیرویه شکل گیری انقلاب اسلامی دچار جهل و بی خبری بوده است. او پایگاه گسترده امام خمینی در میان طبقات مختلف شهری و روستایی را عامل اصلی پایداری انقلاب اسلامی بشمار می آورد. کاتم شاه را بخاطر عدم انعطاف در مقابل روحیه انقلابی و ملی گرایان ایرانیان و وابسته کردن آشکار رژیمش به آمریکا مورد سرزنش قرار می دهد.

در قسمت بعدا و به طرح این مسئله می پردازد که آمریکا تا پایان سال ۱۹۷۸ (۱۳۵۶) در برابر انقلاب اسلامی دو خط مشی را میتوانست برگزیند:

- ۱ - حمایت کامل از شاه حتی به قیمت یک کودتا نظامی و کشته شدن شمار بسیاری از مردم یا توجه به آینده نه چندان روشن آن
- ۲ - مورد بررسی قرار دادن امکان برقراری یک جمهوری اسلامی که در آن آیتا... خمینی مشروعیت را به نخست وزیر و هیات وزیران تعویض کند و این رژیم علاقمند به ایجاد روابط تجاری نیرومند با آمریکا، اروپا و ژاپن باشد.

جمع بندی او در انتها این است که ما باید از انقلاب ایران این درس را فراگیریم که دردنیای سوم هر رژیمی که از دیدگاه مردم مخلوق یا وابسته به آمریکا تلقی شود از بنیاد دست و شکننده خواهد بود و آمریکا باید قبل از وقوع انفجار در این کشورها استراتژی عدم دخالت "آشکار" را در پیش گیرد.



به کوشش برادر مرتضی فیهی دو جلد از مجموعه "فرهنگ جبهه" منتشر شده است. این دو جلد تحت عنوان "اصطلاحات و تعبیرات" و "تابلو نوشته ها" می باشد.

فرهنگ جبهه فرهنگی عظیم و عمیق می باشد که در طول ۷ سال دفاع مقدس شکل گرفت و از محتوای عمیقی برخوردار است.

گام برداشتن در راه تدوین - فرهنگ جبهه عملی بسیار پیم ارزش و مشکل می باشد که امیدوار آقای فیهی در انجام آن موفق باشند. شنیده ایم که جلد دوم اصطلاحات و تعبیرات و جلد اول شوخ طبعی ها در دست انتشار می باشد.

کتاب فرهنگ جبهه حاوی دستاوردهای غیر رسمی و غیر آموزشی جبهه ها است که تبلور افکار و عقاید و باورها و آرزوهای رزمندگان می باشد.

از آنجا که این اصطلاحات و تعبیرات و نوشته ها یادگار مقدس سالیان دراز مقابله و ایثار و از خود گذشتگی رزمندگان است حفظ و تقویت و توسعه آن و انتقال آن برای آگاهی و بصیرت نسل آینده و وظیفه هر مسلمان انقلابی است.

این فرهنگ در سه عرصه گفتاری - نوشتاری - رفتاری است. گفتاری شامل اصطلاحات، شعارها و رجزها، دعا و نیایش شوخ طبعی ها، امثال و حکم است در عرصه نوشتاری شامل نامه ها و صیغه نامه ها، خاطره نوشته ها یادداشت های روزانه و تابلو نوشته ها می باشد که مجموعه ای است از لباس و سرپند نوشته، پرچم، پلاکارد، بوم، تراکت و وسایل نقلیه و سنگر و سکوی که عبارت و کلمات بر سینه آنها نقش بسته است.

در عرصه فرهنگ رفتاری عادات و عبادات، تفریحات و تفننات، آداب معاشرت، امداد های غیبی رویاهای صادقه اوقات فراغت و امثال اینها را می توان یاد کرد.

● **برخی اصطلاحات و تعبیرات**

که از کتاب انتخاب شده است

اصطلاحات معنی

دکور: خاورپرز د کوفتار

دکور صلح و امنیت

رحمت الهی: ترکش

سازمان مسکن جبهه: جهادگران

سگ رایج بلاد اسلامی: صلوات

شب دیدار مهدی: شب حمله

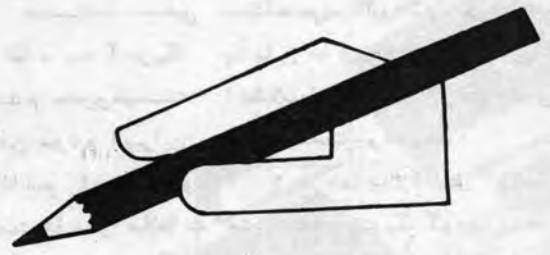
مال پرو: مار پرو نوعی سیگار

کنایه از آتش زدن به مال است

امربه معروف غیر صریح

وجعلنا یارت نره: خود را به خدا بسپار و با قرائت این آیه نفست را بیمه کن و از فکر دشمن در امان باش آیه وجعلنا من بین ید بهم سدا و من خلفهم

بقیه در صفحه ۵۴



پاسخ به خوانندگان

● اختلاف با رجوی

س- من شنیده‌ام که شما در زندان آریا مهر با رجوی اختلاف پیدا کرده و از آنها جدا شده‌اید. سؤال من اینست که شما کس می‌گوئید باید در مورد اختلافات فکری با سعه صدر برخورد کرد و آنها را عمده نکرد چرا داخل همان جریان شما نتوانستید اختلافات فکری را حل کنید؟ آنها چه می‌گفتند و شما چه؟

ج- ابتدای امر اختلاف بر سر مسائل ایدئولوژیک درون سازمان بود. در ریشه‌یابی ضربه ۵۴ مجاهدین و پاکسازی آن ما اصالت را به درون داده و معتقد بودیم که در آموزشهای سازمان زمینه‌ها و نارسائیهایی وجود داشته است که شخص رهبری طلبی مثل شهوم با استفاده از آنها توانسته بسیاری عناصر صادق را جذب و تدریجاً "منحرف گرداند". اگر در آموزشهای درونی ضعفی نبود و انسجام مکتبی کاملی وجود داشت، غرور و رهبری طلبی شهرام یا جهت پیدا کرده و اصلاح میشد و یا اینکه از سازمان طرد می‌گردید و نمی‌توانست در بین اعضا جریان بسازد و خود را موجه جلوه بدهد.

لذا اصلی‌ترین کار برای جلوگیری از انحراف مجدد در پاکسازی همان نارسائیهای درونی دانستیم.

رجوی در ریشه‌یابی ضربه حدود ۱۰ عامل را ذکر کرده بود، ولی به عوامل درونی و نارسائیهای آموزشی اصالت و بهای اساسی نمی‌داد و آنرا یک ضعف در کنار بقیه عوامل ذکر میکرد. در عمل هم این مسئله به فراموشی سپرده شد. چنین توجیه کردند که اگر بگوئیم ضعفهای درونی داریم مرتجعین راست سوء استفاده می‌کنند و سازمان زیر سؤال می‌رود. درحالیکه این ضعفها که یک واقعیت بود، مستقل از ذهن ما و ذهن راست و چپ اثرات خود را گذاشته بود.

پدیده‌ای که ۹۰٪ کادرهای صادق تغییر ایدئولوژی داده بودند، پروسه اعتماد به سازمان را سلب کرده بود و ریشه‌یابی عمیقی

هم لازم داشت.

رجوی بجای حل ضعفهای درونی و نارسائیهای فکری مطرح کرد که بایستی از نظر تشکیلاتی و تمرکز و وحدت رهبری خود را قویتر کنیم. حما رهای تشکیلاتی را محکم و ضوابط آهنین برقرار نمائیم. اطاعت تشکیلاتی و روابط بالابه‌پایین را خیلی شدید و کورکورانه به اجرا درآوردند. تاحدی که نماینده‌اش در زندان قصر آقای سعادت بیانی به داد که برای حفظ وحدت تشکیلاتی افراد غیر مرکزیت و رهبری بایستی مسائل را خودشان تحلیل و تدبیر کنند، بلکه نظر مرکزیت را هر چه هست تبعیت نمایند. که مخالف اصول اولیه سازمان بود. سازمان می‌گفت وحدت ایدئولوژیک استراتژیک سازمانی. ولی آنها بعکس وحدت سازمانی را مقدم بر وحدت ایدئولوژیک استراتژیک قرار دادند.

در مورد ما هم وقتی انتقادات ایدئولوژیک استراتژیک را مطرح می‌کردیم، بدون اینکه به درست یا غلط بودن آن توجه نمایند می‌گفتند: اساساً کسی غیر از مرکزیت و شخص رهبری صلاحیت اظهار نظر در این مسائل را ندارد. شما مثل مریض هستید و رجوی پزشک، او نسخه می‌نویسد و شما باید به آن عمل کنید.

ما می‌گفتیم اصول تقلید بردار نیست و هر کسی حق اظهار نظر، سؤال و انتقاد دارد و این مسئله نافی وحدت نیست.

مثلاً مطرح کردیم نقش خدا، وحی و قرآن و امام زمان (ع) در عملکرد و خط مشی ما چیست؟ چرا که علت ضربه هم نداشتن پاسخ کافی به این مسئله بود. یا می‌گفتیم شما اصلی‌ترین محرک انسان را انگیزه اقتصادی می‌دانید در حالی که ویژگی اصلی انسان بی‌نهایت طلبی، عدل طلبی اوست و در آموزشهای اولیه هم اشاره‌ای به این مطلب هست (کتاب شناخت) چرا در اصول اسلامی سازمان تجدیدنظر شده است؟ تنها جواب آنها این

بود که رجوی بهتر می‌فهمد یا شما؟ اگر او بهتر می‌فهمد پس اطاعت کنید و اگر خودتان می‌فهمید معلوم می‌شود شما رهبری طلب هستید، باین ترتیب هر انتقادی را سرکوب می‌کردند. منطق آنها اطاعت بدون قید و شرط بود.

ما می‌گفتیم در اسلام اطاعت در کسب اصول جایز است و لایق (اطاعت مخلوق فی معصية الخالق - اطاعت از مخلوق اعم از هر کس است) در موارد خلاف فرمان خدا جایز نیست (آنها می‌گفتند همین اصول و همین فرمان خدا را هم توده‌ها و اعضا تشخیص نمی‌دهند و اینها در انحصار مرکزیت و رهبری سازمان است).

آنها اصول و محکومات را مستقل از ذهن و منطق بر فطرت انسانها نمی‌دانستند بلکه آنها را تراوش شده از ذهن رجوی می‌دانستند و این را رسماً اعلام می‌کردند این یک ایده آل سیستم سیستماتیک بود که منشأ دیکتاتوری و کبر و خودمحوری میشود. وقتی حقیقت مشروط به ذهن ما شود دیگر تسلیم به حق و حق طلبی مفهوم ندارد.

رهبرعامل به ذهنیات و تصورات خودش است و توده‌ها تابع ذهنیات او. این بود که نتوانستیم در درون سازمان برخورد کنیم این قضیه رشته‌درازی دارد این خلاصه ما جرابود.

پس از آزادی از زندان و قبل از پیروزی انقلاب محمد حیاتی به مهندس میثمی در ملاقاتی گفته بود شما مدعی هستید که در زمینه ایدئولوژی نظریات نوینی آورده‌ای یعنی که تور رهبری و مسعودنه. میثمی در جواب گفته بود من بهیچ وجه ادعای رهبری ندارم بلکه در ریشه‌یابی ضربه ۵۴ به دستاوردهای رسیده‌ایم و آنچه می‌خواهیم اینست که با این دستاوردها برخورد شود، که آنها مخالف برخورد بودند و تلقی جایز رهبری داشتند.

در زندان قصر در برخوردی که میثمی با سعادت و ابریشم چسبی داشت پیش‌بینی کرد اگر به اصلاحات تن ندهید در بستر بورژوازی قرار خواهید گرفت و آینده‌ای هولناک تراز ضربه ۵۴ و درمذاری بزرگتر در پیش خواهید داشت. بنظر ما اگر در آن موقع بجای انگ زدن و حذف و طرد و بایکوت برخورد درست می‌کردند حالا واژه صدام رجوی مصداق پیدا نمی‌کرد. حالا طوری شده که مردم پروسه مجاهدین را در بستر صدام بررسی میکنند و برایشان موضوعیت مستقلی قائل نیستند. برای روشن شدن بیشتر مطلب به نشریه شماره ۳۲ سرمقاله "سیر افول اخلاقی یک

مجاهد" می توانید مراجعه کنید.

● مسئله مرجعیت

س- حتماً می دانید بعد از درگذشت امام خمینی چندین نفر از علمای حوزه علمیه رساله نوشته اند و مدعی مرجعیت هستند.

عده ای هم از قبل بودند. حالاً ما ندانیم که بین این همه مرجع از کدامیک تبعیت کنیم. از هر کس هم می پرسیم از یک تعریف می کند و دیگری را بدلالی رد میکند آنهایی که الان مدعی مرجعیت هستند البته تا آنجا که شایع است و من شنیده ام به ترتیب حروف الفبا عبارتند از:

آیت الله اراکی، آیت الله آملی، آیت الله خویی، آیت الله دکتور محمد صادقی، آیت الله صانعی، آیت الله قمی، آیت الله گلپایگانی، آیت الله منتظری، آیت الله مشکینی، آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله وحید خراسانی و...

یکی را می گویند با سواد است ولی دین و سیاست را جدا می داند و در عدالت تشکیک است یکی دیگر ولایت فقیه را قبول ندارد، آن یکی ولایت فقیه را قبول دارد ولی سوابق سیاسی خوبی ندارد، آن یک اعلم نیست و هر کدام بنحوی، بنظر شما چه باید کرد؟

ج- معضلی که بدان اشاره کرده اید امروزه دا منگیر بسیاری جوانهای متعهد و مذهبی جامعه است. بنظر ما این مسئله حاکی از یک بحران ایدئولوژیک و فقر بینش در بین نیروهای مسلمان است که ذیل "به برخی از آنها اشاره میشود (البته این بخشی از مسئله فوق است)

آنچه تا بحال در رساله های عملیه آمده است، برای شناخت مرجع تقلید دو معیار علم و عدل را عنوان کرده اند که بایستی فرد به اعلمیت و اغدلیت مجتهد یقین نماید. این امر در گذشته کمتر مسئله آفرین بود. مشکل قضیه عموماً در مقایسه چندتن با یکدیگر بود که این مقایسه بیشتر جنبه کمی و مقداری داشت مثلاً طول و عرض معلومات یا سوابق علمی افراد با یکدیگر سنجیده می شد. اما اکنون پارامترهای دیگری به میدان آمده که مسئله را پیچیده کرده است. (البته نفس این مسئله نشاندهنده رشد ایدئولوژیک جامعه است)

۱- در مورد شرط اعلمیت اکنون هر فرد در برابر این سؤال قرار دارد که آیا منظور کدام علم است؟ فقه است یا هیچ در حوزه هایی که قرآن در آنجا بعنوان درس رسمی تلقی نمی شود؟ و صرفاً $\frac{1}{12}$ آیات

قرآن را جدا کرده و مورد تفقه قرار میدهند و عده احکام فردی عبادی مورد نظر قرار می گیرد؟ فقه است که برای نهج البلاغه سندیت فقهی قائل نیست و هنوز نمیدانند امام حسین (ع) برای شهادت رفت یا حکومت و یا هیچ کدام، و بود و نبود امام زمان ع تأثیری در عملکرد و شیوه تفقه آنها ندارد و... از مبارزات سیاسی نظامی ائمه اطهار حرفی زده نمی شود و...

آیا منظور از علم و اعلم آن علم فوق الذکر است یا تسلط بر قرآن و سیره ائمه اطهار و آشنایی عمیق با آنها؟

جامعیت قرآن مورد نظر است یا صرفاً بخشی از آن، علمی که در آن ائمه اطهار تفکیک نشده و در همه زمینه ها از آنها سرمشق گرفته می شود و...

یعنی اکنون سنجش مجتهدین با کمیست و مقدار و میزان معلومات آنها نیست، بلکه نوع بینش و محتوای علم آنها معیار و ملاک است. امام خمینی چندین بار دوطرفه فکری و بینش را در بین علما و نیروهای مسلمان مطرح کردند یکی اسلام رفاه طلب، اسلام حامی سرمایه داران و بعبارة امریکایی و دیگری اسلام حامی مستضعفان و اسلام ناب محمدی ص. حالا مشکل ما این است که در انتخاب مرجع تقلید بدام کسی نیفتیم که اساساً برداشت امریکایی از اسلام دارد. هر چند در آن بینش و روش فقه است خود صاحب نظر و اعلم باشد.

۲- در مورد عدالت هم شبیه همین ابهامات وجود دارد. در گذشته عدالت را عمده در رفتار شخصی و روابط خصوصی مجتهد بررسی می کردند. مثلاً "ساده زیستی، خوش خلقی، تواضع و غیره. اما با تحولی که در جامعه ما بوجود آمده است اکنون عدالت بمعنای وسیع تر و واقعی تر کلمه مطرح است. یعنی امروزه به کسی که با ظالم همکاری و مماشات کند عادل نمیگویند عدالت در رفتار اجتماعی و موضعگیری یا عدم موضعگیری سیاسی علاوه بر روابط خصوصی اهمیت ویژه دارد.

در گذشته چه با اگر یک روحانی در سیاست دخالت می کرد و علیه ظلم و ستم جاکم قدس می افراشت از نظر برخی بعنوان توجه به دنیا و بی تقوایی محسوب می شد. اما امروزه که اسلام واقعی تا حدی بیشتر شناخته شده است (و ارزشهای اسلامی رواج بیشتری یافته یک روحانی که نسبت به مسائل سیاسی اجتماعی و سرنوشت مردم بی تفاوت است عادل شمرده نمیشود. حتی جامعه از این هم پیشتر رفته است. امروز صرف مبارز بودن و سیاسی

بودن هم معیار نیست. مردم به شیوه های مبارزه و نحوه عمل روحانیون در صحنه سیاست توجه دارند. اگر یک روحانی که مبارزه هست، شیوه های غیر اسلامی بکار ببرد مردم در عدالتش تردید نمی نمایند و از او روی برمی گردانند. که نمونه های زیادی تا بحال دیده ایم.

اما اینکه چه باید کرد. می دانید در اسلام اصول اعتقادی و بینشی بهیچ وجه تقلید بردار نیست. هر مسلمان با دیدنش و عقاید خود را شخصاً تحقیق و تفحص نماید. در تمامی رساله های عملیه هم این مسئله عنوان شده است.

اکنون ما نیاز به یک بازنگری به همین بینش اسلامی موجود در جامعه داریم. یعنی بایستی اسلام واقعی را از اسلام غیر واقعی بازشناسیم. آنگاه با معیارهای صحیح میتوانیم مشکل اجتهاد و تقلید و تشخیص مرجع و اعلم و عادل را حل کنیم. ولی اگر در اصول اعتقادی مرزبندی بین اسلام محمدی و امریکایی مشخص نشده است، توقع زیادی در مورد فروع و احکام و تشخیص مرجع نباید داشت.

بنظر می آید یک راه هم اینست که از هو کدام از آقایان که مدعی مرجعیت هستند بخواهیم که نظرشان را در مورد معضلات فکری فوق بیان کنند تا بینششان مشخص شده و تبادل افکار بوجود آید.

نکته دیگری که لازم بذکر است اینکه بنظر ما رساله نویسی های متعدد و مشابه آنها هم در زمینه احکام خاص مشکلی از مشکلات اسلام و انقلاب و نظام جمهوری برطرف نمیکند بلکه آقایان رساله نویس باید توجه داشتند که باشند که در این ۱۱ سالی که از انقلاب می گذرد مسائل بسیار عمیقی بوجود آمده و طرح شده که حل نشدن آن ضربه بزرگی خواهد زد. اکنون طرح و ارائه اسلام بصورت جهانی مطرح است. قابل حکومت و نظام شدن اسلام هم مطرح است و هم "زیر سؤال رفته است". امیدواریم رساله ها در این جهت نوشته شود.

● در مورد مرزبندی روحانیت

س- در قسمت نهم مقاله فقه امام خمینی اشاره کرده اید که چون روحانیت، مکتب یا مجموعه راهنمای عمل نداشته اند و ارد مصادیق نمی شدند.

حالا را چه می گوئید؟ امروز که همه اعم از روحانی و غیر روحانی مصداق مشخص امریکا را دشمن بشریت می دانند. اما با زهم مشاهده میکنیم که این مصداق مرزبندی

بقیه:

برداشت‌های استراتژیک سخنرانی آقای محمدزاده

دیپلماسی در راه بطله عربستان و فرانسه و شیوخ منطقه

یا در مورد راه بطله با عربستان، ما در مجلس داشتیم کوتاه می‌آمدیم چه جایزه‌ای به ما دادند؟ گردن ۱۶ مسلمان را زدند. یا برای گرفتن طلبان از فرانسه، فردی که رفته بود در مصاحبه‌اش گفته بود که ما نباید مسائل مذهب را در سیاست دخالت بدهیم، البته بعد از بازگشت متکراین حرف شدولی، ما می‌خواهیم با دیپلماسی تمامه یخهایی که بین ما و فرانسه بود ذوب کنیم در صورتی که آنها از مسئله حجاب سه دختر مسلمان نمی‌گذرند. یا مسئله شیوخ منطقه را که ما تحت این عنوان که می‌خواهیم کرد.

بازار مشترک و امنیت مشترک داشته باشیم مطرح کردیم. نتیجه این شد که شیوخ امارات در قطعنامه‌شان گفتند: روند رود متعلق به عراق است جواب ما چه بود؟ اعلامیه وزارت خارجه این بود برای شیوخ، صدام می‌خواهد بر شما مسلط باشد و... آیا این مسائل را نادیده گرفتن، واقع‌گرایی است؟ امام در راه بطله با قطعنامه که در بدترین شرایط بوده ایم گفتند: آنچه که ما در توان داشتیم انجام دادیم و همچنین می‌گویند هرگز دست از مقابله با شما بر نمی‌دارند مگر آنکه شما را از دینتان برگردانند، اگر تصور کنیم که مک‌فارلین آمده و همیشه هم برای ما کیک و اسلحه خواهد داشت درست نیست. کارتر جزء جناح کبوتران بود ولی وقتی سیستم آمریکا ضرر دید به طبع حمله کرد، جنگ را تحمیل کرد یعنی آنجا که منافعا در خطر افتاد کار جناح بازها را کرد.

ریگان "باز کار" کبوترها را کرد. و مک‌فارلین را فرستاد راه مجاهد: ما از آقای محمدزاده و همکارانشان خواهان آنیم که ابتکار مدیریت سمینارها را بعهده بگیرند که در آن مرزا اسلام محمدی (ص) و اسلام آمریکا تعیین گردد.

یعنی هم اسلام محمدی به تفصیل ارائه شود هم اسلام آمریکا بی‌لحاظ "ایدئولوژیک" و "استراتژیک" و "تشکیلاتی" بررسی شود. کارمرزبندی اسلام آمریکایی و اسلام محمدی (ص) از اهمیت خاصی برخوردار است چرا که اولاً این مرزبندی توسط رهبران انقلاب (امام خمینی) انجام شده که بیش از ده سال بطور ملموس رویا روی آمریکا بودند. ثانیاً این مرزبندی توسط مرجعی انجام شده که به تمام زیرو بم‌های حوزه‌های علمیه و آموزشهای آنها آگاهی کامل داشته‌اند. ثالثاً واژه اسلام آمریکایی موجب می‌شود که سرمایه‌داری در

برای آمریکا لیسم آمریکا عمده نگشته بلکه مبارزه با سرمایه‌داری در کار مبارزه با آمریکا لیسم انجام گیرد. طبعاً اگر خط مشی مشخصی برای مبارزه با آمریکا - لیسم و شبکه‌هایش نداشته باشیم در مبارزه با سرمایه‌داری فلج خواهیم شد. رابعاً این مرزبندی مبارزات داخلی را نیز شکل صحیح و به عبارتی اصلت بخشیده چرا که در کا در مذهب علیه مذهب مطرح شده، نه صرفاً مبارزه طبقه‌ای ابزاری خامس است و ته‌تخت امام خمینی فقط در این راستا امکان پذیر می‌باشد که پیروان امام تمام و جوه اسلام آمریکایی را درجا معه و خودپاکسازی نمایند و اگر این راه با پیگیری کاملی ادا می‌پیدا نکند، بن بست آن حتمی خواهد بود. اگر ما ادعا داریم که هویت انقلاب ما یک انقلاب ضد استکباری است باید وضعیت اسلام آمریکایی را مشخص کنیم.

بقیه پاسخ به خوانندگان

مشخصی درجا معه پرا زتفا دما بدست نمیدهد هرچند که ازدل مکتب درآمده است. بنظر من بعد از تعیین مصداق، این شیوه‌های برخورد است که درجا معه مرزبندی‌ها را مشخص می‌کند. یعنی وقتی همه می‌گویند دشمن ما آمریکا است معلوم نمیشود کدام نیرو اصيل است کدام نه. ولی وقتی شیوه برخورد با آمریکا و جوه و خایل امپریالیستی را مشخص کنیم و هر نیرویی شیوه خود را مشخص کند آن هنگام مرزبندی درجا معه برقرار می‌گردد.

ج- سخن آخرین شما بجا و مقبول است. اما مطلبی که درباره وارد شدن روحانیون در مصداق گفته شده بود با اینکه آمریکا را اکنون مصداق دشمن اصلی می‌دانند منافات ندارد. چرا که تا بحال یک تبیین مبتنی بر فقه رایج در حوزه‌ها از این مسئله نداده‌اند حتی برخی با استناد به معیارهای فقهیشان به دوستی با آمریکا و دشمنی با شوروی می‌رسند

با توجه به بسیج و فرهنگ انقلابی مردم ایران و تاکیدات و تصریحات امام خمینی بر شیطنیت و ام الفساد بودن آمریکا همه نیروها اعم از روحانی و غیر روحانی نباید گزیرند که موضع خود را مشخص کنند. ولی همین امروزه هم مشاهده می‌کنیم بسیاری، امور عملی (مصداق) در زمینه اقتصادی، نظامی، سیاسی و اداری برنامه‌های و... را بعهده کارشناسان و متخصصین می‌گذارند و روحانیون روی کلیات نظر می‌دهند. یعنی هنوز از متن قرآن و سنت نمی‌توانند شیوه‌های عملی و برنامه‌ریزی و سازماندهی استخراج کنند اینها را به علم روز که همان راه بشر باشد واگذار می‌نمایند.

امید داریم روحانیون دلسوز و طلاب متعهد با این معضل ایدئولوژیک توجه کرده و گامی موفق در جهت حل آن بردارند. و توجه داشته باشند که برخی از روحانیون قبلاً به راه انبیاء - راه بشر سازمان مجاهدین و راه طی شده مهندس بازرگان همین‌ایراد را می‌گرفتند و اکنون از حوزه‌های علمیه این بن بست سردر آورده است.

بقیه معرفی کتاب

فاغشیناهم فهم لا بیعرون. و ما رمیتی بود: از آن تیرها و گلوله‌ها که خدا پرتاب کرد و به هدف اصابت می‌کند غرور بیروزی را از نیروها می‌گیرد.

برخی از تابلو نوشته‌ها

اساس تخریب تخریب نفس است.

اگر مقام ماندنو، بود به تو نمی‌رسید.

جرم ما این است که اسلام را می‌خواهیم.

وعدگاه حزب الله صحنه‌ها

این بهشت فاطمه و مزار بهشت خواهر گننام شهید است.

این بقیم ر بگری است. (مزار)

تجاوز قرار گرفته

(عربیستان)

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

مارک - ج - گازپوروسکی

بخش علوم سیاسی دانشگاه ایالتی «لویزیانا»
اوت ۱۹۸۷

ترجمه

سرینت غلامرضا نجاری



کتاب کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تحقیقی پیرامون علل و چگونگی به
اجرا درآوردن کودتای ۲۸ مرداد علیه حکومت ملی دکتر محمد مصدق
میباشد که توسط مارک - جی گازپوروسکی، محقق بخش علوم سیاسی
دانشگاه ایالتی لویزیانا (امریکا) انجام گرفته است. این کتاب توسط

سرینت غلامرضا نجاری ترجمه و در سال ۶۷ از سوی شرکت انتشار منتشر شده است.
نویسنده این کتاب که برای تهیه این تحقیق تاریخی تمامی
روزنامه‌های آمریکایی-انگلیسی آن دوران را مورد مطالعه قرار داده است و
با برخی از افراد سیاسی ایرانی که در آن زمان فعالیت داشته‌اند و همچنین با
تمامی ما مورین سیا و سرویس‌های سوسی انگلستان شرکت کننده در این
کودتا (آنها شبکه‌های دژهای امنیتی در قید حیات بسر می‌برند، بجزیک نفر)
مواجهه کرده است، مراحل مختلف اجرای کودتا را به تفصیل شرح می‌دهد.

نویسنده در این تحقیق نشان داده است که چگونه ما مورین سیا و سرویس
های سوسی انگلستان سعی در تحریک همه روزنامه‌ها، شخصیت‌های سیاسی
و مذهبی علیه خط و شخصیت رهبر نهضت ضد استعماری ملی کردن صنعت
نفت داشته و چگونه در آخرین روزهای قبل از کودتا با تظاهرات ساختگی
حزب توده نیروهای شهربانی، ارتش و وپاش طرفدار شاه را برای مقابله
با این تظاهرات به خیابانها کشانده است و در نهایت پس از فروکش
کردن تظاهرات نیروهای ارتش و شهربانی در خیابانها بمانند و باز
کننده راه حرکت واحدهای ارتش جهت انجام کودتا شوند.

از آنجا که بطور حتم هم‌اکنون نیز عناصر صریح و پنهانی بزرگتر با
شیوه‌های پیچیده تر علیه انقلاب و نظام اسلامی کنونی ما به فعالیت
مشغولند و عبرت آموزی از آن اتفاقات ما را در نیافتادن به دام خطوط
طرح شده توسط سیا برای سرنگونی نظام اسلامی با ری می‌دهد خواندن
این کتاب را به همه دست‌اندرکاران نظام اسلامی و نیروهای دلسوز توصیه می‌کنیم

الملك يبقى مع الكفرو
لا يبقى مع الظلم

